



درود و تقوی
معمدوی

محمود ابازری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اهداء

این اثر را تقدیم می‌کنم به شخصیتی که:

اورا فاطمه نامیده‌اند، زیرا مخلوقات از فهم و درک عظمت او عاجزند؛

اورا فاطمه نامیده‌اند، چون از علم باز گرفته شده و سرشار از علم الهی است؛

اورا فاطمه نامیده‌اند، بدین جهت که از همه آلودگی‌ها و از رجس دور است و در یک

کلمه معصوم است؛

اورا فاطمه گفته‌اند، چرا که شیعیان و محبانش از آتش جهنم ننگه داشته شده‌اند؛

اورا زهرا گفته‌اند، بدین جهت که از نور عظمت الهی آفریده شده است؛

اورا زهرا نامیده‌اند، چون وقتی در محراب عبادت می‌ایستاد آن چنان برای آسمانیان

درخشش داشت که خورشید برای زمینیان.

به امید آن که هر چه زودتر صدای دلنشین فرزندش را از کنار کعبه بشنویم که «بَقِيَّتُ

اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ»؛ آنگاه ندا دهد: «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ».

سرشناسه : اباذری، محمود، ۱۳۴۹ -
 عنوان و نام پدیدآور: درو یا قوت مهدوی / محمود اباذری.
 مشخصات نشر: قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۸.
 مشخصات ظاهری: ۲۰۸ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۱۳۰۲-۳
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۰۷.
 موضوع: مهدویت
 موضوع: Mahdism
 موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق -
 موضوع: مهدویت -- انتظار
 موضوع: *Waiting -- Mahdism
 رده بندی کنگره: BP۲۲۴
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۶۰۷۶۴۶۴

مؤلف	محمود اباذری
ویراستار	احمد مسعودیان
ناشر	انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود <small>بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود</small>
طراحی	مسعود سلیمانی
نوبت چاپ	اول / زمستان ۱۳۹۸
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۹۶۱۳۰-۲-۳
شمارگان	هزار نسخه
قیمت	۲۰,۰۰۰ تومان

قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود / خیابان شهدا / کوچه آمار (۲۲) / بن بست شهید علیان / پ: ۲۶ / همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱ / تلفن: ۳۷۷۴۹۵۶۵ و ۳۷۷۳۷۸۰۱ (داخلی ۱۱۷ و ۱۱۶) / ۳۷۸۴۱۱۳۰ / (فروش) / ۳۷۸۴۱۱۳۱ / (مدیریت) / فاکس: ۳۷۷۳۷۱۶ و ۳۷۷۴۴۲۷۳

تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود / تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹ / فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹ / ص. پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵
www.mahdi۳۱۳.com
www.mahdaviat.ir
info@mahdaviat.ir
Entesharatbonyad@chmail.ir

دفاتر بنیاد حضرت مهدی موعود بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود در استان‌ها پاسخگوی درخواست‌های متقاضیان کتاب و محصولات فرهنگی بنیاد و مرکز تخصصی مهدویت می‌باشد.

پیشگفتار

برخی از نعمت‌ها را خداوند در اختیار همه گذاشته است؛ مؤمن و کافر، صالح و فاسد، مثل غالب نعمت‌های مادی؛ ابرو باد و مه و خورشید و فلک....

اما بسیاری از نعمت‌هاست که باید طلب کرد و ظرفیت و قابلیت آن را ایجاد کرد تا خداوند به ما ارزانی نماید، لذا فرمود: «وَأَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ»^۱ و از فضل خداوند درخواست کنید. غالب نعمت‌های معنوی این‌گونه است و در همین راستاست که حق تعالی فرمود: «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ»^۲ پس یاد کنید مرا تا یاد کنم شما را؛ یعنی اگر رحمت الهی را می‌خواهید باید از او بخواهید تا رحمتش بر شما نازل شود. قاعده در مورد حجت خدا نیز این‌گونه است؛ او همانند خورشید است و نیازی به ما ندارد، یاد او بهانه‌ای است برای توجهش به ما و یاد و توجه او برای ما حیاتی است. به نظر رسید موضوع «دُرّ و یاقوت‌های مهدوی» و به عبارت دیگر «نکته‌های مهدوی» راهی است برای یاد آگاهانه امام و تقویت باور و شناختمان نسبت به ایشان تا مشمول الطاف حضرتش قرار گیریم.

نکته ظریفی که امام معصوم در مورد دعای «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ» فرموده‌اند اهمیت این موضوع را نشان می‌دهد؛ در قدم اول فرمود: در شب ۲۳ ماه مبارک رمضان، در سجده، ایستاده، نشسته و در هر حالی که هستی پیوسته این دعا را تکرار کن. در قدم دوم فرمود: در طول ماه مبارک رمضان این کار را انجام بده و در قدم سوم فرمود: و در طول عمرت به هر میزان که توان داری و یادت بود این دعا را در هر حالی که هستی تکرار کن.^۳ این مطلب نشان می‌دهد یاد امام چقدر می‌تواند برای رستگاری ما مؤثر باشد؛ به ویژه اینکه این یاد، آگاهانه و تقویت‌کننده

۱. نساء، ۳۲.

۲. بقره، ۱۵۲.

۳. کافی، ج ۴، ص ۱۶۲، کتاب الصیام، بَابُ الدُّعَاءِ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، ح ۴.

شناختمان باشد.

از ۲۱ دی ماه سال ۱۳۹۷ (۲ جمادی الاولی ۱۴۴۰) تصمیم بر این گرفته شد که روزی یک نکته مهدوی در کانال مباحث مهدوی (eitaa.com/mamm14) بارگذاری شود. به فضل الهی این کار بدون وقفه ادامه یافت و در تاریخ ۴ خردادماه ۱۳۹۸ (۱۹ رمضان المبارک) صد و سی و پنجمین نکته ثبت شد و تا حدودی در این مدت چهار ماه و نیم، مناسبت‌ها نیز در بیان نکته‌ها، در نظر گرفته شده است؛ و اکنون این مجموعه با نام «دُرّ و یاقوت مهدوی» در اختیار منتظران قرار می‌گیرد. به امید آن که همچنان بتوانم این راه را ادامه بدهم.

با یک برنامه ریزی، می‌توان روزی یک نکته از این نکات را بخوانیم و سپس برای خانواده، دوستان، اهل مسجد و... بیان کنیم تا هم خودمان از فیوضات این کار بهره‌مند شویم و هم در زمره دین داران دین یاور قرار گیریم و قدمی در مسیریاری امامان برداشته باشیم!

قم - رمضان المبارک ۱۴۴۰

محمود اباذری

۱. نقطه نظرات خود را می‌توانید از طریق کانال‌های ذیل به اطلاع برسانید:

<https://eitaa.com/mas110>

<https://eitaa.com/mamm14>

<https://eitaa.com/dha1397>

فهرست مطالب:

مقدمه ۱۲

دُر و یاقوت مهدوی

۱. دوست دارید جزء یارانش باشید؟ ۲۰
۲. آنگاه که نگاهش به ما می افتد..... ۲۱
۳. از «من» خود گذشت «منّا» شد! ۲۲
۴. تا کجا حاضریم پای ولایت بمانیم؟ ۲۳
۵. چه قیاس نابجایی کردی! ۲۴
۶. همه آنان را خواهی دید! ۲۵
۷. معیار خوب و بد در زندگی..... ۲۶
۸. اگر ۱۷ یاور داشتم! ۲۷
۹. کم خرج، ولی پرفایده ۲۸
۱۰. الگوی دادگستر جهان ۲۹
۱۱. سوالی شگفت انگیز! ۳۰
۱۲. غربال غیبت ۳۱
۱۳. از رفتنش قلبم درد گرفت ۳۲
۱۴. راه تشریف محضرامام زمان ع ۳۳
۱۵. خانه ای در کنار خانه رسول خدا در بهشت ۳۴
۱۶. در این گونه بودن با هم رقابت کنید. ۳۵
۱۷. عجب جایگاهی! ۳۶
۱۸. او امام است. ۳۷
۱۹. برای نجات می آید. ۳۸
۲۰. بی مقدمه یا با مقدمه؟! ۳۹

- ۲۱ . هرچه سخت تر باشد، ارزشمندتر است. ۴۰
- ۲۲ . برابر با اجر ۱۰۰۰ شهید! ۴۱
- ۲۳ . به گل روی تو ۴۲
- ۲۴ . راه سلمان شدن ۴۳
- ۲۵ . به خدا قسم هشام است (که می آید) ۴۴
- ۲۶ . همانند مادری دلسوز ۴۵
- ۲۷ . نهر عظیم را رها کرده و آب چاله را می کند! ۴۶
- ۲۸ . در بهشت با من ۴۷
- ۲۹ . رسول خدا را شاد کنید! ۴۸
- ۳۰ . فرموی که فضه خادمه را «فِضَّتْنَا» کرد! ۴۹
- ۳۱ . آیا فکرمی کنید ما به یاد شما نیستیم؟! ۵۱
- ۳۲ . چرا نام مبارکشان به صراحت در قرآن نیامده است؟ ۵۲
- ۳۳ . متى الفرج؟ ۵۳
- ۳۴ . اگر امامت را درست بشناسی ۵۴
- ۳۵ . زخاک تیره می روید، ولی ۵۵
- ۳۶ . نزدیک ظهور، این اتفاق می افتد ۵۶
- ۳۷ . چنین تعبیری در مورد کمتر دعایی دیده می شود! ۵۷
- ۳۸ . چه حق بزرگی بر ما دارند! ۵۸
- ۳۹ . آیا وقت آن نرسیده است که مثل آنان نباشید؟! ۵۹
- ۴۰ . ام البنین ۶۰
- ۴۱ . الزامات منتظران طلوع خورشید ۶۱
- ۴۲ . سیاهی روی سفیدی ۶۲
- ۴۳ . چهار چیز در چهار چیز پنهان شده! ۶۳
- ۴۴ . رحمتی است برای همه جهانیان ۶۴
- ۴۵ . مصیبت اینجاست! ۶۵

۴۶. دوازده مهدی ۶۶
۴۷. درک ظهور یا درک حضور؟! ۶۷
۴۸. سه ویژگی ثابت قدمان ۶۸
۴۹. زمان باز شدن درهای رحمت ۶۹
۵۰. يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ ۷۰
۵۱. ابزار شناختش عقل است ۷۱
۵۲. آیا تو یوسفی؟! ۷۲
۵۳. مثل زنبور عسل ۷۳
۵۴. روز شادی شیعیان ۷۵
۵۵. نعمت پنهان ۷۶
۵۶. ماء معین ۷۷
۵۷. جبرئیل برزبان‌ت جاری کرد ۷۸
۵۸. شما صاحب این امر هستید؟ ۷۹
۵۹. چرا او را «قائم» و «منتظر» می‌گویند؟ ۸۰
۶۰. از قم رفته بود سامرا تا امامش را بشناسد! ۸۱
۶۱. راه‌هایی از مرگ جاهلی ۸۲
۶۲. آیا مرا می‌شناسی؟! ۸۳
۶۳. توصیه‌ای از سوی امام ۸۴
۶۴. ارزش و جایگاه انتظار ۸۵
۶۵. آزمون‌های قبل از قیام ۸۶
۶۶. محکم تراز کوه! ۸۷
۶۷. فقط به اهلش بگویید. ۸۸
۶۸. هرگز از هم جدا نمی‌شوند ۸۹
۶۹. دوست دارید جزء یارانش باشید؟! ۹۰
۷۰. نشانه‌های یار ۹۱

۷۱. شما سعی کنید این گونه نباشید! ۹۳
۷۲. آیا عالم با معجزه اصلاح می شود؟! ۹۴
۷۳. پیامی برای مسئولین ۹۵
۷۴. امان از جهالت دوم! ۹۶
۷۵. تا کنون دو بار برافراشته شده است. ۹۷
۷۶. آخرین نامه ۹۸
۷۷. علت اصلی غیبت ۹۹
۷۸. ما هم مثل شما متأثر شدیم ۱۰۰
۷۹. گیر از خودمان است. ۱۰۱
۸۰. اثر لقمه ۱۰۳
۸۱. کدامیک شایسته ترند؟! ۱۰۵
۸۲. یوسف زهرا ۱۰۶
۸۳. خورشید همیشه پشت ابر نمی ماند! ۱۰۸
۸۴. ندای آسمانی ۱۱۰
۸۵. امان از غفلت و قدرشناسی؟! ۱۱۲
۸۶. برای احیاء می آید ۱۱۴
۸۷. تلاشگر پنهان ۱۱۵
۸۸. کجایند چنین یارانی؟! ۱۱۶
۸۹. پیچ بزرگ تاریخی ۱۱۷
۹۰. کتابی برای تو، به محمد تاج داده ام ۱۱۸
۹۱. وظایف منتظران از منظر صحیفه سجادیه ۱۱۹
۹۲. راه گشایش و حل مشکلات ۱۲۰
۹۳. تفاوت استعجال با تعجیل فرج ۱۲۱
۹۴. بهانه یاری ۱۲۲
۹۵. از خدا به امام و از امام به خدا می رسیم ۱۲۳

۹۶. دعای فرج ۱۲۵
۹۷. درسنامه منتظران ۱۲۶
۹۸. مشکلی بزرگ! ۱۲۸
۹۹. دعای کمیل ۱۲۹
۱۰۰. خبری مسرت بخش! ۱۳۰
۱۰۱. اینگونه ارتباط برقرار کنید ۱۳۱
۱۰۲. او از بهترین شماها نزد امامش بود ۱۳۲
۱۰۳. دعواتان ما را غمگین کرد! ۱۳۴
۱۰۴. آن چه که امام زمانمان را آزار می دهد ۱۳۵
۱۰۵. چرا اینقدر دیر آمدی؟! ۱۳۶
۱۰۶. کار نیمه تمام ۱۳۷
۱۰۷. فقط ۱۲ نفر، نه کمتر و نه بیشتر! ۱۳۸
۱۰۸. می آید، ولی پشت سر امام، به نماز می ایستد! ۱۴۰
۱۰۹. آب در کوزه و ما تشنه لبان گرد جهان می گردیم! ۱۴۱
۱۱۰. ایام الله ۱۴۲
۱۱۱. ایام الله خاص الخاص ۱۴۳
۱۱۲. معلم ایتم با بزرگ معلم بشریت ۱۴۴
۱۱۳. خوشگذرانان جا می مانند! ۱۴۵
۱۱۴. تنها راه ۱۴۶
۱۱۵. چرا گریه می کنی؟! ۱۴۷
۱۱۶. نورانی تر از خورشید ۱۴۸
۱۱۷. به همه شیعیانم نیز سفارش کن ۱۴۹
۱۱۸. به زودی صاحب دو پسر می شوی ۱۵۰
۱۱۹. سلاح شک ۱۵۱
۱۲۰. سلاح حاشیه به جای اصل ۱۵۲

۱۲۱. سلاح بدل به جای اصل ۱۵۴
۱۲۲. سلاح تحریف ۱۵۶
۱۲۳. سلاح تفرقه ۱۵۷
۱۲۴. سلاح تخویف (ترساندن) ۱۵۹
۱۲۵. سلاح دَجَل ۱۶۱
۱۲۶. بزرگ‌الگوی منتظران ۱۶۲
۱۲۷. چقدر تفاوت ۱۶۳
۱۲۸. تا بدانید خدا خداست ۱۶۴
۱۲۹. آیه اَمَّنْ يُجِيب ۱۶۶
۱۳۰. چه حکایت شگفتی! ۱۶۷
۱۳۱. ارزش عبادت در دوران غیبت امام ۱۶۹
۱۳۲. بسان بدر ۱۷۰
۱۳۳. جمکران ۱۷۲
۱۳۴. شب قدر و قدر انسان ۱۷۳
۱۳۵. فاطمه زهرا و شب قدر ۱۷۴
- ضمیمه ۱۷۶
- فهرست آیات ۱۸۵
- فهرست روایات ۱۹۰
- فهرست موضوعات ۱۹۷
- فهرست شخصیت‌ها ۱۹۹
- فهرست مکان‌ها ۲۰۵
- منابع و مآخذ ۲۰۷



مقدمه

نام: محمد.

کنیه: ابوالقاسم.

لقب: مهدی، قائم، بقیة الله، خاتم الاوصیاء، صاحب الزمان، ماء معین، منتظر، حجت الله، منصور....

مکان زندگی: به خاطر حفظ جانسان، از اسرار است.

مکان ظهور: مکه، مسجد الحرام، کعبه، بین رکن و مقام.

زمان ظهور: از اسرار الهی است.

نام امام زمان

بر اساس روایات متعددی که از فریقین نقل شده است امام زمان، همانام با جدشان رسول خدا هستند. رسول خدا ﷺ فرمود: «حضرت مهدی از فرزندان من است و نامش نام من است»^۱.

اما آیا به زبان آوردن نام ایشان جایز است یا خیر؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت: تصریح به نام امام زمان در دوران ظهور قطعا جایز و در دوران قبل از غیبت کبرا قطعا حرام بوده است^۲ (به دلائلی از جمله حفظ جان ایشان، زیرا تصریح به نام می توانست دشمن را در شناسایی ایشان کمک کند). بحثی که در این جا وجود دارد این است که در دوران غیبت کبرا تصریح به نام ایشان جایز است یا خیر؟ و به عبارت دیگر آن حرمت، تا دوران ظهور استمرار دارد یا با شروع غیبت کبرا برداشته شده است؟

این یک بحث فقهی است و باید بر اساس دیدگاه مرجع تقلید خود عمل کنیم برخی

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۷، باب ۲۵. و نک: سنن ابی داوود، ج ۴ ص ۱۸۳۴، کتاب المهدی.

۲. نعمانی، الغیبة، ص ۲۸۸، باب ۱۶ با عنوان باب ممنوعیت تعیین زمان برای ظهور و ممنوعیت تصریح به نام ایشان. نک: «حکم تسمیه و نام حضرت ولی عصر»، فصل نامه انتظار موعود، شماره ۳.

از مراجع با استناد به روایات، معتقدند احتیاط این است تا هنگام ظهور از به زبان آوردن نام ایشان خودداری نموده و از القابشان استفاده کنیم.

کنیه^۱

ابوالقاسم (ابوجعفر، ابیصالح)

کنیه امام نیز همانند نام اصلیشان، مورد اتفاق نظر همه امت اسلام است و طبق روایات متعدد، ایشان هم کنیه رسول خدا هستند؛ یعنی «ابوالقاسم».

در روایتی ابو حمزه شمالی از امام محمد باقر علیه السلام نقل می‌کند که ایشان فرمودند: «... پدر و مادرم فدای هم نام و هم کنیه ام؛ هفتمین پس از من. پدرم فدای کسی که عالم را پر از عدل و داد می‌کند».^۲

طبق این روایت یکی از کنیه‌های امام مهدی «ابا جعفر» خواهد بود.

در میان مردم کنیه «ابا صالح» بیشتر شهرت یافته است، ولی دلیل و روایت معتبری مبنی بر اینکه کنیه ایشان ابیصالح باشد نداریم.

نکته‌ای که این جا وجود دارد این است که گاهی لقب در قالب و لباس کنیه ظاهر می‌شود؛ مثل: «ابوتراب» که لقب امام علی است، اما در قالب کنیه و بیانگر تواضع و فروتنی ایشان است یا «ابوالجود» که دلالت بر سخاوت و کرم فرد دارد.

در مورد تعبیر ابیصالح نیز برخی از بزرگان معتقدند^۳ از همین باب است و در واقع از آیه ۱۰۵ سوره انبیاء گرفته شده است؛ خداوند در این آیه شریفه می‌فرماید:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛ و

در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما

۱. در فرهنگ عرب زبانان، غیر از نام اصلی، نامی برای افراد گذاشته می‌شود که با پیشوند «اب» (پدر) و «ام» (مادر) می‌آید و پس از آن غالباً اسم فرزند آورده می‌شود و کاربردهای گوناگونی دارد؛ مهم‌ترین آن این است که برای احترام و تکریم افراد از آن استفاده می‌شود، لذا برای افرادی که هنوز صاحب فرزند هم نشده‌اند کنیه قرار داده می‌شود.

۲. نعمانی، الغیبه، ص ۸۶، باب ۴، ح ۱۷.

۳. فصل نامه/انتظار موعود، شماره ۱۱، ص ۲۱ به بعد.

به ارث خواهند برد».

از آنجا که امام زمان، رهبر و مقتدای صالحان است، او می‌شود «اباصالح» و پیام آن این است که منتظران «اباصالح» باید «صالح» باشند.

القاب امام زمان

«مهدی»

مشهورترین لقب ایشان به ویژه در میان اهل تسنن، «مهدی» است. این واژه از ریشه «هدی» گرفته شده و اسم مفعول است و به معنای هدایت یافته می‌باشد.

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

وَإِنَّمَا سُمِّيَ الْمَهْدِيُّ مَهْدِيًّا لِأَنَّهُ يُهْدَى إِلَى أَمْرِ خَفِيِّ؛ و همانا او را مهدی نامیده‌اند، چون (از سوی خداوند) به سوی هرامرپنهان هدایت می‌شود.

در واقع این لقب، به علم غیب امام مهدی و ارتباط و اتصال ایشان به خداوند متعال اشاره دارد. آری، کسی که «مهدی» باشد می‌تواند «هادی» امت باشد.^۱

«قائم»

در غالب روایات اهل بیت، با این تعبیر از ایشان یاد شده است. این واژه از ریشه «قیام» و به معنای ایستاده است. وقتی همراه حرف «باء» بیاید (يقوم ب... قیامه ب...) اصطلاحاً متعدی می‌شود و به معنای برپای دارنده خواهد بود. ایشان را قائم می‌نامند، زیرا باطل را نابود و ریشه ظلم و ظالمان را قطع و حق را احیاء می‌کند. به عبارت دیگر حق را به پای می‌دارد و در جایی که شایسته حق است قرار می‌دهد و از طرف دیگر قائم است و آماده انجام فرمان الهی آنگاه که فرمان «قُم» صادر شود.

نکته

آیا وقتی این لقب را بر زبان جاری می‌کنیم یا می‌شنویم لازم است روی پا بایستیم؟

۱. ر.ک: سیمای ماه دوازدهم، ص ۷۵، ذیل آیه ۳۵ سوره یونس.

دست بر سر گذاشتن هنگام شنیدن این لقب به چه معناست؟
در نقلی چنین آمده است که امام رضا علیه السلام هنگام شنیدن این نام، ایستادند و دست
بر سر گذاشتند، ولی چنین نقلی و مشابه این نقل، در منابع دست اول و معتبر دیده
نمی‌شود.^۱

شایان ذکر است که قائم بودن ایشان کنایه از آمادگی برای انجام فرمان الهی است؛
حال وقتی منتظرانش این ویژگی امام زمانشان را می‌شنوند بسیار شایسته است که آنها
نیز آمادگی خود را اعلام کنند و ایستادن، نماد اعلام آمادگی است به ویژه این که دست
بر سر گذاشتن نیز کنایه از درماندگی است و به معنای استغاثه و فریاد خواهی؛ یعنی آقا
جان! ما مستأصلیم، به دامن برسید؛ همان گونه که دست بر پا زدن که در انتهای
دعای عهد آمده است نیز به همین معناست.

«بقیة الله»

«بقیه» یعنی آن چه باقی مانده است و وقتی به خداوند نسبت داده شود؛ یعنی آنچه
که از طرف خداوند باقی مانده است. همه جانشینان خاتم الانبیاء والمرسلین را «بقیة
الله» می‌گویند، زیرا آخرین حجت‌های الهی از سلسله حجج اویند و به طور خاص
آخرینشان را بقیة الله می‌نامند، چون آخرین حجت الهی و خاتم اوصیاء است.
روایات متعددی ذیل آیه ۸۶ سوره هود وجود دارد که نسبت به این لقب، تصریح
دارد.^۲

«صاحب الزمان»

خداوند حکیم در این عالم ماده، امور خلائق را به خلیفه اش سپرده است تا او با
اذنی که دارد اراده حق تعالی را در جهان جاری سازد، لذا امام، صاحب و پناه مردمان و
یار و یاورشان در رسیدن به رستگاری است، پس او سید و مولای ماست؛ اما مولایی که
تمام سعیش، عزت ماست.

۱. الزام الناصب، حائری یزدی، جلد ۱، ص ۲۴۹.

۲. نک: تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۳۹۰ و همین کتاب، در و یاقوت شماره ۵۰.

شاید معنای دیگری که برای این لقب بتوان بیان کرد این است که ایشان، به اذن الله ولایت بر همه هستی از جمله زمان دارد و همه چیز در اختیار اوست؛ او فوق زمان است و حاکم بر زمین و زمان، و چرا چنین نباشد که مظهر تام اسماء و صفات الهی است و این ویژگی حق تعالی است که در خلیفه اش تجلی یافته است. اگر حقیقت این لقب فهمیده شود نگاه ما به امام و استفاده و بهره ما از ایشان متفاوت خواهد شد و این جملات ورد زبانمان خواه شد که:

الهی! همین عزت مرا بس که مأموم چنین امامی باشم و همین افتخار
برایم کافی که چنین امامی بر سر داشته باشم؛ خدایا! امام آن گونه که
من دوست دارم هست، پس مرا آن گونه که او دوست دارد قرار بده.^۱

۱. تعدادی دیگر از القاب و همچنین پیرامون مکان زندگی و زمان و مکان ظهور، نکاتی در پایان کتاب به صورت ضمیمه بیان شده است.

دُرُ وِیاقُوتِ مِهدوی

۱. دوست دارید جزء یارانش باشید؟

آمد محضر مبارک امام صادق علیه السلام؛ کارش که تمام شد اجازه مرخصی گرفت. امام در حالی که با نگاهی عمیق او را بدرقه می کرد، فرمود:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى هَذَا؛ اگر کسی نگاه کردن به یکی از اصحاب حضرت قائم او را شاد می کند، پس به این شخص نگاه کند.^۱

به راستی داوود رقی چه شاخصه هایی داشت تا به وسیله آن «انسان تراز» مورد نیاز امام زمان را بهتر بشناسیم؟

نکته جالب توجه در این قضیه این است که مهم نیست در چه زمانی زندگی می کنیم، بلکه مهم این است چگونه زندگی می کنیم؟ داوود رقی سال ها است از دنیا رفته است، اما با ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف رجعت خواهد کرد.

حضرت در بیان دیگری از وی چنین یاد می کند:

«او برای من به منزله مقدار است برای رسول خدا».^۲

و از مهم ترین ویژگی های مقدار عبارت است از: بصیرت، ولایت مداری، صبر و استقامت برحق.

۱. رجال کشی، ص ۴۰۲، حدیث ۷۵۱.

۲. همان.

۲. آنگاه که نگاهش به ما می افتد

کنار بقیع سوار بر شتر ایستاده بودم؛ پیکی آمد و گفت: ای ابا حمزه ثمالی! مولایت را اجابت کن. خود را به سرور و مولایم امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ رساندم. همین که چشم حضرت به من افتاد فرمود:

«إِنِّي لَأَسْتَرِيحُ إِذَا رَأَيْتُكَ؛^۱ وقتی تو را می بینم احساس راحتی می کنم».
(به عبارت دیگر؛ یعنی وقتی تو را می بینم شاد می شوم).

هیچ به این فکر افتاده ایم که وقتی امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ ما را می بینند لبخند رضایت بر لبانشان می نشیند یا خدا ناکرده....!

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

چه شده است شما را که رسول خدا را ناراحت می کنید؟! شخصی پرسید: چگونه او را ناراحت می کنیم؟! حضرت فرمودند: آیا نمی دانید کارهای شما محضرایشان عرضه می شود. وقتی معصیتی در اعمالتان ببینند، ناراحت می شوند: «فَلَا تَسُوءُوا رَسُولَ اللَّهِ وَ سُرُّوه؛^۲ رسول خدا را ناراحت نکنید بلکه او را (با کارهای خوبتان) شاد کنید». و امام نیز....

توجه به این آیه شریفه چقدر انسان ساز است:

«وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ؛^۳ و بگو: عمل کنید! خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می بینند!».

۱. همان، ص ۳۳، حدیث ۶۱.

۲. کافی، ج ۱، ص ۲۱۹، کتاب الحجة، باب عرض الاعمال.

۳. توبه، ۱۰۵.

۳. از «من» خود گذشت «منا» شد!

به امام صادق علیه السلام عرض کرد: یاد سلمان فارسی را زیاد از شما می شنوم! (علت چیست؟) حضرت فرمودند: می دانی چرا زیاد او را یاد می کنم؟ گفت: نه! حضرت فرمود: به خاطر سه ویژگی:

۱. «إِيَّارُهُ هَوَىٰ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ هَوَىٰ نَفْسِهِ؛ ترجیح دادن خواسته

امامش امیرالمؤمنین بر خواسته خودش»؛

۲. «حُبُّهُ الْفُقَرَاءَ وَ اخْتِيَارُهُ إِيَّاهُمْ عَلَىٰ أَهْلِ الشَّرْوَةِ وَالْعُدَدِ؛ دوست داشتن

فقرا و ترجیح دادن (نشست و برخاست با) آنان بر ثروتمندان»؛

۳. «حُبُّهُ لِلْعِلْمِ وَالْعُلَمَاءِ؛ دوست داشتن دانش و دانشمندان»^۱.

به راستی چه زیباست انسان به گونه ای زندگی کند که «مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ»^۲ بشود و

سال ها بعد از مردنش، امام و حجت خدا پیوسته او را یاد کند.

و امروز می توانیم با ترجیح دادن خواسته های امام زمانمان، سلمان گونه زندگی

کنیم.

۱. بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۳۲۷.

۲. مفید، اختصاص، ص ۳۴۱.

۴. تا کجا حاضریم پای ولایت بمانیم؟

دوست امام علی علیه السلام بود و حضرت او را دوست می داشت روزی در حالی که (جایی) می رفت حضرت، او را صدا زدند و فرمودند:

«يَا جُوَيْرِيَّةُ! الْحَقُّ بِي فَإِنِّي إِذَا رَأَيْتُكَ هَوَيْتُكَ؛^۱ ای جویریه! بیا پیش من! وقتی تو را می بینم شیفته تومی شوم».

هموست که می گوید:

هنگامی که ما با امیرالمؤمنین متوجه صفین شدیم و به طُفُوفِ کربلا رسیدیم، امیرالمؤمنین در ناحیه ای از لشکرگاه ایستاد و سپس نظری به سمت راست و چپ نمود و اشکهایش فروریخت، و پس از آن گفت:

«هَذَا وَاللَّهِ مَنَاخُ رِجَالِهِمْ وَمَوْضِعُ مَنِيَّتِهِمْ؛^۲ به خدا سوگند، اینجا است محل به زمین آمدن شتران ایشان و موضع مرگ ایشان».

آری، این بزرگ مرد؛ یعنی جویریة بن مسهر عبیدی به جرم عشق به مولایش علی دست و پایش توسط زیاد بن ابیه قطع شد و به دار آویخته شد.^۳

راستی ما تا کجا حاضریم پای ولایت بمانیم!؟

۱. بحار الأنوار، ج ۴۱، ص ۳۴۲.

۲. مفید، ارشاد، ج ۱، ص ۳۳۲.

۳. همان، ص ۳۲۳.

۵. چه قیاس نابجایی کردی!

به امام صادق علیه السلام عرض کرد: ولایت شما و شناختی که خداوند نسبت به حق شما به من داده است از همه دنیا برایم دوست داشتنی تر است. (پس از ابراز علاقه ام) دیدم آثار خشم در چهره حضرت آشکار شد و فرمود:

يَا يُونُسُ قِسْتَنَا بَغَيْرِ قِيَاسٍ...؛ ای یونس! قیاس نابجایی کردی! آیا دنیا چیزی جز پر کردن شکم و پوشاندن بدن است؟ در حالی که توبه واسطه محبت ما صاحب حیات و زندگی ابدی خواهی شد!

کسی که ولایت اهل بیت علیهم السلام را نداشته باشد «مات میتة جاهلیة» و چون مرگ عصاره حیات است، وقتی مرگش جاهلی بوده؛ یعنی حیاتش هم در جاهلیت بوده و به عبارت دیگر مرده متحرکی بیش نبوده است.

آری، نعمت ولایت و محبت اهل بیت علیهم السلام را با هیچ چیزی نمی توان قیاس نمود و ثروتمند کسی است که صاحب این نعمت باشد و فقیر و بدبخت کسی است که از این نعمت محروم باشد. بیاییم و شکر این نعمت را به جا آوریم، چرا که: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ»^۱ و با این سرمایه، در مسیر هم‌رنگی با آنان پیش برویم.

۱. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۶۶.

۲. ابراهیم، ۷.

۶. همه آنان را خواهی دید!

خیلی دوستدار اهل بیت علیهم السلام بود؛ وقتی رسول خدا از دوازده جانشین خود نام بردند، در حسرت دیدار همه آنان بود و اشک می ریخت.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«يَا سَلْمَانَ إِنَّكَ مُدْرِكُهُمْ وَ أَمْثَالُكَ وَ مَنْ تَوَلَّاهُمْ بِحَقِيقَةِ الْمَعْرِفَةِ؛ ای سلمان! تو و کسانی که همانند تو باشند و ولایت آنان را از روی شناخت حقیقی داشته باشند، همه آنان را خواهید دید.»

این خبر مسرت بخش اشک شوق سلمان را جاری ساخت و پرسید ای رسول خدا! کی؟ حضرت فرمودند: این آیه را بخوان:

«فَإِذَا جَاءَ وَعَدُ أَوْلَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ... ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ...» پس آن گاه که وعده [تحقق] نخستین آن دو فرا رسد، بندگانی از خود را که سخت نیرومندند بر شما می گماریم،... پس [از چندی] دوباره شما را بر آنان چیره می کنیم...»

یعنی زمانی خواهد آمد که حجت های الهی و مؤمنان خالص، رجعت خواهند کرد. و سلمان می گوید: از نزد رسول خدا برخاستم در حالی که (از شدت خوشحالی) دیگر برایم مهم نبود مرگ به سراغم بیاید یا من به سراغ مرگ بروم.^۱

باید دید سلمان چه ویژگی داشت که حضرت فرمودند:

«يَا سَلْمَانَ إِنَّكَ مُدْرِكُهُمْ وَ أَمْثَالُكَ...»

یکی از مهم ترین ویژگی هایش، عشق و ارادت به رسول خدا و اهل بیت طاهرینش و اطاعت و پیروی از آنان بود.

۱. اسراء، ۵ و ۶. این آیه یکی از آیات دال بر رجعت می باشد.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۴۳.

۷. معیار خوب و بد در زندگی

مورد اعتماد و توجه چهار امام^۱ بود و سلمان زمان خودش محسوب می شد؛ نامش در سند بیش از ۲۶۰ حدیث به چشم می خورد.

مدتی در بصره مشغول تبلیغ بود. آمده بود محضر مولایش علی بن موسی الرضا که خبر رسید عده ای از اهل بصره اذن ملاقات می خواهند. حضرت، به یونس فرمودند: برو داخل اتاق و تا نگفتم خارج نشو. آنان آمدند و تا توانستند از یونس گلایه و شکایت کردند؛ حرفشان که تمام شد، برخاستند و خدا حافظی کرده و رفتند. آنگاه امام به یونس فرمودند: بیا.

او در حالی که اشک می ریخت آمد و گفت: فدایتان کردم من از این مسئله (ولایت) دفاع می کنم و اینان این گونه علیه من حرف می زنند!

حضرت فرمودند: «یا یونس! فَمَا عَلَيْكَ مِمَّا يَقُولُونَ إِذَا كَانَ إِمَامُكَ عَنْكَ رَاضِيًا...؛ یونس! حرف آنان چه ضرری برای تو دارد آنگاه که امامت از تو راضی باشد. اگر در دست تو درزی باشد و مردم بگویند بی ارزش است یا در دستت شیئی بی ارزشی باشد و بگویند درّ است آیا برای تو سود (و ضرری) دارد؟ گفت: نه». حضرت فرمودند: «إِذَا كُنْتَ عَلَى الصَّوَابِ وَ كَانَ إِمَامُكَ عَنْكَ رَاضِيًا لَمْ يَضُرَّكَ مَا قَالَ النَّاسُ؛ وقتی کار تو درست است و امام تو از تو راضی است، دیگر حرف مردم به تو ضرری نخواهد رساند».^۲

این همان توصیه ای بود که امام صادق نیز به زرارة بن اعین فرمودند.^۳ چه زیبا و دلنشین خواهد شد زندگی کسی که معیارش در زندگی، جلب رضایت امامش باشد.

۱. امام باقر، امام صادق، امام کاظم و امام رضا علیهم السلام.

۲. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۶۶.

۳. «... و أنا والله عنك راض فما تبالي ما قال الناس بعد هذا»؛ (رجال کشی، ص ۱۴۱، ح ۲۲۲).

۸. اگر ۱۷ یاور داشتیم!

صحنه عجیبی بود! داشت امام و حجت خدا را نصیحت می کرد! می گفت: «وَاللَّهِ مَا يَسَعُكَ الْقُعُودُ؛ به خدا قسم نشستن برای شما جایز نیست! (لازم است قیام کنید)». امام صادق علیه السلام فرمودند: چرا؟ ای سدیر! عرض کرد: به خاطر فراوانی پیروان و یاورانی که دارید. به خدا قسم اگر امیر المؤمنین این همه پیرو و یاور داشت دیگران در (غصب خلافت) او طمع نمی کردند. (و او قیام می کرد).

حضرت فرمودند: به نظرت چقدر یاور دارم؟ گفت: ۱۰۰۰۰۰ فرمود: صد هزار؟ گفت: بله، بلکه ۲۰۰۰۰۰، بلکه نصف دنیا. می گوید: حضرت سکوت کردند و بعد فرمودند: برایت امکانش هست به یَنْبُع برویم؟ گفتم: بله. با هم حرکت کردیم تا وقت نماز رسید در حالی که دنبال مکان مناسب برای نماز بودیم؛ چشم حضرت به پسر بچه ای افتاد که بزغاله می چراند. ایستادند و فرمودند: «وَاللَّهِ يَا سَدِيرُ! لَوْ كَانَ لِي شِيعَةٌ بَعْدَ هَذِهِ الْجِدَاءِ مَا وَسَعَنِي الْقُعُودُ؛ به خدا قسم ای سدیر! اگر به تعداد این بزها شیعه داشتیم نشستن برایم جایز نبود!». بعد از نماز برگشتم و بزغاله ها را شمردم دیدم هفده رأس هستند.^۲

باید دید ویژگی یاران امام چیست؟ و آیا کسی که امام را نصیحت می کند می تواند یار امام باشد؟! و آیا یکی از مهم ترین ویژگی ها، اعتماد به امام و مأموم امام بودن نیست؟

۱. محلی در اطراف مدینه.

۲. کافی، ج ۲، ص ۲۴۳، باب فی قلة عدد المؤمنین، ح ۴.

۹. کم خرج، ولی پرفایده

از یاران با وفای امام علی بود؛ در جنگ جمل، صفین و نهروان شرکت فعال داشت و چون سخنوری زبردست بود، از این هنر برای یاری امام، سنگ تمام گذاشت. همو بود که امام او را بروصیت خود شاهد گرفت و در هنگام دفن حضرت، حضور داشت و در حالی که خاک بر سر خود می ریخت با اشعاری جانسوز از عمق این مصیبت و دررثا و فضایل حضرت می سوخت و شعر می سرود. با دلی آکنده از غم به قصد دیدار مولایش آمد، اما شنید که امکان ملاقات وجود ندارد. به دربان گفت:

به حضرت بگویید: «يَرْحَمُكَ اللهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حَيًّا وَمَيِّتًا فَلَقَدْ كَانَ اللهُ فِي صَدْرِكَ عَظِيمًا وَلَقَدْ كُنْتُ بِذَاتِ اللهِ عَلِيمًا؛ ای امیر المؤمنین! خداوند شما را مورد لطف و رحمت خود قرار دهد. خداوند، در سینه تو بسیار بزرگ بود (برای خدا خیلی ارزش قائل بودی) و در اوج و قله خداشناسی قرار داشتی».

وقتی پیام صعصعة بن صوحان را به حضرت رساندند: حضرت فرمودند: به او بگویید «وَأَنْتَ يَرْحَمُكَ اللهُ فَلَقَدْ كُنْتُ خَفِيفَ الْمُسُوْنَةِ كَثِيرَ الْمَعُوْنَةِ؛ و خداوند تو را هم مورد رحمتش قرار دهد؛ تو قطعاً کم خرج، ولی پرفائده بودی!».

اگر ما از دنیا برویم آیا خللی در دین واقع می شود؟ آیا باری بر زمین می ماند؟
و آیا...

به راستی به گونه ای هستیم که امام زمانمان بتواند اینگونه در حق ما گواهی بدهد؟!!

۱۰. الگوی دادگستر جهان

چیزی از شهادت امام حسن عسکری نگذشته بود که دعوا شد. برخی می گفتند امام حسن عسکری از دنیا رفت و هیچ فرزندی نداشت و دیگران با قاطعیت از وجود حضرت مهدی علیه السلام سخن می گفتند.

توقیعی از ناحیه حضرت مهدی صادر شد:

«خبر این دعوا به ما رسید و موجب ناراحتی و غم و اندوه ما شد، آن هم برای شما، نه برای خودمان؛ چرا که خداوند تبارک و تعالی با ما است و به غیر او هیچ نیازی نداریم، ...
خداوند شاهد و گواه است که اگر محبت و علاقه ما به صلاح و رحمت شما و شفقت و مهربانی به شما نبود، به جای این که با شما ارتباط داشته باشیم [نامه نگاری کنیم] در آنچه که به آن امتحان شده ایم، از منازعه با ستمگر شکم باره گمراه که چیزی را ادعا می کند که حقش نیست، و حق کسی را که خداوند اطاعتش را واجب نموده، انکار کرده و ظالم و غاصب است، به کار خودمان مشغول می شدیم. وَ فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لِي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛ سیره و عمل یگانه دختر پاک رسول خدا برای من الگو و اسوه نیکو و پسندیده ای است.»^۱

حضرت زهرا چه ویژگی هایی داشت که الگوی مصلح عالم قرار گرفته است؟
دلسوز و پیگیر هدایت دیگران و دعا برای هدایت شدنشان، تا پای جان در دفاع از حق و مبارزه با ظالم ایستادن، گاهی با فریاد و گاهی با رویگرداندن از ظالم و رسوا ساختن آنان و...
و نهایتاً با وصیتی عجیب، نشانه و آیتی تا قیامت به جای گذاشت تا قبر مخفیش، سبب رسوایی ظالمان باشد و ادامه این راه...
...

۱. طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۸۶.

۱۱. سؤالی شگفت انگیز!

سعیش این بود از محضر امام، خوب استفاده کند. روزی سؤالی پرسید که تعجب دیگران را برانگیخت! معنای سلام بر رسول خدا چیست؟ با پاسخ امام، اطرافیان تازه دریافتند که داوود رقی چقدر اهل دقت است!

امام صادق علیه السلام فرمودند: وقتی خداوند متعال، (در عالم ارواح) پیامبر و جانشین و دختر و دو فرزند پیامبرش و همه ائمه را آفرید و همچنین پیروانشان را خلق کرد، از آنان پیمان گرفت که «أَنْ يَصْبِرُوا وَيُصَابِرُوا وَيُرَابِطُوا وَأَنْ يَتَّقُوا اللَّهَ» (در برابر مشکلات) استقامت داشته باشند و در برابر دشمنان (نیز)، پایدار باشند و (از حق) محافظت و مرزبانی داشته و پرهیزگار باشند. و (در مقابل این پیمان) به آنان وعده داد که سرزمین مبارک و حرم امن را تسلیمشان گرداند... و عالم، آنگونه که آنان دوست دارند باشد (دشمن خدا و ظلمی نباشد) و رسول خدا از همه، این پیمان را گرفت.

و همانا سلام بر حضرت، یادآوری آن پیمان و تجدید این عهد نزد خداست؛ به امید آن که خداوند در تحقق این وعده شتاب کند و در سلامی فراگیر برای همه شما (شیعیان) شتاب نماید.^۱

به عبارت دیگر می توان گفت: آرزوی همه انبیاء و اوصیاء، تحقق هدف خلقت بوده که همه جن و انس در این عالم شاهد «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»^۲ باشند. همان چیزی که ما از آن به ظهور حق و عدالت در گستره جهانی به دست توانای امام مهدی یاد می کنیم.

نتیجه این که سلام به رسول خدا؛ یعنی دعا برای تحقق وعده الهی به ایشان که تمام عالم بشود «ارض السلام» و فراگیر شدن صلح و آشتی و در یک کلمه پر شدن تمام عالم از عدالت و این حقیقت با ظهور آخرین جانشین ایشان عملی خواهد شد.

۱. کافی، ج ۱، ص ۴۵۱، کتاب الحجّة، ابواب التاريخ، باب مولد النبی صلی الله علیه و آله، ح ۳۹.

۲. نور، ۵۵.

۱۲. غربال غیبت

عبد الله بن ابی یغفور به امام صادق علیه السلام عرض کرد: کسانی که از این امر (ظهور) دم می‌زنند، زیادند!

حضرت فرمودند:

«لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَنْ يُمَخَّصُوا وَيُمَيَّزُوا وَيُغْرَبَلُوا؛ باید مردم خالص شوند و (مؤمنان راستین از مؤمن نماها) جدا شوند و غربال گردند» و متأسفانه «سَيَخْرُجُ مِنَ الْغُرْبَالِ خَلْقٌ كَثِيرٌ؛ افراد زیادی از غربال خارج می‌شوند» و در آزمون‌های دوران غیبت، از امامشان جدا می‌شوند.

آری، همانگونه که طلای آمیخته با گل ولای رودخانه‌ها، با الک کردن خالص می‌شود و طلای ناب در الک می‌ماند، در جلوه‌گری‌های دنیا و فتنه‌ها و شیطنت و اغواگری دشمنان و از همه مهمتر، در گیرودار فشار جبهه باطل بر جبهه حق، این مؤمنان راستین و منتظران واقعی هستند که در مسیر ولایت و یاری امامشان ثابت قدم خواهند ماند.

قرآن علت پیاده نشدن اهداف انبیاء علیهم السلام را همین ریزش‌ها و بی‌وفایی مردم می‌بیند: «وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ»^۱ و این چنین راز تأکید ویژه بر دعای عهد و مداومت بر آن، و تکرار درخواست «ثبات قدم» در ادعیه و زیارات، مشخص می‌شود.

زیارت جامعه کبیره:

«فَثَبَّتَنِي اللَّهُ أَبَدًا مَا حَيَّيْتُ عَلَى مَوَالِيَتِكُمْ وَ مَحَبَّتِكُمْ وَ دِينِكُمْ»؛

زیارت عاشورا:

«وَنَسَبْتُ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ بَدَّلُوا مَهَجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ»؛

و هنگام مسح پا در وضو:

«اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزُلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ وَ اجْعَلْ سَعْيِي فِيمَا يُرْضِيكَ عَنِّي».

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۷۰، کتاب الحجّة، باب التمحيص، ح ۲؛ نعمانی، الغيبة، ص ۲۰۴، باب ۱۲، ح ۶ و ۷.

۲. اعراف، ۱۰۲.

۱۳. از رفتنش قلبم درد گرفت

وقتی خبر فوتش اعلام شد، امام صادق علیه السلام فرمودند:
 «أما والله لقد أوجع قلبي موت أبان؛ آگاه باشید! به خدا قسم، مرگ ابان،
 دلم را به درد آورد.»

این تعبیر شدت علاقه امام با ایشان و ارزش کاری که بر عهده داشته است را
 می‌رساند.

هموست که امام باقر علیه السلام به او می‌فرماید:

اجلس في مسجد المدينة و أفيت الناس فإني أحب أن يرى في شيعتي
 مثلك؛^۱ در مسجد مدینه بنشین و جواب مردم را بیان کن (جواب احکام
 و مسائل دینی آنان را بده) پس همانا من دوست دارم در میان شیعیان و
 پیروانم کسانی مثل تو دیده شوند.

و امام صادق علیه السلام به وی می‌فرمایند:

ناظر أهل المدينة! فإني أحب أن يكون مثلك من رؤاتي و رجالی؛^۲ با اهل
 مدینه مناظره کن، پس همانا من دوست دارم راویان و اصحابم مانند تو
 باشند.

هر کس به درستی، راه دین شناسی و تبلیغ و تبیین دین و ارشاد و راهنمایی دیگران را
 در پیش بگیرد، این چنین مورد توجه و لطف و عنایت امام زمانش قرار می‌گیرد.

۱. رجال نجاشی، ص ۱۰.

۲. همان.

۳. رجال علامه حلی، ص ۲۱.

۱۴. راه تشریف محضرامام زمان علیه السلام

«فَأَغِثْ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، عُبَيْدَكَ الْمُتَبَتَّلِي؛ بارالها! ای فریادرس فریاد

خواهان! به فریاد بنده مبتلایت برس».

«وَأَرِهْ سَيِّدَهُ يَا شَدِيدَ الْقُوَى؛ و مولایش را به او نشان بده».

چه کنم تا از طرفی، گرفتار شیادان و فرصت طلبان و طبیب نماها نشوم و از طرف

دیگر، به آرزویم برسم؟

«هَلْ إِلَيْكَ يَا ابْنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتُلْقَى؛ مهدی جان! آیا راهی برای دیدار

تو هست؟».

آری، خداوند، راه وصال را این گونه معرفی می کند:

به پیامبرش فرمود: «هر کس به رضای من و آنچه من می خواهم، عمل

کند و وظایف اش را انجام دهد، واجبات را به جا آورد و محرمات را ترک

کند، من، سه مطلب را به او می دهم. (یکی از آن سه، این است) «وَلَا

أُخْفِي عَلَيْهِ خَاصَّةَ خَلْقِي؛ بندگان خاص خودم را از او مخفی نمی کنم».

بالاترین و برترین بنده خاص خداوند، در این زمان، حضرت ولی عصر است. اگر ما

به رضای الهی عمل کنیم، خداوند، او را از ما مخفی نخواهد کرد.

نتیجه این که راه تشریف محضرامام زمان این است که پیوسته در زندگیمان، خواسته

خدا را بر خواسته دل و نفسمان ترجیح دهیم.

۱. «يَا أَحْمَدُ... فَمَنْ عَمِلَ بِرِضَائِ الْأَزْمَةِ ثَلَاثَ خِصَالٍ أَعْرَفَهُ شُكْرًا لَا يُخَالِطُهُ الْجَهْلُ وَ ذِكْرًا لَا يُخَالِطُهُ

النِّسْيَانُ وَ مَحَبَّةٌ لَا يُؤْتِرُ عَلَى مَحَبَّتِي مَحَبَّةَ الْمَخْلُوقِينَ فَإِذَا أَحَبَّنِي أَحْبَبْتُهُ وَ أَفْتَحَ عَيْنَ قَلْبِهِ إِلَيَّ جَلَالِي»؛

بهار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۷۴، ص ۲۷. نیز نک: فصلنامه انتظار، ش ۵، ص ۲۷).

۱۵. خانه‌ای در کنار خانه رسول خدا در بهشت

به امام صادق علیه السلام عرض کرد:

«وَاللَّهِ لَوْ فَالَقْتُ رُمَانَةً بَيْنَ صَفَيْنِ؛ به خدا قسم اگر یک انار را دو نیم کنید، فَقُلْتُ هَذَا حَرَامٌ وَهَذَا حَلَالٌ؛ و بفرمایید این نیمه اش حرام و نیمه دیگرش حلال است، قطعاً گواهی می‌دهم که آن قسمتی که فرمودید حلال است، می‌گویم حلال است و آن قسمتی را که فرمودید حرام است، می‌گویم حرام است؛ حضرت دو بار فرمودند: «رَحِمَكَ اللَّهُ، رَحِمَكَ اللَّهُ؛ خداوند تو را مورد لطف و رحمتش قرار دهد».^۱

این یعنی اعتماد به حجت خدا، باور عصمتِ امام، مأمومِ امام بودن....
وقتی از دنیا رفت، حضرت در نامه‌ای خطاب به مفضل چنین نوشتند:

«عبد الله بن ابي يعفور از دنیا رفت در حالی که به عهدش با خدا و رسول خدا و امامش وفادار بود، به فرزند رسول خدا بودنم قسم! مَا كَانَ فِي عَصْرِنَا أَحَدٌ أَطْوَعَ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِإِمَامِهِ مِنْهُ؛ در زمان ما کسی پیروتر از او نسبت به خدا و رسول خدا و امامش نبود! و پیوسته چنین بود تا این که از دنیا رفت و خداوند در بهشت، خانه‌ای در کنار خانه رسول خدا و امیر المؤمنین به او داده است».^۲

و می‌توان این چنین بود.

۱. رجال کشی - اختیار معرفة الرجال، النص، ص ۲۴۹.

۲. همان.

۱۶. در این گونه بودن با هم رقابت کنید.

امام علی علیه السلام:

«كَانَ لِي فِيمَا مَضَى أَخٌ فِي اللَّهِ وَ كَانَ يُعْظِمُهُ فِي عَيْنِي صِغَرُ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ...» در گذشته يك برادر دینی داشتم؛ آنچه او را در نظرم بزرگ جلوه می داد، کوچکی دنیا در نظر او بود... اگر کاری جدی به میان می آمد همچون شیربیشه می خروشید و مانند مار بیابانی به حرکت می آمد... هیچکس را نسبت به کارش - در آنجا که امکان داشت عذری داشته باشد - قبل از شنیدن عذرش ملامت نمی کرد. از هیچ دردی جز هنگام بهبودی شکایت نمی کرد. سخنی را می گفت که خود انجام می داد و چیزی که عمل نمی کرد نمی گفت، هرگاه دو کار برایش پیش می آمد می اندیشید که کدام به هوا و هوس نزدیکتر است، با آن مخالفت می ورزید. فَعَلَيْكُمْ بِهَذِهِ الْخَلَائِقِ فَأَلْزَمُوهَا وَ تَنَافَسُوا فِيهَا؛ بر شما باد به داشتن این اخلاق نیک؛ و در داشتن چنین اخلاقی از همدیگر سبقت بگیرید.»^۱

و امروز راه مورد توجه امام زمان قرار گرفتن:

«كَانَ يُعْظِمُهُ فِي عَيْنِي صِغَرُ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ.»

۱. نهج البلاغه، حکمت ۲۸۹.

۱۷. عجب جایگاهی!

گوینده سخن، آفریدگار آسمان و زمین؛
مخاطب، گل سرسبد هستی خاتم الانبیاء و المرسلین محمد مصطفی؛
زمان، شب معراج.

...من، علی را انتخاب کردم و او را جانشین تو قرار دادم؛ تو سرور پیامبران و او سرور جانشینان است. من، علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه را از یک نور آفریدم و ولایت آنان را بر فرشتگان عرضه کردم؛ هر کدام (زودتر) پذیرفتند از مقربین شدند. اگر بنده ای از بندگانم تا جان دارد مرا عبادت کند، ولی ولایت آنان را نپذیرد او را وارد جهنم می‌کنم. ای محمد! آیا دوست داری آنان را ببینی؟ گفتم: بله. فرمود: جلوبیا؛ پس همه آنان را دیدم در حالی که حضرت قائم، همانند ستاردهای درخشان در وسط آنان بود. خداوند عالمیان فرمود: اینان امامان هستند و این که ایستاده کسی است که حلال مرا حلال و حرام مرا حرام می‌کند (احکام مرا در عالم پیاده می‌کند) و از دشمنانم انتقام می‌گیرد.

«يَا مُحَمَّدُ! أَحِبُّهُ فَإِنِّي أَحِبُّهُ وَأُحِبُّ مَنْ يُحِبُّهُ؛ ای محمد! او را دوست بدار،

چرا که من هر کس که او را دوست داشته باشد، دوست دارم.»^۱

۱۸. او امام است.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

نوه من در سرزمین خراسان در شهر طوس، به شهادت می‌رسد؛ کسی که با معرفت او را زیارت کند، روز قیامت با دست خودم او را گرفته و وارد بهشت می‌کنم.

حمزة بن حرمان عرض کرد:

فدایتان شوم «وَمَا عِرْفَانُ حَقِّهِ؛ مراد از زیارت با معرفت چیست؟».

حضرت فرمودند:

يَعْلَمُ أَنَّهُ إِمَامٌ مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ؛ این که بداند او امام است و پیرویش واجب!

(یعنی اگر در سال ۵۰ میلیون نفر هم به زیارتش در مشهد مقدس بروند، ولی در عمل، مأمومش نباشند باز هم امام رضا غریب است).

از این کلام نورانی استفاده می‌شود که زمانی امام غریب نیست که ما در تمام ابعاد زندگی، مأمومش باشیم و طوری زندگی کنیم که او می‌پسندد.

راستی زندگی ما این گونه هست؟ در ارتباط با همسر، همسایگان، بستگان، در میهمانی‌ها و عقد و عروسی‌ها، در کوچه و خیابان و بازار و...

طوری زندگی می‌کنیم که به ما بگویند مأموم امام زمان علیه السلام؟!؟

بله، در مسیر کاستن از غریبی امام زمان، کاری که از دست ما برمی‌آید این است که بدانیم او امام است و پیرویش واجب.

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۴.

۱۹. برای نجات می آید.

گردن‌ها را برای شمشیرش آماده کنیم یا دل‌ها را برای شناختش؟!
رسول خدا ﷺ فرمودند:

«حضرت مهدی در امتم قیام می‌کند و خداوند او را برای فریادرسی مردم می‌فرستد»^۱.

دو قرن و نیم قبل از ولادتش، رسول خدا ﷺ خبر از ظهور و قیامش داده است: «يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ فِي أُمَّتِي».

ضامن آمدنش خداست و اوست که ایشان را می‌فرستد.

از آن جا که همه قبول دارند حضرت مهدی جانشین رسول خداست، پس امامت و جانشینی رسول خدا از اصول است و فعل الله؛ یعنی تعیین امام و جانشین رسول خدا، کار خداست نه دیگران! «يَبْعَثُهُ اللهُ».

او برای فریادرسی و نجات می‌آید، نه کشتن: «يَبْعَثُهُ اللهُ غِيَاثًا لِلنَّاسِ».

آری، او بهار مخلوقات و مفرغ و پناه بندگان است و اگر سخن از شمشیر و قیام مسلحانه آمده است دقیقاً در راستای نجات بشریت است، نجات آنان از چنگال مستکبران؛ همانند طبیب حاذق و متعهدی که در راستای نجات بیمار خود، ممکن است از تیغ تیز جراحی استفاده کند و غده چرکینی که حیات این بیمار را به خطر انداخته است از بین ببرد.

و نهایتاً این که کار امام مهدی، جهانی و موضوع کارش تمام انسانها هستند: «غِيَاثًا لِلنَّاسِ».

او برای نجات و هدایت و سعادت انسان می‌آید؛ شرقی باشد یا غربی، سفید پوست باشد یا سیاه پوست، شیعه باشد یا غیر شیعه.

۲۰. بی مقدمه یا با مقدمه؟!

وعده قطعی خداست؛ می آید و ریشه ظلم و بی عدالتی را می کند. آری، می آید و خوبان را عزیز و تبه‌کاران را ذلیل و عالم را گلستان می کند و زمینه رستگاری انسان را در گستره جهانی، فراهم می کند.

اما بی مقدمه و معجزه آسا همه چیز با آمدنش درست می شود؟ و ما بر سر سفره آماده؟...

رسول اعظم خدا ﷺ فرمودند:

مردمانی از مشرق زمین به پا می خیزند «فَيُؤَطِّئُونَ لِمَهْدِيٍّ؛ يَعْني سُلْطَانَهُ» و زمینه حکومت حضرت را فراهم می نمایند.

عجب! پس سنت خداوند این است که «سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند!»^۱.

ما باید زمینه آمدنش را فراهم کنیم. چگونه؟ با ایستادن در برابر مستکبران و با صبر و استقامت و بصیرت، و با قبول شدن در همه آزمون‌هایی که دیگران در گذشته مردود شدند و به سبب آن، امام و مقتدایمان غائب شد.

بله، درست مطلب را گرفتید! ما در دوران این آزمون سخت قرار داریم. سعی ما این باشد از این آزمون، رو سفید و سربلند بیرون بیاییم و شرمنده شهدا نشویم. و ما می توانیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»^۲.

۱. کشف الغمّة، ج ۲، ص ۴۷۷.

۲. رعد، ۱۱.

۳. محمد، ۷.

۲۱. هرچه سخت تر باشد، ارزشمندتر است.

در دوران غیبت، طوفان سهمگین فتنه‌های آخرالزمان و جاذبه‌های دنیوی سبب می‌شود حفظ دین و ایمان خیلی سخت شود.

بله، از آسیب‌های مهم دوران غیبت، قساوت قلب و دور شدن از خداست؛ یاد خدا، جای خود را به یاد خلق و چشم و هم چشمی‌ها داده و رقابت و مسابقه رفاه و تجمل جامعه را درمی‌نوردد و هرکسی سعیش این است به هر طریقی شده از دیگران سبقت بگیرد؛ اینجاست که پای مال حرام به زندگی‌ها باز شده و انصاف و صداقت و رحم و مروت، رنگ می‌بازد.

در چنین شرایطی است که آقا و مولایمان امام علی علیه السلام فرمود:

هرکسی (در دوران غیبت) بر دین خود ثابت بماند و لم یَقْسُ قَلْبُهُ لَطُولِ
أَمَدِ غَيْبَةِ إِمَامِهِ؛ و به خاطر طولانی شدن زمان غیبت امام زمانش، دلش
دچار قساوت نشود، فَهُوَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ او در روز قیامت در
درجه من با من است.^۱

این؛ یعنی در سخت‌ترین شرایط می‌توان بهترین بود. بله، هرچه شرایط برای خوب بودن و ثابت قدم بودن بر حق، سخت‌تر شود ارزش آن نیز متفاوت خواهد بود و در آن زندگی ابدی، خطاب می‌شود:

«به سوی پروردگارت بازگرد در حالی که هم توازا او خشنودی و هم او از تو خشنود است، پس در جمع بندگانم (خاص و برگزیده‌ام) درآی، و در بهشتم وارد شو!»^۲.
پیوسته این جمله را در ذهنمان مرور کنیم:

«أَلَا فَنَنْتَبِهَنَّ عَلَى دِينِهِ وَ لَمْ يَقْسُ قَلْبُهُ لَطُولِ أَمَدِ غَيْبَةِ إِمَامِهِ فَهُوَ
مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

۱. کمال‌الدین، ج ۱، ص ۳۰۳، باب ۲۶، ح ۱۴.

۲. «از جعی الی زتک راضیة مَرْضِيَّة (۲۸) فَادْخُلِي فِي عِبَادِي (۲۹) وَ ادْخُلِي جَنَّتِي (۳۰)»؛ (فجر، ۲۸ به

۲۲. برابر با اجر ۱۰۰۰ شهید!

مقام شهید ضرب المثل در عظمت و بزرگی است؛ واژه‌ها از بیان جلالتش و عقل‌ها از فهمش، عاجزند. همین قدر در قرآن بیان شده است که «بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»^۱ شهیدان زنده‌اند و میزبانان خود خداست و نزد او روزی می‌خورند.

آیا ما هم می‌توانیم به چنین درجه‌ای برسیم؟

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

کسی که در زمان غیبت حضرت قائم بر ولایت اهل بیت ثابت قدم بماند (در اعتقاد و عمل در همان مسیر حرکت کند)، *أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ أَحَدٍ*^۲ خداوند پاداش هزار شهید از شهدا بدر و احد به او عطا خواهد کرد.

چرا که آن، جهاد اصغر بود و این، جهاد اکبر.

آنان رسول خدا را می‌دیدند و آن راه را رفتند؛ اما اینان نه رسول را دیده‌اند و نه امامشان را، ولی «فَأَمِنُوا بِسَوَادٍ عَلِيٍّ بِيَاضٍ»^۳؛ با کلماتی که از آن انوار طیبه به آنان رسیده این چنین بر مسیر حق، ثابت قدم مانده‌اند.

آری، اینان «صَارَتْ بِهِ الْعَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمُشَاهَدَةِ»^۴ با این که امامشان غائب است، او را شاهد و ناظر بر خود می‌بینند و سعیشان جلب رضایت اوست.

هلا ای منتظران! قله را بنگرید و با عزمی راسخ و انتظاری مثال زدنی حافظ دین و ایمان و ارزشهای خود و دیگران باشیم.

۱. آل عمران، ۱۶۹.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۳، باب ۳۱، ح ۷.

۳. همان، ص ۲۸۸، باب ۲۵ ح ۸.

۴. همان، ص ۳۲۰، باب ۳۱، ح ۲.

۲۳. به گل روی تو

انسان فطرتاً دوست دارد عزیز و سربلند باشد، مورد توجه قرار گیرد، مهم باشد و... حتی برخی، خود را به شکل های عجیبی در می آورند و مدل‌هایی... لباس‌هایی... که مورد توجه دیگران قرار بگیرند و به عبارت دیگر، متفاوت باشند!

اگر کاری کنیم که فرماندار یک شهر، نه! استاندار، نه! بالاتر، رئیس یک کشور از ما تجلیل کند چه احساسی خواهیم داشت و به دیگران چه می‌گوییم؟

فکرش را بکنید؛ اگر آفریدگار عالم بگوید: اینقدر پیش من عزیزی و خاطرخواهت هستم که به خاطر تو رحمتم را بر دیگران می‌فرستم! اگر به خاطر تو نبود، با آن وضعیت و رفتاری که دارند، عذابم را بر آنان نازل می‌کردم؛ در این صورت چه حسی خواهی داشت؟!

چه کسی می‌تواند به چنین جایگاه رفیعی دست یابد؟

امام باقر علیه السلام فرمودند:

زمانی بر مردم خواهد آمد که امامشان غائب خواهد شد؛ پس خوشا به حال کسانی که در آن دوران، بر امر ما اهل بیت، ثابت قدم بمانند. خداوند به آنان خطاب می‌کند: ...بندگان حقیقی من شما هستید؛ فقط از شما می‌پذیرم و شما را مورد عفو و مغفرتم قرار می‌دهم و «بِكُمْ أَسْتَقِي عِبَادِي الْغَيْثَ وَ أَدْفَعُ عَنْهُمْ الْبَلَاءَ»؛ به خاطر شما بر بندگانم باران نازل می‌کنم و بلا را از آنان دور می‌کنم؛ اگر به خاطر شما نبود بر آنان (به خاطر اعمالشان) عذابم را نازل می‌کردم.^۱

وقتی می‌توان نزد خدا این چنین عزیز شد، پس چرا.....؟

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۰، باب ۳۲، ح ۱۵.

۲۴. راهِ سلمان شدن

گفت: وقتی می شنیدم رسول خدا ﷺ در مورد سلمان فرموده اند: «سَلْمَانُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ»^۱، به وجد می آمدم، غبطه می خوردم و با خود می گفتم کاش من هم آن زمان بودم و... اما حیف و صد حیف که....
گفتم: یعنی راهِ سلمان شدن بسته شده است؟! بیان نورانی امام کاظم علیه السلام را نشنیده ای؟ ایشان می فرمایند:

پنجمین فرزندم غیبتی طولانی خواهد داشت که در آن دوران، عده ای از دین برمی گردند و عده ای دیگر، بردین، ثابت قدم خواهند ماند.

بعد فرمودند:

خوشا به حال شیعیان ما که در این دوران، ریسمان ما را محکم بگیرند و بر ولایت ما و برائت و دوری از دشمنانمان، ثابت قدم بمانند. «أُولَئِكَ مِنَّا وَنَحْنُ مِنْهُمْ»؛ آن ها از مایند و ما از آنان هستیم!^۱ آنان ما را به عنوان امام و مقتدا و الگوی خود برگزیدند؛ ما نیز آنان را به عنوان شیعه خود خواهیم پذیرفت.

پس خوشا به حالشان، خوشا به حالشان «هُمُ وَاللَّهِ مَعَنَا فِي دَرَجَاتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ به خدا قسم آنان در روی قیامت در درجه و رتبه ما خواهند بود.^۲

پس راهِ سلمان شدن بسته نیست.

۱. اختصاص، ص ۳۴۱.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۶۱، باب ۳۴، ح ۵.

۲۵. به خدا قسم هشام است (که می آید)

از شام آمده بود، رجز می خواند و مبارز می طلبید. برای مناظره با اصحاب آمده ام! ابتدا امام صادق علیه السلام با یک سؤال، بی سوادیش را به او فهماندند. سپس به یونس بن یعقوب فرمودند: چه می شد در علم کلام مهارت داشتی و با او مناظره می کردی؟ خیلی خجالت کشیدم که اینقدر بی عرضه ام و نتوانسته ام آنگونه که امام توقع دارد باشم.

امام فرمود: برو و افرادی که در علم کلام مهارت دارند را فرا بخوان. افراد آمدند، حمران بن اعین، احول، هشام بن سالم، قیس بن ماصرو... جلسه تشکیل شد؛ اما گویا دل امام آرام نیست، نگاهی به بیرون خیمه انداختند؛ به ناگاه رو به جمع کرده و فرمودند: «هِشَامٌ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ؛ به خدا قسم هشام است!» (که می آید).

همه منتظرند ببینند این هشام کیست که آمدنش اینقدر دل امام زمانش را شاد و مسرور کرده است! با کمال تعجب دیدند یک نوجوان که هنوز مودر صورتش نروئیده وارد شد! و امام برای او جا باز کردند.

راستی هشام بن حکم که بود؟ و چه ویژگی داشت که اینقدر مورد توجه امامش قرار گرفته بود؟ او با مناظرات و استدلال های محکم، بینی مخالفان را به خاک می مالید و با قلب و زبان و عملش از ولایت دفاع می کرد.

آیا به دنبال این هستیم که توانی پیدا کنیم تا بتوانیم بینی مخالفان را به خاک بمالیم و نجات غریق جوانان و نوجوانان از غرق شدن در سیل شبهات شویم؟؟

اگر می شود این چنین امامان را شاد کنیم، پس چرا.....

«هِشَامٌ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ»، «هِشَامٌ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ»، «هِشَامٌ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ».....

۲۶. همانند مادری دلسوز

تازه سرزمین خراسان به قدومش عطرآگین و نورانی شده بود. باید رسالت خویش را در توجه دادن مردم به نهر عظیمی که جاری از عرش الهی به عالم خاکی است کاری کرد و مردم سرگرم چاله آب را به سوی آن رهنمون شد.

آری، آقا ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام در بخشی از بیان بی نظیرشان در باب امامت، فرمودند: «...الإمام... الوالد الشفیق والأخ الشقیق؛ امام همانند پدری مهربان و برادری همزاد است». اما آیا این واژه‌ها می‌تواند رحمت بی‌کران امام را نشان دهد؟ نه، باید از ظرف وسیعتری استفاده کنم: «الإمام... الأمُّ البرةُ بالوَلدِ الصَّغیرِ؛ امام همانند مادری دلسوز و مهربان نسبت به فرزند خردسالش هست!».

همه، بچه کوچک را دوست دارند؛ اما مادر! بله، مادر، حاضر است اگر لازم باشد از جانش نیز مایه بگذارد تا فرزندش به جایی برسد.

در یک جمله می‌توان گفت:

امام مهدی علیه السلام کسی است که برای سعادت و نجات انسان، اگر لازم باشد حاضر است جانش را نیز بدهد!

جانش را! بله، درست شنیدید. مگر نمی‌گوییم: خدایا! امام حسین جانش را در راه تو داد تا بندگانت را از گمراهی و وادی سرگردانی نجات دهد:

«وَبَدَّلَ مُهْجَتَهُ فِیْكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجُهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ».

بله! امام ما، امام مهربانی هاست؛ اما ما با امام مهربانی‌ها چگونه ایم؟

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۰۰، کتاب الحج، باب نادر جامع فی فضل الامام و صفاته.

۲. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۱۳، فرازی از زیارت اربعین امام حسین علیه السلام.

۲۷. نهر عظیم را رها کرده و آب چاله را می‌مکند!

راستی، با اتفاقاتی که بعد از رحلت رسول خدا افتاد، اهل بیت ضرر کردند یا مردم؟ وقتی صحنه گردانان سقیفه، مردم را بردنیایشان ترساندند و آنان نیز به جای اعتماد به خدا و رسولش و پیمودن راه غدیر، راه دیگری را در پیش گرفتند، چه کسی باخت؟ امام باقر علیه السلام فرمودند:

مردم برای رفع عطش خود، به مکیدن آب چاله روی آوردند و نهر عظیم را رها کردند! «يُمِصُّونَ الثَّمَادَ وَيَدْعُونَ النَّهْرَ الْعَظِيمَ».

شخصی پرسید: منظورتان از نهر خروشان چیست؟ فرمودند:

مراد از نهر عظیم، همه علوم است که خداوند به پیامبر خاتم داده است. هر آن چه که بر حضرت آدم و سایر پیامبران نازل شده است همه اش نزد رسول خدا است و ایشان همه این علوم را نزد امیر المؤمنین علیه السلام به ودیعت گذاشتند!

بله! این علوم عرشی، از امامی به امام دیگر رسیده و امروز همه این علوم نزد بقیة الله الاعظم حضرت مهدی علیه السلام است و پس از ظهور ایشان، انسان‌ها هر کدام در حد ظرفیت خود، از این علوم بهره خواهند برد.

بلی! یکی از هزاران آثار و برکات وجودی امام زمان این است که حافظ این علوم و اسرار الهی است تا به وقتش، همه از آن سیراب گردند. این جاست که همه افسوس می‌خورند که چرا از ابتدا، این نهر عظیم را رها کردند و برای رفع عطش خود، گرد چاله آب چرخیدند!؟

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ وَاجْعَلْنَا مِنْ خَيْرِ اعْوَانِهِ وَانصَارِهِ.

۲۸. در بهشت با من

راستی انسان کیست؟ تا کجای می تواند پربکشد؟ چگونه؟!
آیا باور داریم که اشرف مخلوقات، سید الانبیاء والمرسلین حضرت محمد مصطفی است؟ و آیا می توان همنشین ایشان شد؟
رسول اعظم خدا ﷺ فرمودند:

کسی که دوست دارد همانند من زندگی کند و رفتنش مثل رفتن من باشد و به بهشتی که خدایم به من وعده داده است وارد شود و به شاخه ای که خدایم با دست (قدرتش) نشانده چنگ بزند، «فَلْيَتَوَلَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَ أَوْصِيَاءَهُ مِنْ بَعْدِهِ؛ باید ولایت علی بن ابی طالب و جانشینانش را بپذیرد»، چرا که آنان کسی را گمراه و از راه خارج نمی کنند پس به آنان چیزی یاد ندهید، زیرا از شما داناترند. من از پرودگام خواسته ام که بین آنان و قرآن هرگز جدایی نیندازد تا هر دو باهم بر سر حوض کوثر بر من وارد شوند.^۱

و امروز ثبات قدم بر ولایت خاتم اوصیاء و حرکت در مسیر خواسته های ایشان، ضامن دستیابی به آن وعده خاتم الانبیاء است.
و ولایت مداری را باید از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام آموخت.

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۰۹، بَابُ مَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ رَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مِنَ الْكُونِ مَعَ الْأَيْمَةِ علیهم السلام.

۲۹. رسول خدا را شاد کنید!

محضر امام صادق هستیم؛ کم و بیش فرصتی که به دست بیاید محضرش را درک می‌کنیم و از سخنان دلنشین و رهنمودهای بی نظیرش بهره‌مند می‌شویم، اما امروز سخن عجیبی از ایشان شنیدیم! فرمودند: «مَا لَكُمْ تَسُوءُونَ رَسُولَ اللَّهِ؛ چه شده است شما را که رسول خدا را ناراحت می‌کنید!؟»، همه تعجب کردند! سال‌هاست حضرت رسول از دنیا رفته‌اند؟ ما چگونه...؟

تا این که کسی از میان جمع سکوت را شکست و پرسید: ما چگونه ایشان را ناراحت می‌کنیم؟

و حضرت علیه السلام فرمودند: آیا نمی‌دانید که کارهای شما محضر ایشان عرضه می‌شود، پس وقتی گناهی در نامه عمل شما می‌بیند ناراحت می‌شود «فَلَا تَسُوءُوا رَسُولَ اللَّهِ وَ سُرُّوهُ؛ پس او را ناراحت نکنید بلکه (با کارهای خوبتان) ایشان را شاد کنید».^۱ اما افراد زیرک نکته ظریف دیگری را دریافت کردند و آن اینکه جانشین ایشان که خود امام صادق باشند نیز این چنین است و نامه اعمال، محضر امام و حجت زمان نیز عرضه می‌شود؛ پس امامتان را ناراحت نکنید، بلکه شاد کنید.

بله، بر اساس ادله مختلف، اعمال ما محضر امام زمان عرضه می‌شود؛ با دیدن کارهای خوبمان، شاد و با دیدن کارهای ناپسندمان، ناراحت و غمگین می‌شوند؛ پس با نیت و گفتار و رفتار خوب، امامان را شاد کنیم.

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۱۹، بَابُ عَرْضِ الْأَعْمَالِ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ الْأَئِمَّةِ عليهم السلام، ح ۳.

۳۰. فرمولی که فضه خادمه را «فَضَّتْنَا» کرد!

با ورود به خانه مولای جدیدش، با اولین برخورد، ادب و تواضع را آموخت که مولایی، این چنین به خادمش احترام می‌گذارد. سلام علیک. من فاطمه‌ام، به خانه خودت خوش آمدی!

با تقسیم کاری که برایش مشخص شد: یک روز من کارهای خانه را انجام می‌دهم و تو استراحت کن؛ یک روز هم کارهای خانه با تو؛ من هم به عبادتم می‌رسم، درس انصاف را می‌آموزد.

با سوز و گداز و تهجد شبانه زهرای مرضیه، راز و نیاز سحرگاهی با محبوب را نظاره می‌کند.

و با ترنم قرآن در حین انجام کارهای خانه، انس با قرآن را درس می‌گیرد.

وقتی با اکسیری که دارد مقداری مس را طلا کرده و به مولا هدیه می‌کند و با کمال تعجب، می‌بیند اینان حتی خردسالانشان هم، تمام علم کیمیا را بلدند و اگر اراده کنند تمام گنج‌های دنیا را می‌توانند داشته باشند، اما یک زندگی ساده دارند و فقط به فکر دیگرانند، تازه از خواب غفلت بیدار می‌شود و می‌فهمد که دنیا محل عروج است و تهیه توشه و جلب رضایت محبوب.

و اکسیر حقیقی اینانند و تنها راه رستگاری این است که مس وجود خود را با اکسیر ولایت، طلا کنی و با همرنگی با آنان راه زندگی را در پیش بگیری و حول محور ولایت بچرخی «تا به خلوتگه خورشید رسی چرخ زنان».

و این همرنگی در ایثار و فداکاری است که او را نیز در زمره شأن نزول سوره «هل اتی» قرار می‌دهد.

و نهایتاً درس مدافع حریم ولایت بودن را از صدیقه شهیده به خوبی می‌آموزد؛ در ماجرای حمله بانده نفاق به بیت وحی، بر آنان می‌خروشد و همراه و همدرد زهرای

۱. نک: چشمه در بستر، ص ۲۵۹.

شهیده‌اش است. «أَوْ يَا فَضَّةُ! إِلَيْكَ فَخُذِينِي»^۱ و نتیجه عملی ساختن همه این درسها را در این جمله آقا امیرالمؤمنین می‌توان دید که قبل از دفن سیده نساء عالمیان، فرمود:

يَا أُمَّ كُلُّوْمِ! يَا زَيْنَبُ! يَا سَكِينَةَ! يَا فَضَّةُ! يَا حَسَنُ! يَا حُسَيْنُ! هَلُّوْا
تَزَوُّدُوا مِنِّي أُمَّكُمْ.^۲

فضه توهم همانند فرزندان زهرا بیا و از مادرت آخرین توشه را بگیر.

این انسان خاکی تا کجا می‌تواند اوج بگیرد که عقل ما از درکش عاجز است!

امام علی در حق او این چنین دعا می‌کند:

اللهم بارک لنا فی فضتنا؛^۳ خدایا! فضه ما را برایمان مایه خیر و برکت قرار

ده.

بله، امروز نیز با اکسیر ولایت، می‌توان مس وجود خود را طلا کرد و با حرکت در مسیر

ولایت، راه رشد و تعالی را در پیش گرفت که:

تنها راه همین است و بس.

اللهم عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ وَاجْعَلْنَا مِنْ خَيْرِ اعْوَانِهِ وَانصَارِهِ.

۱. بحار الانوار، ج ۳۰، ص ۲۹۴.

۲. همان، ج ۴۳، ص ۱۷۹.

۳. مدینه المعجز، ج ۲، ص ۲۶.

۳۱. آیا فکرمی کنید ما به یاد شما نیستیم؟!

میهمان آقا علی بن موسی الرضا شده بود، چه ویژگی داشت و چه کرده بود نمی دانم؟ اما همین قدر می دانم که جایگاه ویژه‌ای نزد حضرت داشت.

موقع خدا حافظی عرض کرد: آقا جان! برای من و خانواده‌ام دعا کنید.

حضرت فرمودند: «أَوْلَسْتُ أَفْعَلُ؟ آیا (فکرمی کنی) من دعایتان نمی‌کنم؟!»، ما از وضعیت شما با خبریم، چرا که کارهای شما شب و روز به ما عرضه می‌شود.

تعجب کردم؛ با خود گفتم آیا چنین چیزی ممکن است؟ حضرت، متوجه سنگینی مطلب برایم شدند، لذا فرمودند: آیا کتاب خدا را نخوانده‌ای؟ آنجا که می‌فرماید:

﴿وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ؛ بگو: عمل کنید!

خداوند و فرستاده او و مؤمنان، قطعاً اعمال شما را می‌بینند!﴾.

سپس فرمودند: به خدا قسم، مراد از مؤمنون، علی بن ابی طالب است.^۱

و این جا بود که عبدالله بن ابان زیات تازه فهمید، عجب! خدایی که اهل بیت را امام بر خلق خود قرار داده به آنان چنان قدرت و عظمتی داده است که می‌بینند آنچنان که خدا می‌بیند و می‌شنوند آن چنان که خدا می‌شنود و چه زیبا، تدبیر آیه و تبیین امام، به خوبی این معنا را نشان می‌دهد.

آری، امام می‌بیند ما را آنگونه که خدا می‌بیند.

۱. توبه، ۱۰۵.

۲. کافی، ج ۱، ص ۲۱۹، بَابُ عَرْضِ الْأَعْمَالِ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، ح ۴.

۳۲. چرا نام مبارکشان به صراحت در قرآن نیامده است؟

چه روحیه زیبایی! به دنبال یادگیری بود؛ سؤالاتی که داشت از امام صادق علیه السلام می پرسید. روزی محضر حضرت، عرض کرد: برخی می گویند: چرا نام حضرت علی و سایر اهل بیت در قرآن نیامده است؟

ایشان فرمودند:

«قُولُوا لَهُمْ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ نَزَلَتْ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ لَمْ يُسَمِّ اللَّهُ لَهُمْ ثَلَاثًا وَلَا أَرْبَعًا» به آن‌ها بگو:

نماز بر حضرت رسول نازل شد، اما این که چه نمازی سه رکعت و کدام نماز چهار رکعت است، در قرآن نیامده است؛ بلکه رسول خدا (به حکم خداوند که در قرآن فرموده است: و ما این ذکر [قرآن] را بر تو نازل کردیم، تا آنچه به سوی مردم نازل شده است را برای آنها روشن سازی) آن را تبیین کردند. همچنین زکات اصلش در قرآن است، ولی این که هر چهل درهم یک درهمش زکات است را رسول خدا تبیین کردند و همینطور حج که وجوبش در قرآن است، اما این که دور کعبه چند بار باید طواف کرد توسط حضرت رسول تبیین شده است.

در قرآن بیان شده است که «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالأمررا!» و رسول خدا، در مواضع مختلف، از جمله در غدیر خم، حدیث ثقلین، ماجرای مباهله، حدیث کساء و... بیان کردند که مراد از «اولی الامر»، امام علی، امام حسن و امام حسین هستند و پس از ایشان نه نفر از نسل امام حسین^۱.

ابابصیر از این پاسخ زیبا فهمید که در قرآن، اصول و کلیات بیان می شود و تبیین آن، به رسول خدا و پس از ایشان به اهل بیت طاهرینش سپرده شده است.

یکی از علت‌های جدایی ناپذیری قرآن و عترت و همچنین عدم تصریح به نام امام مهدی در قرآن نیز همین نکته است.

۱. نحل، ۴۴.

۲. کافی، ج ۱، ص ۲۸۶، بَابُ مَا نَصَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ رَسُولُهُ عَلَى الْأَيْمَةِ عليه السلام وَاجِدًا فَوَاجِدًا، ح ۱.

۳۳. متى الفرَج؟

گاهی تصورمان این است که ما آدم خیلی خوبی هستیم، چون منتظر ظهور امام زمان هستیم. اما تا حالا شده انتظار خودمان را ارزیابی کنیم که برای چی منتظریم؟ به عبارت دیگر منتظریم چه اتفاقی بیفتد؟

برویم محضر مبارک امام صادق علیه السلام و این صحنه را با دقت نگاه کنیم. آمد خدمت حضرت و پرسید: آقا جان فداتون بشم! «مَتَى الْفَرَجُ؟» فرج کی واقع میشه؟». عجب سؤالی! چون سؤال ما هم هست؛ ببینیم امام صادق علیه السلام چه جوابی می دهند؟

اما آثار ناراحتی در چهره مبارک حضرت دیده می شود؛ گویا از این سؤال ناراحت شده اند!! رو کردند به ابا بصیر و فرمودند: «أَنْتَ مِمَّنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا؛ تو هم از کسانی هستی که دنیا را می خواهی؟»؛ (یعنی امام را برای اصلاح دنیایشان می خواهند! و انتظارشان، انتظار حل مشکلاتشان است!؟؟ نکند انتظار ما هم.....)

سپس ادامه دادند: «مَنْ عَرَفَ هَذَا الْأَمْرَ فَقَدْ فُرِّجَ عَنْهُ لِإِنْتِظَارِهِ؛ کسی که این امر را بشناسد، قطعاً به خاطر انتظارش، فرجش حاصل می شود».

یعنی اگر ما ولایت را به خوبی بشناسیم؛ خود انتظار، سازنده خواهد بود و موجب رُشد و رستگاری ما خواهد شد، چون انتظار؛ یعنی حرکت در سمت و سویی که بنا است به خاطر آن، امام زمان ظهور کند.

انتظار؛ یعنی عدالت محور بودن.

انتظار؛ یعنی این که هر کدام از ما تصمیم بگیریم در هر کار و مسئولیتی که بر عهده داریم درست عمل کنیم و در عمل، شهد شیرین عدالت را به دیگران بچشانیم.

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۷۱، بَابُ أَنَّهُ مَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ لَمْ يَضُرَّهُ تَقَدُّمَ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ تَأَخُّرَ، ح ۳.

۳۴. اگر امامت را درست بشناسی...

کسی که امامش را بشناسد دیگر چیزی به او ضرر نمی‌زند، چه این امر (ظهور) جلو بیفتد یا عقب بیفتد.

عنوان عجیبی است! عنوان بابی از باب‌های کتاب الحجّة «کافی» با هفت روایت. شناخت امام چیست که اگر نباشد و امام هم بیاید معلوم نیست من چه وضعیتی داشته باشم و اگر این شناخت برایم حاصل شود، حتی اگر قبل از ظهور بمیرم ضرری نکرده‌ام؟!!

شناخت امام، همانند نور، درجات و مراتبی دارد؛ اولین درجه آن، اعتقاد به ولایت و امامت او از جانب خدای علیّی اعلی است، اما این ابتدای راه است. ویژگی‌های امام از عصمت و علم الهیش.

جایگاه و نقش امام در هستی به عنوان خلیفة الله و واسطه فیض الهی و... وقتی این معرفت حاصل شد انسان با تمام وجود و دارائیش، مأموم چنین امامی می‌شود و از همه وابستگی‌ها آزاد و رها گشته و شیفته و دلداده امامش می‌شود و خواسته‌های اوست که مسیر زندگی‌اش را رقم می‌زند و در نتیجه به قله‌های رستگاری دست می‌یابد. و چه زیبا می‌شود این زندگی! روز قیامت هم به دنبال امامش خواهد بود و می‌رود تا آنجا که امامش می‌رود: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ...»^۱.

بله، امام صادق علیه السلام به فضیل بن یسار فرمودند:

...کسی که امامش را بشناسد و قبل از این که صاحب این امر قیام کند

بمیرد، همانند کسی است که زیر پرچم ایشان باشد؛ بلکه همانند

کسی است که در رکاب رسول اعظم خدا به شهادت رسیده باشد.^۲

حال ببینیم به چه میزان امامان را شناخته‌ایم؟ و راه شناخت بیشتر و بهتر او

چیست؟

۱. اسراء، ۷۱.

۲. کافی، ج ۱، ص ۳۷۱، کتاب الحجّة، بابُ أَنَّهُ مَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ لَمْ يَضُرَّهُ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ، ح ۲.

۳۵. زخاک تیره می روید، ولی...

بین ترس و محبت یک رابطه معنادار و پیوند مستقیمی وجود دارد. هرچه محبت نسبت به چیزی یا کسی بیشتر شود به همان میزان، ترس در وجود انسان شکل می گیرد. ترس از جدایی! ترس از دست دادن محبوب و...

بالاترین ترس از خدا را رسول خدا و اهل بیت طاهرینش دارند، چون بالاترین محبت به خداوند را دارند. امام علی علیه السلام در دعای کمیل از عذابی سخن می گوید که آسمانها و زمین توان تحمل آن را ندارند، سپس عرضه می دارد: خدایا! گیرم چنین عذابی را بتوانم تحمل کنم، اما «فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ؛ چگونه بر فراق و جدائیت صبر کنم؟!».

بر اساس رابطه بین محبت و ترس، به راحتی می توان محبت های خود را نقد کنیم و ببینیم واقعی است یا بدلی؟ عشق است یا لاف عشق؟!!

به عنوان مثال: ما که از محبت و علاقه خود به امام زمان دم می زنیم، به چه میزان ترس از امام زمان وجودمان را فراگرفته است؟! ترس از جدایی.

در توقیعی چنین می فرمایند:

«فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ؛ چیزی ما را از آنان (شیعیانمان) جدا نمی کند جز امور ناپسندی که از آنها به ما می رسد!».

اگر در ادعای محبتمان راست می گوئیم ترس از جدایی از امام زمانمان چقدر وجودمان را فراگرفته و در طول روز و هفته و ماه چقدر یاد اماممان هستیم و چه قدمی برایش برداشته ایم؟!!

دلا رمز حیات از غنچه دریاب حقیقت در مجازش بی حجاب است
زخاک تیره می روید و لیکن نگاهش بر شعاع آفتاب است
یک فرمول: هرچه از گناه بیشتر فاصله بگیریم، به اماممان نزدیک تر می شویم.

۱. طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۹.

۳۶. نزدیک ظهور، این اتفاق می افتد

سخن از کوفه و جایگاه و سرانجامش بود؛ امام صادق علیه السلام فرمودند:
 کوفه از مؤمنین خالی می شود و علم از آن فرو می رود، سپس در شهری که
 آن را «قم» می نامند آشکار می شود و این شهر، جایگاه علم و فضیلت
 می شود: «فَيُفِيضُ الْعِلْمُ مِنْهُ إِلَى سَائِرِ الْبِلَادِ فِي الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ؛ و علم از
 این شهر به سایر شهرها در شرق و غرب عالم می رسد» و بدین وسیله بر
 همه خلائق، اتمام حجت صورت می گیرد و دیگر کسی باقی نمی ماند
 که دین به او نرسیده باشد.

نکته مهم و جالب توجه این روایت این است که حضرت فرمودند:
 «وَذَلِكَ عِنْدَ قُرْبِ ظُهُورِ قَائِمِنَا؛ این اتفاق نزدیک ظهور حضرت قائم واقع
 می شود».^۱

بله، به بیان مقام معظم رهبری، «امروز تاریخ جهان، بر سر یک پیچ بزرگ تاریخی
 است؛ تحول از سیطره دیکتاتوری به آزادی ملت ها و حاکمیت ارزش های معنوی».^۲
 آئین تافلر می گوید:

«ناکامی سردمداران غرب در حل مشکلات، سبب شده است آن مرد
 سوار بر اسب سفید ضرب المثل ها در ذهن ها تداعی شود».^۳

و این ایران و ایرانیان هستند که این افتخار بزرگ نصیبشان شده که مسیر رسیدن
 بشریت به خواسته خودشان در تحقق عدالت جهانی را هموار سازند و پرچم را به
 دست مبارک صاحب الامر و الزمان، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف بسپارند.
 پس حساسیت زمان را توجه داشته باشیم و با دلی لبریز از امید، دریاری این انقلاب
 از هیچ کوششی دریغ نکنیم؛ باشد که ناممان در زمره زمینه سازان ظهور ثبت شود و از
 اجر عظیمش بهره مند شویم.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۳.

۲. اجلاس جوانان و رهبری، ۹۰/۱۱/۱۰.

۳. عزیز الله حیدری، مهدی تجسم امید و نجات، ص ۸۴.

۳۷. چنین تعبیری در مورد کمتر دعایی دیده می‌شود!

از اهل بیت روایت شده که فرمودند: در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان، این دعا را در حال سجده و ایستاده و نشسته و در هر حالی که هستی تکرار کن و در طول ماه مبارک و در طول عمرت، هر مقدار که در توانت بود و یادت بود این دعا را تکرار کن. بعد از حمد و ثنای الهی و صلوات، این گونه بگو:

«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ..... حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا».

بله، این دعا، عاشقانه ترین دعاست، زیرا هر چه در این دعا می‌خواهی برای امامت می‌خواهی! خدا می‌داند چه اسراری در این دعا هست که این گونه سفارش شده است، پس یادمان باشد همیشه: «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ...».

چه کنیم بتوانیم به این سفارش عمل کنیم؟

هر وقت به یاد انبیاء و اهل بیت افتادیم یا نامشان را دیدیم، هرگاه کنار مزار امامزادگان حضور یافتیم و هر وقت نام و یاد و تصویر علمای ربانی را دیدیم و... به نیابت از آنان «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ...».

هر وقت نام شهیدی را بر کوچه و خیابان و میدان دیدیم یا تصویرشان را، یا بر مزار با برکتشان حاضر شدیم «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ...» و مؤمنین و مؤمنات.... هر کسی را که دوست داریم، این توصیه را به او داشته باشیم تا در مسیریاری امامان قدمی برداشته باشیم و سپس قدم‌های بعدی؛ پس بسم الله.

۱. کافی، ج ۴، ص ۱۶۲، کتاب الصوم، باب الدعای فی العشر الاواخر من شهر رمضان، ح ۴.

۳۸. چه حق بزرگی بر ما دارند!

سال ۳۲۹ هجری قمری، بغداد، محله کرخ، پایگاه شیعیان عراق، شیعه در معرض آزمونی بزرگ، شروع غیبت کبرا و شک و تردید برخی از شیعیان! چه باید کرد؟ عالم زمان شناس مرحوم «نعمانی» دست به تألیف کتابی بس ارزشمند به نام «الغیبة» می زند و به داد آنان می رسد و دین و ایمانشان را حفظ می کند.

شبهه همین وضعیت نیز در ایران دیده می شود. مرحوم شیخ صدوق در سفری به مشهد الرضا در مسیر بازگشت در نیشابور توقفی دارد و با شک و تردید برخی از شیعیان در مورد حضرت مهدی مواجه می شود. او که درد دین دارد به شدت نگران می شود؛ بر اساس آن چه که در مقدمه کتابش نوشته است، می گوید: شبی با همین نگرانی به خواب رفتم؛ در عالم رؤیا دیدم مکه هستم و مشغول طواف، در دور هفتم آمدم حجر الاسود را ببوسم، پس مولایم صاحب العصر و الزمان را دیدم که کنار درب کعبه ایستاده اند. خدمتشان رفتم و سلام کردم. پس از جواب سلام فرمودند: چرا کتابی در مورد غیبت نمی نویسی که نگرانی برطرف شود؟ عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! در مورد غیبت چیزهایی نوشته ام! فرمودند: کتابی بنویس و در آن غیبت انبیاء را یاد آوری کن.

لذا تصمیم گرفتم این کتاب را بنویسم و امر مولایم را امتثال کنم. و این چنین بود که کتاب ارزشمند «کمال الدین و تمام النعمة» در دو جلد توسط ایشان تألیف و پایه های اعتقادی شیعیان تقویت شد.

و چه زیباست با مطالعه دقیق این دو کتاب، با تقویت معرفت خود، و اطاعت و پیروی از امام زمانمان، به ایشان تقرب جویم و به سلامت، فتنه های آخرالزمان را پشت سر گذاشته و با ظهور ایشان، با کوله باری از معرفت و وفاداری جانفشانی در رکابش از همدیگر سبقت گیریم.

۳۹. آیا وقت آن نرسیده است که مثل آنان نباشید؟!

در انتظار موعودشان بودند؛ از همه چیزشان گذشته بودند و از منطقه شامات به اینجا آمده بودند؛ عده‌ای از آنان، در «خیبر» و تعدادی در «تیماء» و اندکی هم در «فدک» مسکن گزیده بودند، چرا که شنیده بودند موعودشان در سرزمین حجاز بین «عیر» و «احد» حکومتش شکل خواهد گرفت.

گروهی از آنان که دقت و پیگیری بیشتری داشتند این مکان را یافتند و این چنین شهر «یثرب» یا همان «مدینه النبی» شکل گرفت. بعدها عده‌ای دیگر که ظاهراً دین و ایمانی نداشتند و کافر بودند به نام «اوس» و «خزرج» همانجا مسکن گزیدند و گاهی بینشان دعوا می‌شد. منتظران «خاتم الانبیاء والمرسلین»؛ یعنی همان یهودیانی که از شامات آمده بودند و مؤمنان زمان خود بودند به آنان می‌گفتند: صبر کنید موعودمان بیاید به حساب شما می‌رسیم!

قرآن می‌گوید:

«فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ» وقتی وعده الهی محقق شد با این که او را شناختند به او کفر ورزیدند و آن کافران، شدند از مؤمنان و انصار و یارانش!

در آیات بعد، علل و عوامل این فرجام نامیمون را بررسی می‌کند؛ از جمله این که جامعه منتظر بنی اسرائیل، گرفتار حرص و طمع شد؛ مسابقه رفاه، تجمل و چشم و هم چشمی، آنان را در برگرفت و صداقت و راستی و رحم و مروت رنگ باخت و چه بسا برای رسیدن به دنیای بهتر، ارزش‌ها را نیز به حراج گذاشتند.

و قرآن به ما می‌گوید: آیا وقت آن نرسیده است که شما مثل آنان نباشید؟!^۱ و تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

۱. بقره، ۸۹.

۲. «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ... لَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ»؛ (حدید، ۱۶).

۴۰. ام البنین

با چند واسطه، جدش به حضرت عبدمناف جد اعلای رسول اعظم خدا می‌رسد، از خانواده‌ای شجاع و نامدار بود، خانواده‌ای که در شهامت، جوانمردی و مهمان‌نوازی سرآمد رادمردان عصر خود بودند؛ پدرش حزام و مادرش لیلا، نامش را «فاطمه» گذاشته‌اند.

مولا امیرالمؤمنین علیه السلام، بعد از شهادت صدیقه طاهره علیها السلام، از برادرش عقیل درخواست کرد که: برای همسری‌ام؛ بانویی از میان عرب انتخاب کن که از نسل دلیرمردان عرب باشد و پسری جوانمرد و شجاع برایم به دنیا آورد.

و عقیل که این خانواده را به خوبی می‌شناخت این دختر خوشبخت و سعادت‌مند را برای حضرت خواستگاری کرد و این چنین بود که افتخار همسری مولی الموحدین نصیبش شد و خود را وقف خدمت به یتیمان حضرت زهرا کرد و تمام سعیش این بود فرزندان بی‌آورد که همه، فدایی امام زمانشان باشند.

بله، چهار فرزند از جمله ابوالفضل (زاد الله فی درجاتهم) تربیت کرد که در یاری امامشان، افتخارانسان و انسانیت شدند.

در عظمت این بانو همین بس که وقتی «بشیر» خبر واقعه کربلا و آمدن اهل بیت امام حسین را در مدینه اعلام کرد؛ حضرت ام البنین گفت: ای بشیر! با این خبر ناگوار، بندهای دلم را پاره کردی. از حسین برایم خبر بده. فرزندانم و هر آنچه در زیر آسمان کبود است، فدای ابا عبد الله الحسین باد.

و اما امروز، تحقق عدالت جهانی به امامت حضرت مهدی، نیاز به مادرانی دارد که در فرزندآوری و تربیت چنین فرزندان، حضرت ام البنین را الگوی خود قرار دهند و در این مسیر از هیچ تلاشی دریغ نکنند.

۴۱. الزامات منتظران طلوع خورشید

خدا کند زمان ظهور باشیم!

خدا کند آقامون زودتر بیاید و... .

اینها نمونه‌هایی است از جملاتی که در مورد امام زمان گفته می‌شود؛ آیا می‌توان گفت: خوشا به حال کسی که زمان ظهور باشد؟

رسول اعظم خدا ﷺ فرمودند:

طوبى لمن أدرك قائم أهل بيته وهو يأتهم به في غيبته قبل قيامه؛ خوشا به حال کسی که «قائم اهل بیت» را درک کند (زمان ظهور باشد) در حالی که در دوران غیبت و قبل از قیامش، به او اقتدا کرده باشد (و در ادامه فرمودند): و با دوستان و موالیان ایشان، دوست و با دشمنانش دشمن باشد!

یعنی خوشا به حال کسی که در دوران غیبت امام زمان در تمام ابعاد زندگی، امام زمانش را الگوی خود قرار دهد و زندگی‌اش را بر اساس رضایت امامش سامان دهد؛ چنین کسی می‌تواند از شرایط به وجود آمده در دوران ظهور نهایت بهره را ببرد. و البته در دوران غیبت، که هوا و هوس‌ها، دین و ایمان و ارزش‌ها را در می‌نوردد، امام را الگوی خود قرار دادن کار ساده‌ای نیست! و ممکن است با عدم آمادگی‌مان هنگام ظهور، کار دست خودمان بدهیم.

لذا رسول خدا در مورد اجر و پاداش این آمادگی، فرمودند: «اینان از همراهان و دوستان و گرامی‌ترین امتم در روز قیامت نزد من خواهند بود».^۱

و این مدال، ارزش آن را دارد که در مسیر هم‌رنگی با امامان جدی‌تر باشیم.

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۶، باب ۲۵، ح ۲.

۲. همان.

۴۲. سیاهی روی سفیدی

روزی چندین بار رسول خدا و اهل بیت را می دیدند؛ استفاده اصحاب متفاوت بود، برخی که تعدادشان اندک بود، مثل سلمان، خوب استفاده می کردند؛ تعدادی هم در درجات پائین تر و عده ای هم خون به دل ایشان می کردند و موجب رنجش خاطرشان می شدند. اما مهم این بود که آنان، پیامبر خدا و اهل بیت عزیزش را می دیدند و بدون واسطه کلامش را می شنیدند؛ در چنین شرایطی خوب بودن خوب بود، اما هنر نبود. تصور کنید زمانی را که مردمانی بیایند که رسول خدا از دنیا رفته است، یازده جانشین الهی این رسول نیز به شهادت رسیده اند؛ در اثر نامهربانی مردم و قدر نشناسیشان، آخرین ذخیره الهی حضرت مهدی غائب شده اند؛ در چنین شرایطی عده ای از امت اسلام با این که این انوار طیبه را ندیده اند، اما با سخنان ارزشمندی که از آنان به دستشان رسیده است؛ یعنی همان روایات معصومان، از چنان دین و ایمانی برخوردارند که رسول خدا آرزوی دیدنش را داشت! این ایمان چقدر متفاوت خواهد بود!

رسول خدا ﷺ خطاب به امام علی علیه السلام فرمودند:

ای علی! شگفت انگیزترین ایمان و بزرگ ترین یقین از آن کسانی است که در آخر الزمان با این که پیامبرشان را ندیده اند و امامشان هم غائب است «فَأَمَّنُوا بِسَوَادِ عَلِيٍّ بَيَاضٍ» ولی با سیاهی (نوشته) روی سفیدی (کاغذ) ایمان می آورند.^۱

قدر خود را بدانید که وصف شما را «خاتم الانبیاء والمرسلین» با «سید الاوصیاء» در میان گذاشته و از شما تجلیل کرده، پس با تمام وجود، خود را در این مسیر حفظ کرده و سعی کنیم از بهترین رهروانشان باشیم.

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۸، باب ۲۵، ح ۸.

۴۳. چهار چیز در چهار چیز پنهان شده!

توصیه‌ای که نمی‌توان روی آن قیمت گذاشت! اگر در میان سفارشات ارزشمند معصومان هیچ روایتی جز این روایت نبود کافی بود تا به وسیله آن، عزت و سعادت دنیا و آخرت را برای خود به دست آوریم.

امام علی علیه السلام فرمودند: خداوند، چهار چیز را در چهار چیز مخفی کرده است:

۱. رضایت و خوشنودیش را در بین کارهای خوب پنهان کرده است، پس هرگز کار خوب را کوچک بشمار؛ چه بسا همان کار (به ظاهر کوچک) رضایت خداوند را در پی داشته باشد در حالی که تو نمی‌دانی. (در این صورت سعادت ابدی نصیب خواهد شد).

۲. خشم و غضبش را در میان گناهان پنهان کرده است، پس مبادا گناهی را کوچک بشماری؛ چه بسا خشم خداوند در همان کار (به ظاهر ناچیز) باشد در حالی که تو نمی‌دانی. (و کسی که گرفتار خشم خداوند شود...).

۳. اجابت را در میان دعاها پنهان کرده است، پس هیچ دعایی را کوچک بشمار؛ چه بسا اجابت در همان دعا باشد و تو نمی‌دانی.

۴. ولّیش را در میان مردم پنهان کرده است، پس مبادا احدی را کوچک بشماری؛ چه بسا او ولی خدا باشد در حالی که تو نمی‌دانی.^۱

۱. همان، ص ۲۹۶، باب ۲۶، ح ۴.

۴۴. رحمتی است برای همه جهانیان

خانه وحی، حال و هوای وصف ناشدنی دارد، نه تنها اهل خانه که فرشتگان آسمانها به خاطر تولد این فرزند، در هلهله و شادی به سر می بردند؛ آمده بود برای تبریک و تهنیت ولادت فرزندشان، اما لوح سبزرنگی که نور از آن ساطع بود و تا به حال نظیرش را ندیده بود توجهش را جلب کرد؛ عرض کرد ای دختر رسول خدا! این لوح سبز چیست؟

سرور زنان عالم، فاطمه زهرا علیها السلام فرمودند: ای جابر! این هدیه ای است از آسمان برای پدرم؛ در آن نام پدرم، همسرم و دو پسر و جانشینان (پدرم) از فرزندانم هستند. و جابر اجازه می گیرد و از روی آن می نویسد.

در این لوح، برای هر کدام از اهل بیت وصفی آورده شده و در مورد حضرت مهدی چنین آمده است:

«تَمَّ أَكْمِلُ ذَلِكَ بِإِنِّهِ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ».

سپس امامت را با فرزند او (امام حسن عسکری) کامل می کنم در حالی که او رحمت برای جهانیان است و کمال حضرت موسی و بهاء و عظمت حضرت عیسی و صبر حضرت ایوب را دارد.^۱

اگر این معرفت را داشتیم که امام زمانمان، رحمت برای همه است بیش از این به یادش بودیم و برای آمدنش قدمی برمی داشتیم و بی تاب و بی قرارش می شدیم و حال و هوای زندگیمان با نام و یادش گرم و عطراگین و نورانی می شد.

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَحْمَةَ اللَّهِ الْوَاسِعَةَ».

۱. همان، ص ۳۱۰، باب ۲۱، ح ۱.

۴۵. مصیبت اینجاست!

به وقتش امام را یاری نکردند؛ تحت تأثیر شایعات و نیرنگ معاویه بودند تا این که برای بقای حق و روشن شدن نیرنگ‌های دجال زمان، چاره‌ای جز صلح نبود. وقتی امام صلح کردند، عده‌ای از به اصطلاح شیعیان، می‌آمدند و امام را سرزنش می‌کردند.

امام حسن مجتبی علیه السلام در پاسخ آنان فرمودند:

وای بر شما! آیا نمی‌دانید «وَاللَّهِ الَّذِي عَمِلْتُ خَيْرًا لِّشِيعَتِي مِمَّا ظَلَعْتُ عَلَيْهِ الشَّمْسُ أَوْ غَرَبَتْ؛ آن چه را که من انجام دادم برای شیعیانم از آن چه که خورشید بر آن تابیده و غروب کرده است، بهتر بود؟.... و علت مخالفت حضرت موسی با حضرت خضر همین بود که از حکمت کارهای او، اطلاع نداشت؟

و آیا نمی‌دانید که هیچ یک از ما (اهل بیت) نیست جز این که بیعتی از طاغوت زمان بر عهده اوست مگر حضرت «قائم» که حضرت عیسی پشت سر ایشان، نماز می‌خواند و خداوند ولادتش را پنهان و ایشان را غائب می‌گرداند تا هنگام قیام، بیعت احدی بر عهده‌اش نباشد.

او نهمین فرزند برادر امام حسین و فرزند سرور کنیزان است که خداوند عمر طولانی در حال غیبت به او عطا می‌کند، سپس به قدرت الهی در چهره جوانی کمتر از چهل سال ظهور می‌کند تا:

بر همگان مشخص شود که خداوند بر هر کاری تواناست.^۱

بله، تمام مصیبت این جاست که امام را شاخص حق و باطل ندانیم و بخواهیم چیزی به امامان یاد بدهیم! در حالی که «حق آن چیزی است که آنان بگویند و باطل نقطه مقابل آنان است».

به گونه‌ای خود را برای ظهور امام زمانمان آماده کنیم که با چنین معرفتی با او روبرو شویم.

۱. همان، ص ۳۱۶، باب ۲۹، ح ۲.

۴۶. دوازده مهدی

چه روایت عجیبی! سراسر نکته و مطلب است، پاسخ بسیاری از سؤالاتمان را می‌توانیم از آن به دست آوریم.

سید و سالار شهیدان آقا ابی عبدالله الحسین علیه السلام می‌فرمایند:

«مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا...؛ از ما (اهل بیت) دوازده مهدی هستند، اولین آن‌ها، امیر المؤمنین علی بن ابی طالب و آخرین ایشان، نهمین فرزندم می‌باشد؛ و او امامی است که حق را به پای می‌دارد و خداوند زمین مرده (با ظلم) را به واسطه او، احیاء و زنده می‌گرداند و دین حق را به دست توانایش، بر همه دین‌ها حاکم می‌گرداند، هر چند مشرکان ناخشنود باشند.

او غیبتی خواهد داشت که گروه‌هایی در این دوران، از دین برمی‌گردند و عده‌ای دیگر ثابت قدم می‌مانند، ولی مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند و به آنان گفته می‌شود: «مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ اگر راست می‌گویید، این وعده کی خواهد بود؟» آگاه باشید! کسی که در دوران غیبتش، بر این اذیت و تمسخرها صبر کند به منزله رزمنده و مجاهد فی سبیل الله در رکاب رسول خداست».^۱

عجب پاداشی! ولی با عجب شرطی!

«أَمَّا إِنَّ الصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى وَ التَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ».

۱. یونس، ۴۸؛ انبیاء، ۳۸؛ نمل، ۷۱؛ سبأ، ۲۹؛ یس، ۴۸؛ ملک، ۲۵.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۱۷، باب ۳۰، ح ۳.

۴۷. درک ظهور یا درک حضور؟!

از هر چیزی بهترینش را می‌خواهیم! مانعی ندارد، چون فطرت ما این گونه بنا شده است، اما در امور معنوی هم به این اصل توجه داریم؟
درک ظهور و بودن در آن زمان، خیلی ارزشمند است، اما ظاهراً مسئله‌ای مهم‌تر از آن هم وجود دارد؛ خوب بشنویم کلام امام سجاد را:
ای ابا خالد! مردم زمان غیبت حضرت مهدی در صورتی که معتقد به امامت ایشان و منتظر ظهورش باشند برترین مردم هر زمان خواهند بود!
چرا؟ دلیل آن را در ادامه چنین بیان می‌کنند:

«لَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمُنْزَلَةِ الْمُنْزَلَةِ؛ چون خداوند تبارک و تعالی عقل و فهم و شناختی به آنان داده است که غائب بودن امام، برایشان همانند حضور و دیدن اوست».

یعنی به درک حضور امام رسیده‌اند.

با این که امامشان غائب است و در ظاهر او را نمی‌بینند، اما در اثر شناخت عمیقی که نسبت به امامشان دارند پیوسته او را شاهد و ناظر بر خود می‌بینند و سعیشان این است که مطابق رضایت امام زمانشان عمل کنند.

سپس مطلب را این چنین ادامه دادند: خداوند چنین کسانی را در آن زمان، به منزله مجاهدان در رکاب رسول خدا قرار داده است؛ اینان، مخلصان واقعی، شیعیان راستین و دعوت‌کنندگان به دین خداوند در نهان و آشکار هستند.^۱

چنین کسانی، ظهور برایشان «نور علی نور» خواهد بود و زیباترین و بهترین استفاده را از آن دوران می‌توانند داشته باشند؛ اما اگر صرفاً ظهور را در انتظار بنشینیم ضرر خواهیم کرد.

۱. همان، ص ۳۲۰، باب ۳۱، ح ۲.

۴۸. سه ویژگی ثابت قدمان

آمده‌ایم تا مدارج کمال را طی کنیم، درس می‌گیریم و بعد امتحان؛ موفقین در این آزمون‌های الهی، مرحله به مرحله اوج می‌گیرند و قیمتی ترمی شوند. امتحان هرچه سخت‌تر باشد، نتیجه آن مهمتر است؛ یکی از سخت‌ترین آزمون‌های الهی، آزمون دوران غیبت امام زمان است.

امام سجاد علیه السلام فرمودند: «قائم» ما دو غیبت خواهد داشت که یکی طولانی‌تر از دیگری است به گونه‌ای که بسیاری از افراد، از اعتقاد خود برمی‌گردند! کسی نمی‌تواند ثابت قدم بماند مگر این که:

۱. «قَوِيَ يَقِينُهُ؛ يقين قوي داشته باشد»؛

۲. «صَحَّحَتْ مَعْرِفَتُهُ؛ شناخت درست نسبت به امام زمانش داشته باشد»؛

۳. «وَلَمْ يَجِدْ فِي نَفْسِهِ حَرَجًا مَّا قَضَيْنَا وَ سَلَّمَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ؛ و در دل خود هیچ سختی

(دل‌تنگی) به آنچه که ما حکم می‌کنیم نداشته و تسلیم امر ما باشد».

و انتظار یعنی: تلاش در جهت تقویت یقین خود نسبت به امام، به دست آوردن شناخت درست از مراکز معتبر زیر نظر حوزه علمیه و از همه مهمتر، فهم عصمت امام، تا در نتیجه جزء برترین یاران امامان پذیرفته شده و در تقرب به خالقمان، از یکدیگر سبقت بگیریم.

۴۹. زمان باز شدن درهای رحمت

از قبل هشدار داده شده بود؛ ولی کسی توجه نکرد! آیه آخر سوره مُلک را می‌گوییم؛ فرمود: ای رسول ما! بگو: به من خبر دهید اگر آبتان، دست نیافتنی شد چه کسی آبی که قابل دسترس باشد در اختیارتان قرار می‌دهد؟^۱

امام باقر علیه السلام فرمودند: این آیه در مورد حضرت قائم علیه السلام نازل شده است. می‌فرماید: به من خبر دهید اگر روزی بیاید که امامتان از شما غائب شود به گونه‌ای که ندانید کجاست «فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِإِمَامٍ ظَاهِرٍ يَأْتِيكُمْ بِأَخْبَارِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَحَلَالِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ وَحَرَامِهِ؛ پس چه کسی امام آشکاری در اختیارتان قرار می‌دهد که او اخبار آسمان‌ها و زمین و (حکم واقعی) حلال و حرام خداوند را برایتان بیاورد؟»^۲

شما میان هشت میلیارد انسان بگردید؛ چه کسی می‌تواند حقیقتاً ادعا کند که به غیب راه دارد و عالم غیب را بهتر از این عالم می‌شناسد؟ چه کسی می‌تواند بگوید هر چه می‌خواهید از من بپرسید؟ و کیست که بتواند بگوید: اگر پرده غیب کنار رود چیزی بریقینم افزوده نمی‌شود؟

خداوند چنین انسان‌های کامل و معصومی در اختیار امت قرار داد، ولی قدر ندانستند؛ وقتی نوبت به آخرینشان رسید چاره‌ای جز غیبتش نبود. تا کی؟ تا آنگاه که سرمان به سنگ بخورد و بفهمیم امام، تنها راه است.

گرچه هر کس اعتقاد به امام دارد باید در دوران غیبت، به فقیه جامع‌الشرایط مراجعه کند و تکلیفش را بفهمد، اما این بدین معنا نیست که مشکل حل شده است! اگر امام و ویژگی‌هایش را می‌فهمیدیم بی‌قرار و مضطرب می‌شدیم و سعادت و عزت دنیا و عقبی نصیبمان می‌شد و درهای رحمت به رویمان باز می‌شد.

۱. مُلک، ۳۰.

۲. کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۲۶، باب ۳۲، ح ۳.

۵۰. يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ

وقتی وصف برخی از افراد را می شنوم، به حالشان غبطه می خورم؛ نسبت به دریافت معارف دین از اهل بیت و رساندن آن به دیگران حریص بود؛ ۴۶۰۰۰ حدیث از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت کرده است. فقیهی کم نظیر و پرهیزگار بود. بله، محمد بن مسلم کوفی را از احیای مکتب امام باقر علیه السلام یاد کرده اند. او می تواند الگوی خوبی برای ما باشد و ما هم....

و او چنین روایت می کند: امام باقر علیه السلام فرمودند: «قائم» ما با رعب (ترسی که خداوند در دل دشمنان می اندازد) یاری و با نصرت (خداوند) کمک می شود. تمام زمین در تسخیر او خواهد بود و همه گنجها برایش آشکار می شود و حکومتش شرق و غرب عالم را می گیرد و خداوند به دست او، دین حق را بر همه دین ها غلبه می دهد؛ هیچ ویرانی باقی نمی ماند جز این که به دست ایشان آباد می شود و حضرت عیسی مسیح (از آسمان) فرود می آید و پشت سرش به نماز می ایستد.

در ادامه برخی از نشانه های ظهور را یاد آور شدند و فرمودند: به کعبه تکیه می دهد و ۳۱۳ نفر مرد (یاران خاص) نزد ایشان جمع می شوند و اولین سخنش این آیه است: «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۱. سپس می فرماید: «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَتُهُ وَ حُجَّتُهُ؛ مَنْ بَقِيَّةِ اللَّهِ وَ خَلِيفَهُ وَ حُجَّتَهُ وَ حُجَّتُهُ»؛ سپس همگان این گونه به او سلام می دهند: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ».

وقتی یارانش به ۱۰۰۰۰ نفر رسیدند (از مکه) خارج می شوند و این بعد از غیبتی طولانی خواهد بود.

تا مشخص شود چه کسی (در این دوران) از خداوند پیروی می کند.^۲
با این فراز آخر، تکلیف ما در دوران غیبت مشخص می شود.

۱. هود، ۸۶.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۱، باب ۳۲، ح ۱۶.

۵۱. ابزار شناختش عقل است

بسیاری از چیزهایی را که اطرافمون هست از طریق حواس پنجگانه خودمون، می‌شناسیم؛ اما همه چیز را همیشه با این ابزار شناخت؟ جاذبه زمین، محبت، شجاعت و....

بله، خیلی از حقایقی که در عالم وجود دارد تحت قلمرو حواس ما قرار نمی‌گیرد و ابزار شناخت آن، «عقل» است؛ با همین حجت درونی، خالق و آفریدگارمان را می‌شناسیم. اصلاً تفاوت انسان با حیوانات، همین مسئله است. اما باید مراقب باشیم هوا و هوس، حرص و طمع، روی آن را نپوشاند و پیوسته نور فکر را بر آن بتابانیم و از این نعمت بی‌نظیر الهی، حفاظت کرده و آن را تقویت کنیم.

در قرآن، اولین شاخصه پرهیزگاران، ایمان به «غیب» بیان شده است؛ ایمان به غیب، مانند آستانه و درگاهی است که با ورود به آن، انسان از مرتبه حیوانی که به درک محسوسات محدود می‌شود، بیرون می‌آید و به مرتبه والای انسانیت وارد می‌شود و درمی‌یابد که وجود بزرگتر و فراگیرتر از دایره محسوسات است.

یحیی بن ابی القاسم مشهور به ابا بصیر، از امام صادق علیه السلام در مورد آیه شریفه «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» پرسید و حضرت فرمودند: «الْمُتَّقُونَ شِيعَةُ عَلِيٍّ وَ الْغَيْبُ فَهُوَ الْحُجَّةُ الْغَائِبُ».

متقیان، شیعیان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب هستند و مراد از غیب، «حجت غائب» است.^۱

متقین به خداوند و وعده‌های او ایمان دارند و از آنجا که مژده و نوید ظهور حضرت را خود خداوند داده است، هرگز دچار شک و تردید نمی‌شوند و هم‌چنان چشم به راه مقدم نورانی وی باقی می‌مانند و سعیشان این است که او را بهتر بشناسند.

۱. همان، ج ۲، ص ۳۴۰، باب ۳۳، ح ۲۰.

۵۲. آیا تو یوسفی؟!

فرمود: در او شباهتی از حضرت یوسف علیه السلام هست؛ عرض کردم: گویا خبر یا غیبتش را یاد می‌کنید!

امام صادق علیه السلام در پاسخ فرمودند:

...چه شده است که این امت نمی‌پذیرند، خداوند با حجتش همان کاری را انجام دهد که با حضرت یوسف انجام داد؟ «أَنْ يَكُونَ يَسِيرٌ فِي أَسْوَاقِهِمْ وَ يَطَأُ بُسْطَهُمْ وَ هُمْ لَا يَعْرِفُونَهُ...»؛ به این صورت که در بازارهایشان حرکت کند، بر فرشهایشان قدم بگذارد (در مجالسشان حضور یابد) در حالی که او را نمی‌شناسند تا این که خداوند به او اجازه دهد خود را معرفی کند؛ همانگونه که به حضرت یوسف اجازه داد خود را معرفی کند، آنگاه که گفت: «آیا دانستید با یوسف و برادرش چه کردید، آن گاه که جاهل بودید؟! گفتند: آیا تو همان یوسفی؟! گفت: (آری) من یوسفم»^۱.

یعنی حضرت مهدی در میان ما حضور دارد؟ ما را می‌بیند و می‌شناسد و ما این گونه غافلیم!

نکته لطیفی که در بیان نورانی امام صادق علیه السلام جلب توجه می‌کند این است که جهل و نادانی، سبب دوری و محرومیت از حجت خداوند می‌شود. مطلب آخر این که فرزندان حضرت یعقوب وقتی فهمیدند شخصیتی که نزد او آمده‌اند حضرت یوسف است، شرم و خجالت تمام وجودشان را فرا گرفت! نکند مادر دوران غیبت، به گونه‌ای عمل کنیم که با دیدن امام زمانمان همان وضعیت را داشته باشیم!

«وَ اٰمَنُ عَلَيْنَا بِرِضَاہٖ، وَ هَبْ لَنَا رَافَتَهُ وَ رَحْمَتَهُ، وَ دُعَاءَهُ وَ خَيْرَهُ».

۵۳. مثل زنبور عسل

يعسوب الدين امير المؤمنين علي بن ابي طالب عليه السلام فرمودند:

همانند زنبور عسل باشید که همه پرندگان با دیده حقارت به او می نگرند، ولی اگر می دانستند در درون او چیست (عسل و برکتی که دارد) با او این گونه رفتار نمی کردند؛ به ظاهر با زبان و بدنتان در میان مردم باشید (با مردم معاشرت داشته باشید)، ولی با قلب و رفتارتان از آنان دوری کنید. (اخلاق و رفتارتان همانند آنان نباشد) به آن خدایی که جانم در دست اوست آن چه را که دوست می دارید نخواهید دید تا این که برخی در صورت دیگری آب دهان بیندازد و همدیگر را دروغگو بنامید و تا این که باقی نماند (در پایبندی به ایمان) از شما مگر به اندازه سرمه چشم و نمک غذا.

سپس فرمودند:

مثالی برای شما می زنم؛ شخصی مقداری گندم را پاک می کند و در گوشه اتاق می گذارد، بعد از مدتی وقتی سراغ آن می رود می بیند آفت زده، آن را برمی دارد و پاک می کند (طبقاً مقداری از آن که خراب شده، کم می شود) و سر جاییش می گذارد. بعد از مدتی دوباره می بیند آفت زده، آن را برمی دارد و پاک می کند و همینطور این کار را انجام می دهد تا این که مقدار کمی می ماند که دیگر هیچ آفتی به آن ضرر نمی زند.

در ادامه فرمودند:

وَ كَذَلِكَ أَنْتُمْ تُمَيِّزُونَ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا عَصَابَةٌ لَا تَضُرُّهَا الْفِتْنَةُ شَيْئًا؛
شما نیز (در دوران غیبت) این گونه هستید (آنقدر فتنه ها دامنگیر شما می شود و ریزش هایی خواهید داشت) تا این که گروهی از شما بمانند که فتنه ها در آنان اثر ندارد.^۱

یعنی کسانی برحق می مانند که دارای ایمانی استوار هستند که تحت هیچ شرایطی

۱. معجم الأحادیث الإمام المهدي عليه السلام، ج ۴، ص ۴۰.

در شناخت حق و پیروی و یاری حق دچار مشکل نمی شوند.
در یک کلمه؛ یعنی با نیت صادق و رفتار صالح و بصیرت در شناخت حق، بر حق
بمانید تا ببینید آن چه را که دوست دارید.



۵۴. روز شادی شیعیان

حدیثی است شگفت انگیز و مفصل!

گوینده: امیرالمؤمنین علیه السلام.

مخاطب: حذیفه بن یمان.

ابتدا توصیه‌ای به حذیفه در رابطه با در نظر گرفتن ظرفیت و قابلیت افراد در بیان حقایق به ویژه فضائل اهل بیت علیهم السلام دارد.

در ادامه به کوتاهی مردم اشاره می‌کند که در نتیجه، ظالمان قدرت می‌گیرند و اهل بیتش یکی پس از دیگری به شهادت می‌رسند تا می‌رسد به خاتم اوصیاء، حضرت مهدی علیه السلام با این تعبیر: ... حَتَّى إِذَا غَابَ الْمُتَغَيِّبُ مِنْ وُلْدِي عَنْ عُيُونِ النَّاسِ...؛ تا آن زمان که غائب شونده از فرزندانم از دیدگان مردم غائب شود و فتنه و بلا جامعه را در برمی‌گیرد و به شیعیان ناسزا می‌گویند و (امت) به خیال باطلشان گمان می‌کنند حجتی وجود ندارد و امامت باطل شده است.

اما قسم به پروردگار علی، حجت خدا پایدار است و در مسیرها (خیایان‌ها) حرکت می‌کند و در مجالس حضور می‌یابد و در شرق و غرب این عالم (در پی انجام مأموریت الهی خود) در رفت و آمد است. بر مردم سلام می‌کند (در حالی که او را نمی‌شناسند)؛ می‌بیند ولی دیده نمی‌شود تا زمانی که وقتش (ظهورش) برسد و منادی از آسمان ندا دهد.

سپس فرمودند: آگاه باشید آن زمان، روز شادی فرزندان علی و پیروانش است.^۱

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۱۴۲، باب ۱۰، ح ۳.

۵۵. نعمت پنهان

آیه عجیبی است! با گلابه آغاز می شود. آیا ندیدید (فکر نکردید) خداوند آنچه را در آسمانها و زمین است مسخر شما کرده و نعمتهای آشکار و پنهان خود را به طور فراوان بر شما ارزانی داشته است؟!۱

یعنی همه عالم، در اختیار تو قرار داده شده است؛ آیا فکر نکردی که تو برای چه آفریده شده‌ای؟ همه نعمت‌های آشکار و پنهان برای تو، اما تو برای چه؟

راوی از امام کاظم در مورد نعمت آشکار و پنهان، سؤال کرد؛ حضرت فرمودند: نعمت آشکار، امام آشکار و نعمت پنهان، امام غائب است. عرض کردم: یعنی کسی از امامان غائب می شود؟ فرمودند:

نَعْمَ يَغِيبُ عَنِ أَبْصَارِ النَّاسِ شَخْصُهُ وَلَا يَغِيبُ عَنْ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ ذِكْرُهُ؛

بله، از دیدگان مردم پنهان می شود، ولی یادش از دل آنان پنهان نمی شود.

او دوازدهمین ماست؛ کسی که خداوند هر دشواری را برایش آسان، هر کار سختی را رام، همه گنجهای زمین را برایش آشکار، هر دوری را برایش نزدیک، هر زورگوی سرکش و هر شیطان گردن‌کشی را به دستش هلاک می کند. او فرزند سرور کنیزان است که ولادتش بر مردم مخفی می ماند و تصریح به نامش جایز نیست تا این که خداوند او را ظاهر کند و در نتیجه تمام عالم را پراز عدل و داد کند همانگونه که پراز ظلم و جور شده است.^۲ (یعنی تا آنجا عدالتش می رود که ظلم رفته است).

پیام اساسی آیه و با توجه به تبیین امام کاظم علیه السلام این است که اگر ما خودمان را خوب بشناسیم، به این فهم می‌رسیم که نیاز به امام و حجت خدا، اساسی‌ترین نیاز ما است.

۱. لقمان، ۲۰.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۶۹.

۵۶. ماء معین

وقتی شیعه، سومین فرزندم (امام حسن عسکری) را از دست بدهد فتنه‌ای کور و سنگین، آنان را در برمی‌گیرد!

این کلام مولایمان آقا علی بن موسی الرضا علیه السلام است که فضا و شرایط سال ۲۶۰ هجری را ترسیم کرده و سپس فرمودند:

پدر و مادرم فدای همانم جدم و شبیه به خودم و شبیه به حضرت موسی؛ «كَمْ مِنْ حَرَّى مُؤْمِنَةٍ وَ كَمْ مِنْ مُؤْمِنٍ مُتَأْتِفٍ حَرَّانَ حَزِينٍ عِنْدَ فِقْدَانِ الْمَاءِ الْمُعِينِ؛ چه بسیار زنان و مردان مؤمن که هنگام غیبت «ماء معین» دل سوخته و غمگین و متأسف هستند».

از دیگر ویژگی‌هایی که امام رضا علیه السلام در مورد چهارمین فرزندش بیان کرده این است که «رَحْمَةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ عَذَابٌ عَلَى الْكَافِرِينَ» او رحمت برای مؤمنان و عذاب برای کافران است!

آیا تا کنون شده که به خاطر غائب بودن امامان، دل‌مان بگیرد، اشکمان جاری و فریادمان بلند شود؟ به خاطر دوری از امامان بسوزیم!

بر اساس بیان نورانی امام رضا علیه السلام چنین حالتی، ویژگی مؤمنان است؛ و این معیار و میزانی است برای شناخت مؤمنان راستین.

۵۷. جبرئیل برزبانت جاری کرد.

شاعر بود؛ قصائدی سروده بود بی نظیر! آرزویش این بود این اشعار را برای مولایش امام رضا بخواند.

آمد خدمت امام و اجازه گرفت و شروع کرد به سرودن قصیده اش:

مَدَارِسُ آيَاتٍ خَلَّتْ مِنْ تِلَاوَةٍ وَ مَنَزِلٌ وَحْيٍ مُقْفِرُ الْعَرَصَاتِ

مدرسه‌هایی که در آن آیات الهی خوانده می شد از صدای تلاوت خالی گشته و جایگاه وحی خداوند همچون بیابان هموار شده است. (خاندان پیامبر خدا، غریب و تنها هستند) تا رسید به این ابیات:

خُرُوجُ إِمَامٍ لَا مَحَالَةَ خَارِجٌ يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ وَ الْبَرَكَاتِ

يُمِيزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَ بَاطِلٍ وَ يُجْزِي عَلَى النَّعْمَاءِ وَ النَّقِمَاتِ

ظهور امامی که ناچار می باید بیاید، حتمی است. او به نام خدا و برکات او قیام می کند تا در میان ما هر حقی را از باطل تمیز دهد و پاداش هر نعمت و نعمتی را عطا نماید. امام، با شنیدن این دو بیت، شدیداً گریه کردند و سپس سرشان را بلند کرده و فرمودند: ای خزاعی! روح القدس این دو بیت را برزبانت جاری کرد؛ آیا می دانی این امام کیست؟ عرض کردم: نه! جز این که قیام امامی از شما را شنیده‌ام که زمین را از فساد پاک و آن را از عدالت پر خواهد کرد.

حضرت فرمودند: دعبل! امام بعد از من، «محمد» پسر من و بعد از او، پسرش «علی» و بعد از او، پسرش «حسن» و نهایتاً پسرش «قائم» است که:

«الْمُنْتَظَرُ فِي غَيْبَتِهِ الْمُطَاعُ فِي ظُهُورِهِ؛ در دوران غیبت باید چشم به راه و

هنگام ظهورش، مطیع و فرمانبردارش بود. اگر از دنیا فقط یک روز باقی

مانده باشد خداوند آن روز را آنقدر طولانی می کند تا او قیام کند و عالم را

پراز عدالت کند؛ همانگونه که از ظلم پر شده است.»^۱

۵۸. شما صاحب این امر هستید؟

از همان صدر اسلام، خیلی‌ها منتظرش بودند، اما چقدر آمادگی لازم را داشتند نمی‌دانم؟ و این که آن موعود را برای خود می‌خواستند یا خود را برای او باز هم نمی‌دانم؟ از ائمه سؤال می‌کردند شما قائم به حق و صاحب این امر هستید؟ این بار ریان بن صلت از امام رضا پرسید: «أَنْتَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ؛ شما صاحب این امر هستید؟» حضرت فرمودند: من صاحب این امر هستم، اما نه آن کسی که عالم را پراز عدل و داد خواهد کرد. چگونه آن (موعود) باشم با آن ضعفی که در جسم می‌بینی؟!

همانا «قائم» کسی است که وقتی قیام کند «كَانَ فِي سِنِّ الشُّيُوخِ وَ مَنْظَرِ الشُّبَّانِ...؛ در سن کهن سالان و چهره جوانان است؛ جسمی قوی دارد، به گونه‌ای که اگر به سمت بزرگ‌ترین درخت روی زمین دست ببرد، آن را از جامی کند و اگر میان کوهها فریاد بزند، کوهها تکه تکه می‌شوند؛ با او عصای حضرت موسی و انگشتر حضرت سلیمان (با همان ویژگیها) است؛ او چهارمین فرزندم است که خداوند او را تا مدت زمانی که بخواهد غائب خواهد کرد، سپس او را ظاهر می‌کند و در نتیجه به دست او عالم را پراز عدل و داد می‌کند؛ همانگونه که از ظلم و جور پُر شده است»^۱.

یعنی عدالتش همه جهان را در بر می‌گیرد؛ همانگونه که ظلم و جور همه عالم را گرفته است.

۱. همان، ص ۳۷۶، باب ۲۵، ح ۷.

۵۹. چرا او را «قائم» و «منتظر» می گویند؟

محضر مبارک جواد الائمه علیه السلام هستم؛ سخن از جانشین ایشان است. فرمودند: امام پس از من، فرزندانم «علی» است؛ امر او امر من و گفتارش گفتار من و پیروی از او پیروی از من است و امام پس از او فرزندش «حسن» است و امر او امر پدرش و گفتار او گفتار پدرش و پیروی از او پیروی از پدرش است.

دیگر چیزی فرمودند.

صقر بن ابی دلف ماجرا را این گونه ادامه می دهد که محضرشان عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! امام بعد از امام حسن کیست؟ ایشان گریه شدیدی کردند و فرمودند: بعد از امام حسن، فرزندش که قائم به حق و منتظر است، امام خواهد بود. عرض کردم چرا او را «منتظر» می نامند؟

فرمودند:

چون غیبتی طولانی دارد که فَيَنْتَظِرُ خُرُوجَهُ الْمُخْلِصُونَ وَيُنْكِرُهُ الْمُؤْتَابُونَ وَيَسْتَهْزِئُ بِذِكْرِ الْجَاهِدُونَ وَيَكْذِبُ فِيهَا الْوَقَّاتُونَ وَيَهْلِكُ فِيهَا الْمُسْتَعْجِلُونَ وَيَنْجُوا فِيهَا الْمُسْلِمُونَ؛ مخلصان در انتظار او خواهند بود و کسانی که در شک و تردیدند او را انکار می کنند و بی دینان، یاد او را به تمسخر می گیرند و تعیین کنندگان وقت ظهور دروغ می گویند و شتاب کنندگان (در امر ظهور) هلاک می شوند و کسانی که تسلیم (فرمان خداوند) باشند (به دنبال انجام وظیفه خود باشند) نجات می یابند.^۱

۶۰. از قم رفته بود سامرا تا امامش را بشناسد!

آفرین بر این همت! از قم رفته بود سامرا محضراً امامش تا امام پس از ایشان را بشناسد؛ وکیل امام حسن عسکری علیه السلام در قم بود.

قبل از این که چیزی بگوید، حضرت فرمودند: ای احمد بن اسحاق! خداوند از زمانی که حضرت آدم را آفرید تا روز قیامت هرگز زمین را از حجتی از ناحیه خودش خالی نگذاشته و نخواهد گذاشت؛ به واسطه او بلا از مردم دور و رحمتش نازل و برکات زمین خارج می شود.

عرض کردم: امام و حجت خداوند پس از شما کیست؟

شتابان برخاستند و به اتفاق رفته و در حالی برگشتند که بردوششان فرزندی بود که همچون ماه می درخشید. فرمودند: اگر به خاطر جایگاهت نزد خداوند و حجت‌هایش نبود او را به تونشان نمی دادم؛ او همانم و هم کنیه رسول خداست، همان کسی است که جهان را از عدل و داد پر می کند، همانگونه که از ظلم و ستم پر شده است.

ای احمد بن اسحاق! مثل او در این امت، مثل حضرت خضر و مثل ذی القرنین است. به خدا قسم غیبتی خواهد داشت. کسی از نابودی نجات پیدا نمی کند مگر این که خداوند او را بر امامتش ثابت قدم نگه دارد:

«وَوَفَّقَهُ فِيهَا لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ؛ و برای دعا جهت تعجیل فرجش موفق کند».^۱

پس دعای برای تعجیل فرج اولاً، توفیق الهی است و ثانیاً، سبب نجات و ثابت قدم

ماندن بر حق می شود.

۱. همان، ص ۳۸۵، باب ۳۸، ح ۱.

۶۱. راه رهایی از مرگ جاهلی

«زمین تا روز قیامت هرگز از حجت الهی خالی نخواهد بود و کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناخته باشد به مرگ جاهلی مرده است».

آمده بودند محضر مبارک امام حسن عسکری تا از این روایت که از آباء و اجداد طاهرینش نقل شده است سؤال کنند؛ حضرت در پاسخشان فرمودند: این مسئله یک حقیقت است؛ همان گونه که روز حقیقت است.

محمد بن عثمان بن سعید، دومین نایب خاص امام زمان، ماجرا را چنین تشریح می کند که سؤال شد: ای فرزند رسول خدا! حجت و امام پس از شما کیست؟ امام فرمودند: پسر «محمّد» امام و حجت بعد از من است؛ کسی که از دنیا برود و او را نشناسد به مرگ جاهلی مرده است.

«أَمَّا إِنْ لَهُ غَيْبَةً يَحَارُ فِيهَا الْجَاهِلُونَ وَيَهْلِكُ فِيهَا الْمُتَبَطِّلُونَ وَيَكْذِبُ فِيهَا الْوَقَاتُونَ؛ آگاه باشید همانا برای او غیبتی خواهد بود که ناآگاهان دچار حیرت و سرگردانی می شوند، اهل باطل (لهو و لعب) هلاک می شوند (دینشان را از دست می دهند)، تعیین کنندگان وقت برای ظهور، دروغ می گویند»؛ «ثُمَّ يَخْرُجُ فَكَأَنِّي أَنْظِرُ إِلَى الْأَعْلَامِ الْبَيْضِ تَخْفِقُ فَوْقَ رَأْسِهِ بِنَجْفِ الْكُوفَةِ؛ سپس قیام می کند؛ گویا به پرچم های سفید می نگرم که بالای سرش در نجف کوفه در اهتزاز است».

شناخت همانند نور است و جهالت بسان ظلمت و تاریکی؛ هر چه بر شناختمان نسبت به امام زمانمان افزوده شود بهره بیشتری از حیات ایمانی و نور الهی خواهیم داشت و حرکت در مسیر شناخت عمیق تر امام؛ یعنی حرکت از ظلمت به نور؛ نتیجه مهم این سعی و تلاش این است که هر چه از میزان این ظلمت و جهل نسبت به امام کاسته شود، بر میزان نور معرفت افزوده می شود و ارزش وجودی انسان متفاوت خواهد شد.

۶۲. آیا مرا می‌شناسی؟!

توفیق بزرگ خدمتگذاری در منزل امام حسن عسکری را دارد؛ آمد محضر مبارک امام مهدی در حالی که به ظاهر کودک بود و چند سالی بیش نداشت. حضرت فرمودند: «أَتَعْرِفُنِي؛ آیا مرا می‌شناسی؟»
گفتم: ببله.

فرمود: من کیم؟

گفتم: شما سرور من و فرزند سرورم هستید.

فرمود: از این سؤال نکردم.

تازه ابونصر فهمید قضیه چیز دیگری است؛ سؤال حضرت، یک سؤال ساده نیست. عرض کردم: فدایتان شوم، خودتان برایم توضیح دهید.
فرمودند: «أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ؛ من آخرین وصی و جانشین رسول خدایم». «وَبِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْبَلَاءَ عَنِ أَهْلِ وَشِيعَتِي؛ خداوند به واسطه من، بلا را از اهل من و شیعیانم بر طرف می‌کند».^۱

بله، شناخت امام، شناخت شناسنامه‌ای نیست؛ بلکه علاوه بر آن، باید جایگاه، ویژگی‌ها و وظیفه خود را در برابر امام شناخت و در یک کلمه فهمید که او امام ماست و چه حق بزرگی بر عهده ما دارد.

اگر امام از ما بپرسند «آیا مرا می‌شناسی» جواب مناسب داریم؟

۱. همان، ص ۴۴۱، باب ۴۳، ح ۱۲.

۶۳. توصیه‌ای از سوی امام

تازه دوران تلخ غیبت صغرا شروع شده بود و شیعیان در معرض یک آزمون بزرگ و آسیب‌هایی شکننده قرار داشتند؛ امام زمان توصیه‌هایی در قالب دعا بیان کردند که از طریق اولین نایب ایشان، یعنی عثمان بن سعید به دست شیعیان رسید.

این دعا با عنوان «دعای دوران غیبت» مشهور شده و شرحی نیز با عنوان «عبور از تاریکی» بر آن نوشته شده است؛ با دعای معرفت شروع و با فرازی بی نظیر پایان می‌پذیرد «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي بِهِمْ فَائِزاً عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ».

محورهای کلی این دعا را این گونه می‌توان بیان کرد:

اهمیت شناخت امام زمان، ثبات قدم در دوران غیبت، دعا برای فرج، وظیفه و مسئولیت خطیر ما در دوران غیبت، اهمیت حفظ امید و دوری از ناامیدی، هدف از ظهور و... .

درفرازی از این دعا می‌خوانیم:

«اللَّهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطُولِ الْأَمَدِ فِي غَيْبَتِهِ وَانْقِطَاعِ خَبَرِهِ عَنَّا وَلَا تُنْسِنَا ذِكْرَهُ وَانْتِظَارَهُ؛ خدایا! به خاطر طولانی شدن زمان غیبتش و بی‌خبری ما از ایشان، یقین را از ما نگیر و یاد و انتظارش را از یاد ما مبر»^۱.

۱. همان، ج ۲، ص ۵۱۲، باب ۴۵، ح ۴۳. برای دسترسی آسان‌تر می‌توانید این دعا را در انتهای مفاتیح الجنان نیز ببینید.

۶۴. ارزش و جایگاه انتظار

محضر مبارک امام صادق علیه السلام شرفیاب شده بودم که فرزند گرانقدرش آقا موسی بن جعفر علیه السلام وارد شدند، برخاستم و او را بوسیدم و نشستم.

حضرت فرمودند: ای ابا ابراهیم! بدان او صاحب (امام) تو پس از من است؛ گروههایی در موردش به هلاکت می افتند (جریان واقفیه و انحرافشان) و افرادی سعادت مند می شوند، خداوند قاتلش را لعنت کند و عذابش را زیاد کند. از او بهترین خلق خداوند در روی زمین در زمان خودش، به دنیا خواهد آمد (امام رضا) و از نسل او دوازدهمین از ما به دنیا خواهد آمد؛ کسی که منتظر دوازدهمین ما باشد همانند کسی است که شمشیر از نیام کشیده در رکاب رسول خدا از ایشان دفاع کند.

نامحرمی از بنی امیه وارد شد و کلام حضرت قطع شد؛ چندین مرتبه خدمت ایشان آمدم تا بقیه کلامشان را بشنوم، نشد؛ تا این که سال بعد محضرشان رسیدم (همان ابتدای ورود بدون این که چیزی بگویم) فرمودند: ای ابا ابراهیم! او (دوازدهمین از ما) همان کسی است که بعد از سختی شدید و بلای طولانی مدت شیعیانش، آنان را از گرفتاریشان می رهاند:

«فَطُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ الزَّمَانَ؛ پس خوشا به حال کسی که آن زمان

باشد»^۱.

۱. همان، ص ۶۴۷، باب ۵۵، ح ۸.

۶۵. آزمون‌های قبل از قیام

«إِنَّ قُدَّامَ الْقَائِمِ عَآلَمَاتٌ؛ قبل از قیام حضرت «قائم» برای مؤمنین از سوی خداوند، نشانه‌هایی خواهد بود». عرض کردم: یا ابن رسول الله! فدای شما شوم، آن نشانه‌ها چیست؟ فرمودند: آن قول خداوند است که فرمود: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ»؛ یعنی پیش از قیام حضرت قائم، شما مؤمنین را خواهم آزمود: «بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالشَّمَرَاتِ وَبَشِيرِ الصَّابِرِينَ؛ به چیزی از ترس از سوی پادشاهان از فرزندان فلان در آخر حکومتشان و گرسنگی با بالا رفتن قیمت‌ها (تورم)»؛ «وَنَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ؛ و کساد شدن تجارت و کمی سود و از دست دادن جان‌ها؛ یعنی مرگی سریع و فراگیر (به‌گونه‌ای که مردم از دفنشان عاجز مانند) و نقصی در میوه‌ها؛ یعنی کاهش برداشت محصول آزمایش می‌کند»؛ «وَبَشِيرِ الصَّابِرِينَ؛ در این هنگام صبرکنندگان را به تعجیل قیام حضرت قائم بشارت دهید».

سپس امام صادق علیه السلام فرمودند: ای محمد بن مسلم! این تأویل آیه است و خداوند می‌فرماید: «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ».^۱

گویا دوران غیبت، دورانِ نیروسازی برای اصلاح عالم است که باید انسان‌ها در کوره حوادث و مشکلاتی مانند قحطی، ناامنی، از دست دادن مال و جان و مانند این امور قرار گیرند تا مشخص شود چه کسانی همچنان راست قامت و ثابت قدم برحق باقی خواهند ماند و راضی به رضای خدای حکیم، راه مستقیم عبودیت و بندگی او را ادامه خواهند داد و چه کسانی از غربالِ آزمون غیبت خارج خواهند شد.

از سوی خداوند به کسانی که بر سختی‌های دورانِ غیبت صبر می‌کنند، مرده داده شده که «عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ»^۲ و اینان کسانی هستند که شایستگی یاری امام را خواهند داشت».

۱. بقره، ۱۵۵ تا ۱۵۷.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۴۹، باب ۵۷، ح ۳. ن. ک: آل عمران، ۷.

۳. بقره، ۱۵۷.

۶۶. محکم تراز کوه!

چه مقدمه وزین، زیبا و ارزشمندی! در ۲۶ باب تنظیم شده و در حدود سال ۳۴۰ هجری قمری کار تألیفش به پایان رسیده؛ مؤلفش، شاگرد عالم جلیل القدر مرحوم کلینی و محدثی زبردست بود و اولین کتابی که در خصوص مهدویت نوشته شده و اکنون در دست ماست به نام این عالم ربانی ثبت شده است.

مرحوم نعمانی در بخشی از مقدمه کتاب «الغیبه»، به روایت نورانی امام صادق اشاره می‌کند که فرمودند: «مَنْ دَخَلَ فِي هَذَا الدِّينِ بِالرِّجَالِ أَخْرَجَهُ مِنْهُ الرِّجَالُ...؛ کسی که با حرف مردم (با حرف این و آن و شنیده‌های کوچه و بازار و بدون تحقیق) وارد دین شود با حرف مردم از دین خارج می‌شود و کسی که با قرآن و سنت، وارد دین شود کوهها (ممکن است) از جا کنده شود، ولی او (از دین) کنده نمی‌شود (ثابت قدم خواهد ماند)».

در ادامه به بیان دیگری از امام صادق علیه السلام اشاره می‌کند که فرمودند:

مقام و منزلت شیعیان ما را به میزان روایتشان از ما (چه مقدار روایت از ما بلدند؟) و فهمشان از (روایات) ما بشناسید. و سپس می‌گوید: یک روایت را بفهمی بهتر است از این که هزار روایت را نقل کنی و نفهمی.^۱

توصیه این عالم فرزانه به ما این است که تنها راه نجات از ضلالت و گمراهی و رهایی از فرقه‌های انحرافی و فتنه‌های آخرالزمان، این است که:

انس خودمان را با تفسیر قرآن و فهم روایات اهل بیت بیشتر و ارتباط و پیوند خودمان را با عالمان دینی واجد شرایط، قویتر کنیم.

«اعْرِفُوا مَنَازِلَ شِيعَتِنَا عِنْدَنَا عَلَى قَدْرِ رِوَايَتِهِمْ عَنَّا وَفَهْمِهِمْ مِنَّا».^۲

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۲۲، مقدمه مؤلف.

۲. همان.

۶۷. فقط به اهلش بگویید.

«آمد ابرویش را درست کند، چشمش را کور کرد!» این حکایت برخی از ما دریاری حق است؛ گاهی به عنوان یاری دین، حرفی می‌زنیم یا کاری می‌کنیم که به ضرر حق و به نفع باطل تمام می‌شود.

امام صادق علیه السلام به عبد الاعلی فرمودند: بردوش گرفتن و گردن نهادن امر ما (فقط) شناخت و قبول آن نیست؛ بلکه حفظ و نگهداری و پوشاندن آن، از غیر اهلش است؛ سلام و رحمت الهی را از طرف من به شیعیان برسان و به آنان بگو: رحمت خداوند شامل حال کسی باشد که محبت دیگران را به سوی خودش و به سوی ما جلب کند، به این گونه که آن چه را که می‌فهمند برایشان آشکار کند و بگوید و از بیان آن چه که نمی‌شناسند (نمی‌فهمند) خودداری کند.

سپس چنین ادامه دادند که «مَا النَّاصِبُ لَنَا حَرْبًا بِأَشَدَّ مَثُونَةً مِنَ النَّاطِقِ عَلَيْنَا بِمَا نَكْرَهُهُ؛ آن کس که با ما به جنگ برخاسته زحمتش برای ما از گوینده سخنی که ما خوش نمی‌داریم بیشتر نیست»^۱.

تا رسیدن رویارویی نهایی حق و باطل با قیام حضرت مهدی هر قدمی که خواستیم برداریم و هر سخن و اقدامی که می‌خواهیم انجام دهیم اول فکر کنیم آیا کارمان به نفع جریان حق و ضرر باطل تمام می‌شود یا خدای ناکرده...

گاهی بیان فضایل اهل بیت برای کسی که ظرفیتش را ندارد یا علنی کردن براءت، نتیجه‌اش عکس آن چیزی است که ما می‌خواهیم!
اولین باب کتاب الغیبة نعمانی در همین رابطه است.

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۳۴، باب ۱، ح ۳.

۶۸. هرگز از هم جدا نمی‌شوند

نزدیک است که از میان شما بروم، اما دو چیز گرانبهارا در میان شما می‌گذارم؛ تا زمانی که به این دو چنگ بزنید، هرگز گمراه نمی‌شوید؛ یکی «کتاب الله» و دیگری «عترتی اهل بیتی». این تعبیری است که در مهم‌ترین کتاب‌های شیعه و اهل تسنن دیده می‌شود، مثل: صحیح مسلم، سنن ترمذی، سنن نسایی، مسند احمد بن حنبل و... جمله بسیار مهمی که در ادامه حدیث به چشم می‌خورد این تعبیر است:

«وَإِنَّهُمَا لَنْ يَتَفَرَّقَا (يَفْتَرِقَا) حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ؛ این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا بر سر حوض کوثر بر من وارد شوند»^۱.

اما جمله پایانی «حدیث ثقلین» ما را متوجه چه مطلبی می‌کند؟

«فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونِي فِيهِمَا؛ پس بنگرید پس از من چگونه با این دو، عمل خواهید کرد؟». و چه زیبا با توجه به آیه ۱۵۰ سوره اعراف، این فراز از حدیث معنی می‌شود؛ وقتی حضرت موسی از کوه طور برگشت و دید مردم به جای اطاعت از حضرت هارون به گوساله پرستی روی آورده‌اند، فرمود: «بِسُّمَا خَلَقْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي؛ مردم! پس از من، چه بد عمل کردید؟!»؛ یعنی به جای اطاعت از برادرم هارون (که من گفته بودم) از سامری اطاعت کردید!

معنای کلام رسول خدا این است که ای امت اسلام! شما با این دو امانت، به گونه‌ای رفتار نکنید که روزی من هم همانند موسی مجبور شوم بگویم:

پس از من چه بد عمل کردید!

هر کدام از ما پیوسته به این بیندیشم که هنگام سؤال رسول خدا از ما از نحوه عملکردمان درباره این دو امانت، پاسخ قابل قبولی داریم؟ آیا امروز در دوران امامت حضرت مهدی به گونه‌ای هستیم که رفتارمان مورد قبول رسول خدا باشد؟

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۳۴ به بعد، باب ۲۲، احادیث ۴۴ به بعد.

۶۹. دوست دارید جزء یارانش باشید؟!

گاهی می‌گوییم کاش مدینه بودیم و امامان را یاری می‌کردیم؛ چه می‌شد در کربلا می‌بودیم و امامان را تنها نمی‌گذاشتیم و...

ولی امروز امام زمان نداریم؟ و صدای «هل من ناصر» او بلند نیست؟!

امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که بودن از اصحاب حضرت «قائم» او را شاد می‌کند (کسی که دوست دارد جزء یارانش باشد)؛ «فَلْيَنْتَظِرْ؛ پس باید منتظر باشد»؛ (یعنی از نظر اعتقاد و باور، بار خود را ببندد)؛

«وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ؛ باید اهل ورع و دوری از گناه باشد»، (زیرا گناه، بین و ما و امام زمانمان فاصله می‌اندازد)؛

«وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ؛ اهل اخلاق پسندیده باشد»، (با اخلاق نیکوی خود دیگران را به امام زمانش توجه بدهد)؛

«وَهُوَ مُنْتَظَرٌ»؛ همه این کارها را با یاد امام زمانش انجام دهد؛ یعنی دوری از گناه و انجام واجبات و اخلاق و آداب دینی را هم با یاد و توجه به امام زمانمان انجام دهیم.

اگر همه این کارها را انجام دادیم و مردیم چه خواهد شد؟

«فَإِنْ مَاتَ وَقَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أُجْرِمَنْ أَدْرَكَهُ؛ پس اگر بمیرد و حضرت قائم بعد از او قیام کند، اجر و پاداش کسی که در رکابش باشد را خواهد داشت». (پس لحظه‌ای ضرر نکرده است).

اکنون که قضیه این چنین است، پس ای منتظران! «فَجِدُوا وَانْتَظِرُوا هَنِيئًا لَكُمْ أَيُّهَا الْعِصَابَةُ الْمُرْحُومَةُ؛ پس جدیت داشته باشید و منتظر باشید ای گروهی که مورد لطف و عنایت و رحمت قرار گرفته‌اید».

۷۰. نشانه‌های یار

سال‌هاست از غیبتش می‌گذرد؛ در این مدت، افراد زیادی ادعای مهدویت کرده‌اند و با شیطنت و استفاده از علوم غریبه و نیرنگ، توانسته‌اند برخی از منتظران حضرت را به خود جلب کرده و سکه تقلبی را به جای سکه اصل ارائه دهند. یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های منتظران، این است که چگونه امامشان را بشناسند؟

در روایات، برای شناخت امام مهدی نشانه‌هایی بیان شده است که به اختصار تقدیم می‌گردد:

۱. تسلط به زبان تمام انسان‌ها: «الامام الكاظم علیه السلام: إِنَّ الْإِمَامَ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ كَلَامُ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ»^۱

۲. از پاسخ به هیچ سوالی عاجز نیست: «الامام الباقر علیه السلام: وَلَا يُسْأَلُ عَنْ شَيْءٍ بَيْنَ صَدْفَيْهَا إِلَّا أَجَابَ»^۲

۳. همه به او نیاز دارند و او به احدی نیاز ندارد: «الامام الصادق علیه السلام: وَبِحَاجَةِ النَّاسِ إِلَيْهِ وَلَا يَحْتَاجُ إِلَى أَحَدٍ»^۳

اگر از ما خواسته شده است امام را یاری کنیم این به معنای نیاز امام نیست؛ همان گونه که در قرآن فرموده است: «اگر خدا را یاری کنید او شما را یاری خواهد کرد»^۴ پس یاری خداوند و یاری امام در واقع راهی است برای سعادت و رستگاری خود انسان.

۴. عمر طولانی دارد، اما سیمایش همانند جوانی چهل ساله است.

۵. میراث و معجزات تمام انبیاء عظیم الشان الهی را داراست؛ عصای حضرت موسی، انگشتر حضرت سلیمان، پیراهن حضرت یوسف، صندوقچه سکینه و آرامش، (بقره: ۲۴۸) سلاح و پرچم خاص رسول با همان ویژگی و کارکرد. به عبارت

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۸۵، کتاب الحجج، باب الامور التي توجب حجة الامام، ح ۷.

۲. نعمانی، الغیبة، ص ۲۴۲، باب ۱۳، ما يعرف به.

۳. همان.

۴. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» (محمد، ۷).

دیگر تمام معجزات انبیاء را دارد؛ اعجاز انبیاء، نبوتشان را ثابت می‌کرد و معجزات حضرت مهدی، وصایت و مهدی بودنش را ثابت می‌کند.

۶. بعد از قیام سفیانی و نابود شدن سپاهش در منطقه «بیداء» و بعد از ندای آسمانی، قیام خواهد کرد.^۱

نکته: این وعده قرآن است که اگر کسی خالصانه و مجاهدانه، به دنبال شناخت باشد راه را به او نشان خواهند داد: «و کسانی که در (راه) ما تلاش کنند، قطعاً به راه‌های خود، رهنمونشان خواهیم کرد و مسلماً خدا با نیکوکاران است».^۲

۱. نک: کافی، ج ۱، ص ۲۸۵، باب الامور التي توجب حجة الامام؛ الغيبة نعمانی، ص ۲۴۲، ما يعرف

به؛ کمال الدین، ج ۲، باب ۵۷ و ۵۸.

۲. عنکبوت، ۶۹.

۷۱. شما سعی کنید این گونه نباشید!

برای ظهور حضرت مهدی نشانه‌هایی ذکر شده است که دقت و تأمل در این دسته از روایات، منتظران را در طی مسیر بندگی خداوند و ولایت‌مداری و نجات از فتنه‌های آخرالزمان کمک می‌کند.

در بیان نورانی امام صادق علیه السلام موارد متعددی ذکر شده است؛ سپس حضرت هشدار می‌دهند که «واجتهد لیراک الله عزو جلّ فی خلاف ما هم علیه؛ تلاش کن تا خداوند تو را بر خلاف آن چه که دیگران بر آن (منکرات) هستند ببیند».

... دل‌ها دچار قساوت شده و (اشک) چشم‌ها خشکیده، ذکر (قرآن و موعظه‌ها) برایشان سنگین است (به آن رغبتی نشان نمی‌دهند)، بر سر مال حرام با هم رقابت می‌کنند، کسی که دنبال حلال باشد ملامت و آن که دنبال حرام باشد تعظیم می‌شود، به کسی که می‌خواهد امر به معروف و نهی از منکر کند، می‌گویند به توربیطی ندارد، برای غیر طاعت خداوند، مال زیادی هزینه می‌کنند، اما برای راه خداوند، از مقدار کم هم دریغ می‌کنند، (حق) پدر و مادر سبک شمرده می‌شود، روی منبرها توصیه به تقوا می‌شود، ولی خود، عمل به آن نمی‌کنند، وقت نماز را سبک می‌شمارند، هم‌و غم مردم، شکم و مسائل شهوی است و دقت لازم را (در حلال و حرام) ندارند، در چنین شرایطی، نجات را از خداوند طلب کن و بدان مردم، مورد خشم او قرار گرفته‌اند، ولی به خاطر آن چه که خداوند در نظر دارد به آنان مهلت داده شده است؛ و تلاش کن تو آن گونه که دیگران هستند نباشی.^۱

۱. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۸، ص ۳۶.

۷۲. آیا عالم با معجزه اصلاح می شود؟!

آمده بود مدینه تا موضوعی را که از این و آن شنیده بود صحت و سقمش را از امامش بپرسد؛ به امام محمد باقر علیه السلام عرض کرد: مردم می گویند:

وقتی حضرت مهدی قیام کند همه امور خود به خود (معجزه آسا) درست می شود (مشکلات حل می شود) و به اندازه خون حجامت، خونی ریخته نمی شود. حضرت به بشیر نبال فرمودند: هرگز! (چنین نیست) قسم به خدایی که جانم در دست اوست اگر بنا بود کارها با معجزه (و بدون زحمت) درست شود برای رسول خدا این چنین می شد در حالی که (در راه تحقق عدالت) دندان‌شان شکست و صورتشان جراحت دید. هرگز (امور اصلاح نمی شود) «حَتَّى تَمْسَحَ نَحْنُ وَ أَنْتُمْ الْعَرَقَ وَ الْعَلَقَ؛ تا این که ما و شما عرق بریزیم (زحمت بکشیم) و جان خود را تقدیم کنیم، سپس عرق پیشانی خود را پاک کردند»^۱.

با توجه به هدف خلقت انسان و فراهم شدن زمینه‌های رشدش، اصل اولی این است که امور طبق روال عادی صورت گیرد و مردم باید مسئولیت خود را در رابطه با تحقق عدالت و مبارزه با ظلم بشناسند و امداد و نصرت الهی به دنبال این اقدام و عمل مردم خواهد بود، لذا یکی از ضروری‌ترین امور هنگام ظهور امام زمان، روحیه بسیجی و فرهنگ شهادت است.

و این دوران، دوران تمرین صبر و استقامت و اثبات لیاقت و شایستگی خود برای قدرشناسی از امام زمان است.

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۲۸۴، باب ۱۵، ح ۳.

۷۳. پیامی برای مسئولین

همراه امام صادق علیه السلام مشغول طواف خانه خدا بودیم؛ حضرت، نگاهی به من انداختند و فرمودند: ای مفضل! چرا تورا اندوهگین و رنگ برگشته می بینم؟ عرض کردم فدایتان شوم (علت ناراحتیم این است که) بنی عباس رامی بینم قدرت و ثروت در دست آنان است، ولی اگر این ها در دست شما بود ما هم با شما بودیم (در رفاه و آسایش بودیم). حضرت فرمودند:

«يَا مُفَضَّلُ! أَمَا لَوْ كَانَ ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ إِلَّا سِيَّاسَةُ اللَّيْلِ وَ سَبَاحَةُ النَّهَارِ وَ أَكْلُ الْجُشْبِ وَ لُبْسُ الْحُشْنِ شِبْهَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَّا فَالْتَأَرْ؛ ای مفضل! اگر این چنین بود (قدرت دست ما بود) چیزی نبود جز تدبیر شبانه و تلاش روزانه و خوردن خوراک ناگوار (خشک) و لباس زبر و خشن، همانند (سیره) امیرالمؤمنین، امام علی علیه السلام. در غیر این صورت (جایگاهمان) آتش است»^۱.

کسانی که میز مسئولیت را با ریاست اشتباه گرفته اند باید به خود بیایند و شب و روز با تلاش جهادی در پی حل مشکلات مردم باشند؛ در غیر این صورت جایگاهشان آتش است و آتش.

کسانی هم که منتظر «ظهور» هستند باید به گونه ای زندگی کنند که این آمادگی را داشته باشند با قیام امام زمان، با به زحمت انداختن خود و با استفاده از تمام امکانات، برای رسیدگی به مشکلات مردم و پیشرفتشان، قیام کنند و اکنون زمان تمرین دست یافتن به این ویژگی است؛ شب فکر کنند و روز اقدام، و کم خرج و پرفایده باشند.

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۲۸۷، باب ۱۵، ح ۷.

۷۴. امان از جهالت دوم!

کار «خاتم اوصیاء» به مراتب سخت تر از کار «خاتم انبیاء» است؛ این عصاره باب ۱۷ کتاب «الغیبه» نعمانی است با ۶ روایت.

فضیل بن یسار می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند: «قائم» ما وقتی قیام کند با جهالتی از ناحیه مردم روبرو می شود به مراتب سخت تر از آن چه که رسول خدا با آن روبرو شد. عرض کردم: چطور؟ فرمودند: رسول خدا به سوی مردمی مبعوث شد که با دست خود سنگ و چوب را می تراشیدند و آن را می پرستیدند (باید به آنان می فهماند که آن چه را که با دست خود ساخته اید ارزش پرستش ندارد). «وَإِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَتَى النَّاسَ وَكُلُّهُمْ يَتَأَوَّلُ عَلَيْهِ كِتَابَ اللَّهِ يَحْتَجُّ عَلَيْهِ بِهِ؛ اما «قائم» ما وقتی قیام کند با مردمی روبرو می شود که با قرآن به مقابله او برمی خیزند و با قرآن علیه او احتجاج می کنند». سپس فرمودند: به خدا قسم عدالتش همانند سرما و گرما وارد خانه ها می شوند.^۱

علت این امر، گاهی نیرنگ و فریب است، مثل جریان معاویه و عمروعاص و گاهی جهل و نادانی است. راه نجات از این فتنه این است وقتی با معیارهای شناخت امام زمان به یقین رسیدیم که او حضرت مهدی است در صفحه ذهنمان این جمله را حک کنیم:

«فَالْحَقُّ مَا رَضِيتُمُوهُ وَالْبَاطِلُ مَا سَخِطْتُمُوهُ».

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۲۹۶، باب ۱۷.

۷۵. تا کنون دو بار برافراشته شده است.

دو سپاه قابل مقایسه نبود؛ سپاه دشمن از نظر تعداد نفرات سه برابر سپاه اسلام، از نظر امکانات نظامی نیز سرتا پا مسلح بودند؛ این در حالی بود که یاران رسول خدا غذای کافی و سلاح و اسب لازم را نداشتند. جبرئیل نازل شد و پرچمی را برای حضرت آورد که به بیان امام صادق علیه السلام جنس این پرچم نه از پنبه و کتان و ابریشم و حریر، بلکه از برگ های بهشت بود؛ خاصیتش این بود که وقتی برافراشته می شد در دل دشمن، رعب و وحشت و در دل سپاه اسلام، آرامش و قوت قلب ایجاد می کرد؛ نتیجه جنگ بدر، شکست ناباورانه سپاه دشمن و پیروزی معجزه آسای اصحاب بدر شد. در فتنه بزرگ جمل، آقا امیرالمؤمنین علیه السلام این پرچم را برافراشت و همان نتیجه عائدشان شد.

در جنگ صفین وقتی کار مشکل شد، گفتند: یا امیرالمؤمنین! آن پرچم را بیاورید. حضرت امتناع کردند و فرمودند: «إِنَّ هَذِهِ رَايَةٌ لَا يَنْشُرُهَا بَعْدِي إِلَّا الْقَائِمُ؛ بعد از من کسی جز حضرت «قائم» این پرچم را به اهتزاز در نخواهد آورد».^۲ در نتیجه رعب و وحشت وصف ناپذیری همه ظالمان را در بر می گیرد.

به همین جهت در روایات آمده است که حضرت مهدی سه سپاه دارد: سپاهی از فرشتگان، سپاهی از مؤمنین و سپاهی از «رعب».^۳ یکی از نشانه های موعود راستین، داشتن همین پرچم و به تعبیر دیگر «رایة رسول الله» است.

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۷، باب ۱۹، ح ۲.

۲. همان، ح ۱.

۳. همان، ص ۱۹۸، باب ۱۱، ح ۹.

۷۶. آخرین نامه

سال ۳۲۹ بود که نامه‌ای از امام زمان به دست چهارمین نائب خاصش رسید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. ای علی بن محمد سمی!... تو، تا شش روز دیگر از دنیا خواهی رفت. کارهایت را جمع کن و به کسی برای جانشینی خودت وصیت نکن، زیرا دوران غیبت کامل فرا رسیده است و دیگر ظهوری نخواهد بود مگر به اذن خداوند که پس از زمانی طولانی و قساوت دل‌ها و پرشدن زمین از ظلم و جور خواهد بود. و در بین شیعیانم کسانی خواهند آمد که ادعای مشاهده (نیابت خاص) خواهند کرد «أَلَا فَمَنْ ادَّعَى الشَّاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَالصَّيْحَةِ فَهُوَ كَذَّابٌ مُفْتَرٍ؛ بدانید کسی که قبل از خروج سفیانی و ندای آسمانی ادعای مشاهده کند او کذاب و افترازننده است»^۱.

تعبیر «مُفْتَرٍ» معنای «مشاهده» را روشن می‌کند، زیرا بر مدعی دیدار، وصف دروغگو صادق است نه «مفتری»، زیرا مفتری؛ یعنی کسی که نسبت نادرست به کسی بدهد و این با ادعای نیابت خاص سازگاری دارد و ادعای نیابت در دوران غیبت کبرا به این معناست که امام زمان مرانائب خود قرار داده است و چنین چیزی خلاف واقعیت و نسبت نادرست به امام زمان است.

نتیجه این که هر کسی در دوران غیبت کبرا قبل از خروج سفیانی و ندای آسمانی ادعای نیابت خاص کرد را باید تکذیب کرد و رسوا ساخت و آن چه که در این دوران مطرح است «نیابت عام» است.

یعنی شرایط و ویژگی‌هایی توسط اهل بیت بیان شده که اگر کسی آن‌ها را دارا باشد «نایب عام» امام زمان خواهد بود و بر مردم لازم است از او اطاعت کنند و امروزه از این مسئولیت با عنوان «ولی فقیه» یاد می‌شود.

۷۷. علت اصلی غیبت

با تَوَرُّق «کتاب الغیبة» شیخ طوسی عنوان فصل ۵ جلب توجه می‌کند: «فصل فی ذکر العلة المانعة من ظهور الحجة». ایشان بر اساس روایات متعددی که در همین فصل آورده است، می‌فرماید:

لا علة تمنع من ظهوره إلا خوفه على نفسه من القتل؛ هیچ مانعی برای ظهور امام مهدی نیست جز این که جان ایشان در خطر است.

سپس به تحلیل این مطلب می‌پردازد که حضرت مهدی دو تفاوت اساسی با سایر اهل بیت دارد:

اول. این که قیام مسلحانه خواهد داشت و تمام ظالمان و سلاطین جور را نابود و عدالت را در گستره جهانی حاکم خواهد کرد.

دوم. این که او خاتم اوصیاء است و دیگر پس از او امامی وجود ندارد که حجت خدا پس از ایشان باشد؛ به همین جهت چاره‌ای جز غیبت ایشان نبود.^۱

اما نکته‌ای که کمتر به آن توجه می‌شود این است که مسئله «حفظ جان» یا «رهایی از بیعت با طاغوت» که به عنوان علت غیبت مطرح است خود معلول چیز دیگری است و آن، غفلت و کوتاهی مردم در یاری اهل بیت است که سبب شد مستکبران قدرت بگیرند و کار به جایی برسد که «ولیی خدا» امنیت نداشته باشد. اگر مردم راه غدیر را طی می‌کردند قدرت در دست ظالمان نبود تا برای حفظ جان امام، راهی جز غیبت نباشد.

به همین جهت است که قرآن همان‌گونه که فرعون را تخطئه می‌کند، قوم فرعون را نیز مذمت می‌کند؛^۲ و این موضوعی است که همه منتظران باید در مورد آن به خوبی بیندیشند: «نقش مردم در عزت و سعادت یا ذلت و شقاوت خود».

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۳۲۹ به بعد.

۲. «فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ»؛ (زخرف، ۵۴).

۷۸. ما هم مثل شما متأثر شدیم

از زمان نوجوانی در محضر جواد الائمه بود؛ سپس در خدمت به امام هادی و امام حسن عسکری علیه السلام سنگ تمام گذاشت. با شهادت امام حسن عسکری علیه السلام به عنوان اولین نایب امام زمان منصوب شد. پنج - شش سال بیشتر نگذشته بود که عثمان بن سعید عمری از دنیا رفت.

توقیعی از ناحیه امام زمان برای فرزندش محمد که اکنون جانشین پدر گشته و دومین نایب امام زمان محسوب می شود صادر شد؛ در بخشی از آن، چنین آمده است:

... پدر تو با سعادت و نیک بختی زندگی کرد و در حالی که پسندیده و مورد ستایش بود از دنیا رفت، پس خداوند او را رحمت کند و به اولیا و دوستان خودش (یعنی اهل بیت) ملحق بفرماید. او همیشه در امر ولایت اولیاء الله تلاش می کرد و در آنچه که او را به خدا و اهل بیت نزدیک می کرد می کوشید... هم تو و هم ما مصیبت دیده ایم، مصیبت پدرت موجب تنهایی و نگرانی تو و ما شده است، پس خداوند او را در مکانی که رفته است شاد گرداند. کمال سعادت او این بود که خداوند فرزندش همچون توبه او عنایت و روزی فرموده که پس از او جانشین و قائم مقام او در امرش (سفارت از امامش) باشد، و برای او رحمت الهی را طلب کند. من می گویم: الحمد لله، چرا که دل ها به وسیله مکان و منزلت تو و آنچه که خداوند در وجود تو قرار داده و نزد توست پاک و شادند.

«أَعَانَكَ اللَّهُ وَ قَوَّكَ وَ عَضَدَكَ وَ وَفَّقَكَ وَ كَانَ لَكَ وَ لِيَاءً وَ حَافِظاً وَ رَاعِيّاً وَ كَافِيّاً؛ خداوند متعال تو را یاری کند و به توقوت و توفیق کرامت فرماید و صاحب و حافظ و نگهبان و کفایت کننده تو باشد»^۱.

هر کسی که در مسیریاری دین خدا و ولایت اهل بیت خالصانه قدم بردارد این چنین مورد تفقد و دعای امام زمانش قرار می گیرد.

۱. طوسی، الغیبة للحجة، ص ۳۶۱.

۷۹. گیر از خودمان است.

قرآن؛ کتاب زندگی، نقشه راه و نسخه شفای دردهای بی درمان ماست. یکی از مسائلی که همه ما از آن رنج می‌بریم و به دنبال راه چاره هستیم، مشکلات و گرفتاری‌های مادی و گرانی است و چقدر زیبا قرآن راه چاره را پیش روی ما گذاشته است: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ؛ و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم».

از آنجا که همه کائنات درباره‌ی آفریدگار خود شعور دارند، معصیت او را بر نمی‌تابد؛ به همین دلیل است که می‌فرماید: «و فساد، در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند، آشکار شده است».^۱

نکته بسیار مهمی که نباید از آن غافل شد این است که سنت و قانون الهی در این عالم، برای مؤمنان و کافران متفاوت است؛ گاهی مؤمنان را در همین دنیا به دلیل غفلت و معصیتشان گرفتار می‌سازد تا فریفته دنیا نشوند و «لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»؛ بنابراین گناهان، گاهی سبب محرومیت از روزی و مشکلات مالی می‌شود و گاهی شایستگی انجام کار خیر از جمله نماز شب را سلب می‌نماید.^۲

هرگاه آسمان از بارش و زمین از رویش دریغ کرد و هرگاه دیدیم خیر و برکت و آرامش رو به کاستی گرفته، بدانیم در پیوندمان با خالق آسمان و زمین خللی ایجاد شده است، مشکل را در جای دیگری جستجو نکنیم که بر شدت آن خواهیم افزود، بلکه با توبه و بازگشت و اصلاح گذشته خود و تقویت عبودیت و بندگی و ترحم به ایتام و درماندگان، درهای رحمت الهی را به روی خود بگشاییم.

بر اساس روایات، مشکلی که در دوران حکومت جهانی امام مهدی وجود دارد این

۱. اعراف، ۹۶.

۲. روم، ۴۱.

۳. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۷۱، باب الذنوب، ح ۱۱، ۲۳، ۲۴ و ۱۶.

است که شخص، دنبال فقیر می‌گردد تا به او کمک کند، ولی فقیر و نیازمندی پیدا نمی‌کند؛ زیرا این آیه شریفه محور زندگیشان قرار می‌گیرد: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ». امروز هم می‌توانیم.



«مدین» شهری تجاری در منطقه سوریه کنونی بود؛ رقابت بر سر جمع مال دنیا این جامعه را در بر گرفت؛ گران فروشی، غش در معامله و...؛ مال حرام وارد زندگیشان شد. خداوند حضرت شعیب را برای هدایتشان فرستاد و او آنان را از عواقب خطرناک مال حرام بر حذر داشت و سپس فرمود: «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ آنچه خداوند برای شما باقی گذارده (از سرمایه‌های حلال)، برایتان بهتر است اگر ایمان داشته باشید!».

در حدیث قدسی نیز آمده است:

يَا أَحْمَدُ إِنَّ الْعِبَادَةَ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٌ تَشَعُّعٌ مِنْهَا طَلَبُ الْحَلَالِ...؛ ای احمد! عبادت ده جزء است، نه جزء آن در طلب حلال است؛ پس آنگاه که غذا و نوشیدنی را پاک و حلال نمودی، در حفظ و حمایت من هستی.^۲

امامان معصوم که مبین الهی قرآن کریم‌اند، از اسرار آیه و لایه‌های درونی آن پرده برداشته و فرموده‌اند: مراد از «بَقِيَّتُ اللَّهِ» به طور عام، همه اهل بیت و به طور خاص، آخرین ذخیره و حجت الهی، حضرت مهدی است.

نفهمیدن این حقیقت که «امام» خیر مطلق است و قدر ناشناسی مردم درباره اهل بیت سبب شد تا وقتی نوبت به آخرین ذخیره الهی، حضرت مهدی رسید؛ برای اینکه زمین از حجت خالی نماند، چاره‌ای جز غیبت ایشان باقی نماند و جهان به بلای غیبت گرفتار شود.

نکته‌ای که لازم است همه ما مراقب باشیم این است که مال حرام سبب جدایی از «امام» می‌شود. امام حسین در روز عاشورا خطاب به کوفیان فرمود: «شما گوش به

۱. هود، ۸۶.

۲. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۷.

سخن من نمی دهید، زیرا شکم های شما از حرام پر شده است»^۱.
 با عبرت گرفتن از کوفیان، سعی کنیم یاوری چون حبیب و زهیرو بریر برای امامان
 باشیم نه عمر سعد و شمر و سنان که محبت دنیا آنان را در روی امامشان قرار داد و
 با جان و دل بشنویم که: «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ».

۸۱. کدامیک شایسته ترند؟!

به امام صادق عرض کردم: وقتی می‌گوییم (پیش از ظهور) دو ندا (الهی و شیطانی) خواهد بود، (اهل سنت) ما را سرزنش و تکذیب می‌نمایند و می‌گویند از کجا ندای حق از ندای باطل تشخیص داده می‌شود؟ حضرت فرمود: ای عبد الرحمن! کسی که پیش از ندای حق، به آن ایمان داشته است، آن زمان نیز همان را تصدیق خواهد کرد؛ خداوند می‌فرماید:

﴿أَفَنُيْهَىٰ إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدَىٰ إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ؛ آیا کسی

که به سوی حق هدایت می‌کند، برای پیروی شایسته‌تر است یا آن کس

که خود هدایت نمی‌شود، مگر هدایتش کنند؟!﴾^۱.

خداوند متعال در این آیه، بین دو نفر تقابل ایجاد نموده، سپس عقل را به داوری فراخوانده که کدام یک از این دو نفر شایستگی امامت را دارند:

۱. کسی که به سوی حق هدایت می‌کند؛

۲. کسی که برای هدایت شدنش، هدایت یک کننده‌ای نیاز است.

طبیعی است که همه انسان‌ها وقتی به دنیا می‌آیند چیزی نمی‌فهمند و با هدایت هدایتگران الهی زمینه هدایت آنها فراهم می‌شود؛ در نتیجه، دسته اول باید کسانی باشند که هرگز (حتی برای یک لحظه) گمراه نبوده باشند تا نیاز به هدایت داشته باشند؛ وگرنه در گروه دوم قرار خواهند گرفت؛ بنابراین، با استفاده از این تقابل، نتیجه می‌گیریم که دسته اول کسانی هستند که پیوسته در هدایت بوده‌اند؛ عقل آدمی، کسانی که پیوسته تحت هدایت الهی بوده‌اند را لایق می‌داند که سکان دار امر هدایت بشر باشند. براساس روایتی که ذیل آیه گذشت کسی که در این مرحله به ندای عقل لبیک بگوید و «هادیان الهی» را بپذیرد به فضل خداوند، هنگام ندای آسمانی جبرئیل نیز مشکلی در ایمان به موعود راستین نخواهد داشت.

۱. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۲۰۸، ح ۲۵۲. (آیه ۳۵ سوره یونس). نک: تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۲۷۴.

۸۲. یوسف زهرا

یکی از شیوه‌های بیان در قرآن، بیان غیر مستقیم است که با بیان سرگذشت پیشینیان، زمینه برای دریافت درس‌ها و عبرت‌ها، فراهم می‌شود. تاریخی که قرآن بیان می‌کند عین حقیقت و واقعیت است و فقط به آنچه که در راه رستگاری و سعادت‌مان مفید و مؤثر است می‌پردازد.

یکی از زیباترین ماجراها، سرگذشت حضرت یوسف و برادران اوست که نکات بسیار ارزشمندی از جمله در عرصه مهدویت دارد.

قدرناشناسی درباره حجت خدا نتیجه چیزی جز جهل نیست: «قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَ أَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ». و این قدرناشناسی سبب غیبت شد. امام مانند خورشید است که ما به او نیاز داریم. امام زمان در توقیعی فرموده‌اند: «خدا با ماست و هیچ نیازی به غیر او نداریم و حق با ماست؛ پس هرگز جدا شدن دیگران از ما موجب وحشت‌مان نمی‌شود».^۱

غیبت امام، به معنای ناشناس بودن ایشان است، همانند حضرت یوسف که «برادران یوسف آمدند و بر او وارد شدند. او آنان را شناخت، ولی آن‌ها او را نشناختند». تا آنکه به اذن الهی گفت: «(آری،) من یوسفم». طوری عمل نکنیم که با دیدن حضرت، شرمنده‌اش شویم: «قَالُوا أَإِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ». برادران یوسف گفتند: آیا تو یوسفی؟!.

فرج، در پی صبر همراه با تقواست:

«إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ؛ هر کس تقوا پیشه کند، و شکیبایی و استقامت نماید، (سرانجام پیروز می‌شود) چرا که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند!».^۲

حجت‌های الهی مظهر اسماء حسنیای خدا و در پی سعادت و نجات ما هستند:

۱. طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۸۵.

۲. یوسف، ۹۰.

(یوسف) گفت: «امروز ملامت و توبیخ بر شما نیست! خداوند شما را می بخشد و او مهربان‌ترین مهربانان است!» امام مهدی نیز برای سعادت و نجات می آید نه برای کشتن! قهر او علیه ظالمان و مستکبران است.

رسول خدا ﷺ فرمود: «يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ فِي أُمَّتِي يَبْعَثُهُ اللَّهُ غِيَاثًا لِلنَّاسِ؛ حضرت مهدی در اتم قیام می کند، خداوند او را برای فریادرسی مردم می فرستد.»^۱

۱. علی اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۰.

۸۳. خورشید همیشه پشت ابر نمی ماند!

انتظار، ویژگی بشر است؛ همه چشم به راه رسیدن به مقصود خود هستند؛ دشمنان نیز با تلاش خود منتظر دست یافتن به هدف های خود می باشند.

اما بندگان صالح خدا و منتظران راستین بقیه الله الاعظم با توجه به وعده قطعی الهی بر نابودی ظالمان و نجات مظلومان، با همه وجود تحقق این وعده را باور دارند و سرانجام مشخص می شود چه کسی بر حق است و چه کسی باطل و این همان کلام حق تعالی است که فرمود:

﴿قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى﴾^۱ بگو: همه (ما و شما) در انتظاریم! (ما در انتظار وعده پیروزی، و شما در انتظار شکست ما!) حال که چنین است، انتظار بکشید! اما به زودی می دانید چه کسی از اصحاب صراط مستقیم و چه کسی هدایت یافته است! ﴿

خداوند، انسان را به این عالم آورده که با اختیار خود حق را بشناسد و آن را دنبال کند؛ مهم این است که مؤمنان نباید درباره نابودی دشمنان حق و نزول عذاب از سوی خداوند شتاب کنند.

ممکن است ظلم ظالمان سال ها طول بکشد تا در پرتو آن؛ میزان تلاشی که مؤمنان برای مبارزه با ظلم می کنند، روشن شود؛ صبر و استقامت آن ها سنجیده شود تا در سایه آن، به درجات والا برسند؛ بر کافران اتمام حجت شود.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«به خدا قسم آنچه که به آن چشم دوخته آید (فرج) نخواهد آمد تا اینکه غربال شوید»^۲.

۱. طه، ۱۳۵.

۲. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۷۰، کتاب الحجة، باب التمهيص، ح ۶.

یکی از اسرار غیبت امام زمان، همین است که با سختی این دوران، منتظران راستین از مدعیان انتظار، شناخته شوند و مشخص شود: «مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى».

امام کاظم علیه السلام فرمود:

«...إِنَّمَا هِيَ مِحْنَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ اُمْتَحَنَ بِهَا خَلْقَهُ؛ هَمَانَا فِي غَيْبَتِ امْتِحَانِي أَسْتَ مِنْ سَوِي خِدَائُونِدْ كَهْ بِنْدِگَانِشْ رَا بَا آنْ آزْمُودَهْ أَسْتُ»^۱.

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۶، کتاب الحجج، باب فی الغیبه، ح ۲.

۸۴. ندای آسمانی

هر حقیقتی، آیه و نشانه‌ای دارد؛ همه موجودات آیت وجود خدایند. معجزه، آیت و نشانه حقانیت صاحب آن و بندگی خدا، نشانه هدایت و گناه، نشانه گمراهی است. ظهور حضرت مهدی نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ آن هم پس از مدتی بسیار طولانی که از غیبت او می‌گذرد و صدها نفر در این زمان ادعای مهدویت داشته‌اند، به طور طبیعی اقتضای حکمت این است که خداوند حکیم برای این امر، نشانه‌هایی روشن قرار دهد. یکی از نشانه‌های حتمی ظهور، ندای آسمانی است که در این آیه شریفه به آن اشاره شده است:

﴿إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ؛ اِگَر مَآ اَرَادَه كُنِیْم، اَز اَسْمَان بَر اَنان اَیَه اِی نازل می‌کنیم که گردنهایشان در برابر آن خاضع گردد!﴾^۱

بر اساس روایات، این ندا در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان در همان سالی که قرار است ظهور محقق شود، به وسیله جبرئیل انجام می‌شود و همه مردم عالم، هر کس به زبان خود آن را می‌شنود.^۲ زرارة بن اعین به امام صادق علیه السلام می‌گوید: من در قضیه حضرت قائم در شگفتم، چگونه ممکن است با آن عجایب (معجزات) که دیده می‌شود، مانند خسف در بیداء و ندای آسمانی، کسی پیدا شود و با ایشان بجنگد؟! حضرت در پاسخ وی فرمود:

﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَدْعُهُمْ حَتَّى يُنَادِيَ؛ شَيْطَان اَنان رارها نمی‌کند تا اینکه ندادهد.﴾^۳

یکی از موضوعات مهم در آخرالزمان، پیچیدگی تقابل حق و باطل در این دوران است؛ چرا که با پیشرفت علم و تکنولوژی و سوء استفاده دشمن از این ابزار، موضوع

۱. شعراء، ۴.

۲. نک: ابراهیم نعمانی، الغیبه، باب ۱۴.

۳. نعمانی، الغیبه، ص ۲۶۵، باب ۱۴، ح ۲۹.

جابه‌جایی حق و باطل و ایجاد شک و تردید در حق، بسیار پیچیده شده است تا جایی که می‌توان گفت دشمن با ابزار فوق‌مدرن ندای آسمانی را شبیه‌سازی می‌کند و عده‌ای را در تشخیص حق به مشکل دچار می‌کند.

وقتی مفضل بن عمر درباره همین موضوع؛ یعنی مشکل تشخیص حق از باطل گریه می‌کند و راه چاره می‌جوید، امام صادق علیه السلام نگاهی به خورشید می‌اندازد و می‌فرماید: «وَاللَّهِ لَأَمْرُنَا أَبَيِّنُ مِنْ هَدْيِ الشَّمْسِ؛ به خدا قسم امر ما از این خورشید واضح‌تر است»^۱.

یعنی اگر مشکلی باشد، از خود ماست. ضعف معرفت، حب دنیا، به ویژه ریاست طلبی، مال حرام و مانند این امور ممکن است ما را از «امام» جدا کند.

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۳۶.

۸۵. امان از غفلت و قدرشناسی؟!

در جنگ احد عمار خود را به حضرت رسول رساند و از مجاهدت های بی مانند امام علی گفت. حضرت فرمود: آری، او از من است و من از اویم، او جانشین من است... و ائمه از نسل اویند و مهدی امت از جمله آنان است. عمار پرسید: مهدی کیست؟ حضرت فرمود: ... او نهمین فرزند حسین است که غایب خواهد شد و این قول خداست که می فرماید:

«قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَنُيَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ! بگو: به من خبر دهید اگر آب های (سرزمین) شما در زمین فرورود، چه کسی می تواند آب جاری و گوارا در دسترس شما قرار دهد؟!».

او غیبتی طولانی خواهد داشت و عده ای از (ولایت) او باز می گردند و عده ای ثابت قدم می مانند... او هم نام و شبیه ترین افراد به من است. تفسیر آیه درباره نعمت بی بدیل آب است. اگر همه چیز داشته باشیم؛ اما خداوند نعمت آب را از ما بگیرد.....

امام محمد باقر علیه السلام در تأویل آیه می فرماید:

معنای آیه این است که بگویند پیشید اگر امامتان غایب شد به گونه ای که ندانید او کجاست، پس چه کسی امامی ظاهری برایتان خواهد آورد که اخبار آسمان ها و زمین و حلال و حرام خداوند را برای شما بیان کند. دلیل غایب شدن امام، خود مردم هستند، زیرا اگر خداوند بدون اینکه مردم نقشی در این باره داشته باشند، حجت خود را غایب کند، این سؤال معنایی ندارد. بنابراین تا حقیقتاً قدرشناس حجت خداوند نشویم، خبری از ظهور نخواهد بود.

معنای این سؤال که «اگر امامتان غایب شد، چه خواهید کرد؟» این است که با غیبت امام، ما دچار خسران و ضرر جبران ناپذیری خواهیم شد، گرچه امام غایب

۱. ملک، ۳۰. سید هاشم بحرانی، البرهان، ج ۵، ۴۴۸.

۲. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۲۶، باب ۳۲، ح ۳.

همانند خورشید پنهان دارای آثار و برکات زیادی برای ما و همه هستی است، اما بخش زیادی از فواید امام به عدم غیبت او وابسته است که با غیبتش از آن محروم خواهیم شد. اگر این خسارت بزرگ را درک می‌کردیم، به اضطرار می‌رسیدیم و با تمام توان در مسیر زمینه سازی ظهور حرکت می‌کردیم و بلا بر طرف می‌شد.

۸۶. برای احیاء می آید

﴿اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾ بدانید خداوند زمین را بعد از مرگ آن زنده می کند.

در این آیه، به بیدار شدن طبیعت و سرسبزی و خرمی آن بعد از زمستان، اشاره شده است. در اثر بارش باران و تابیدن آفتاب بهاری و وزش نسیم ملایم، طبیعت جان تازه ای می گیرد و درختان برگ و شکوفه می گیرند و این ها همه آیه و نشانه قدرت و رحمت الهی است که انسان را به یاد مبدأ و معاد می اندازد.

روایات از حقیقت مهم تری پرده برمی دارند و آن، زنده شدن زمین با نور عدالت فراگیر حضرت مهدی است. زمینی که در اثر کفر، شرك، تبعیض و بی عدالتی مُرده است با حاکمیت توحیدِ خالص و تحقق عدالت، جان تازه ای می گیرد و عالم و آدم همه به وجد می آیند.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

خداوند، زمینِ مرده را به وسیله حضرت قائم زنده می گرداند و منظور از

مردنِ زمین، کفر اهل آن است و در حقیقت، کافر مُرده است.^۱

در واقع می توان گفت، حضرت برای «احیاء» می آید؛ همان گونه که در «دعای عهد» آمده است: «خدایا، به وسیله او شهرهایت را آباد و بندگان را زنده بگردان!» و اگر سخن از شمشیر و قهر و خشم حضرت شده، دقیقاً در همین راستاست؛ یعنی برای برطرف کردن موانع رُشد و برای احیای عالم و نجات مظلومان، از چنگال ظالمان، دست به شمشیر می برند.

امام رضا علیه السلام می فرماید:

امام کسی است که می توان با او مانوس و همراه شد. او پدر دلسوز، برادر

همزاد و (مانند) مادر مهربان برای فرزند خردسال است. او پناه بندگان در

شداید و سختی هاست.^۲

۱. حدید، ۱۷.

۲. عبد علی عروسی حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۴۲.

۳. کافی، ج ۱، ص ۲۰۰.

۸۷. تلاشگر پنهان

وقتی در مسیر شناخت خاتم اوصیاء، بقیة الله الاعظم سری به کتاب شریف نهج البلاغه می‌زنیم اشارات لطیفی در خطبه‌های ۱۰۰، ۱۳۸، ۱۵۰ و ۱۸۲ به چشم می‌خورد. همچنین در حکمت‌های ۱۴۷، ۲۰۹ و بعد از حکمت ۲۶۰، نکات ارزشمندی وجود دارد.

در فرازی از خطبه ۱۵۰، به دو آسیب دوران انتظار؛ یعنی شتاب‌زده عمل کردن و بی‌توجهی به فراهم کردن مقدمات ظهور، و از طرف دیگر ظهور را در نقطه دور دست دیدن، اشاره می‌کند و می‌فرماید:

فَلَا تَسْتَعْجِلُوا مَا هُوَ كَائِنٌ مُرْصَدٌ وَلَا تَسْتَبْطِئُوا مَا يَجِيءُ بِهِ الْعَدُوُّ؛ پس نسبت به آن چه که هست و مورد انتظار است شتاب نکنید و آن چه را که در آینده اتفاق می‌افتد دور نشمارید. (و از آماده شدن برای آن غافل نشوید).

سپس در ادامه می‌فرماید:

(حضرت مهدی عجل الله فرجه در دوران غیبت و ظهور فتنه‌ها) با چراغی روشنگر در آن گام می‌نهد و بر همان سیره و روش صالحان (پیامبر و ائمه علیهم السلام) رفتار می‌کند تا گره‌ها را بگشاید، بردگان و ملت‌های اسیر را آزاد سازد، جمعیت‌های گمراه و ستمگر را پراکنده و حق‌جویان پراکنده را گرد هم آورد. و این رهبر (سالها) در پنهانی از مردم به سر می‌برد؛ آن چنان که پی‌جویان اثر قدمش را نبینند، گرچه بسیار دریافتن اثرش جستجو کنند. سپس گروهی (در همین دوران غیبت) برای درهم کوبیدن فتنه‌ها مهیا می‌گردند؛ هم چون مهیا شدن شمشیر به دست آهنگر، چشم اینان با قرآن روشنی می‌گیرد و معانی آیاتش به گوش آنان افکنده می‌شود و شامگاهان و صبح‌گاهان از جام حکمت و معارف الهی سیراب می‌گردند.

۸۸. کجایند چنین یارانی؟!

آخرین سخنرانی عمومیش بود؛ در حالی که روی بلندی ایستاده بود خطبه‌ای غرا خواند و پس از حمد و ثنای الهی و اشاره به غریبی و غیبت حضرت مهدی، از غم و غصه‌ها و تنهائیش یاد کرد و فرمود: آیا شما پیشوایی غیر من را می‌خواهید؟!

و با یاد یارانی که در جنگ صفین شربت شهادت نوشیده بودند، فرمود: **أَيْنَ عَمَّارٍ وَ أَيْنَ ابْنِ التَّيْهَانِ وَ أَيْنَ ذُو الشَّهَادَتَيْنِ...؛** کجاست عمار؟ و کجاست ابن تیهان؟ و کجاست ذوالشهادتین؟ کجایند امثال اینان که با مرگ هم پیمان شده بودند و سرهایشان برای فاسقان فرستاده می‌شد. (جان برکف در راه خدا می‌جنگیدند تا این که به شهادت می‌رسیدند و قاتلان‌شان برای گرفتن جایزه سرهای آنان را برای امرای خود می‌فرستادند).

بعد از گریه‌ای طولانی چنین ادامه داد:

آه بر برادرانم، همانها که قرآن را تلاوت می‌کردند و به کار می‌بستند، در فرائض دقت می‌کردند و آن را به پا می‌داشتند، سنتها را زنده و بدعتها را میراندند. دعوت به جهاد را می‌پذیرفتند؛ «و وثقوا بالقائد فاتبعوه؛ و به رهبر خود اطمینان و اعتماد داشتند و صمیمانه از او پیروی می‌کردند».

امروز نیز اسلام و جبهه حق علیه باطل، نیاز به چنین یارانی دارد که همچون عمارها با قلب و زبان و تمام توان خود جان برکف در پیروی از «ولیی زمانشنان» به یاری حق بشتابند و در میدان نبرد نظامی، فرهنگی، اقتصادی با بصیرت و بینش و اقدام به هنگام، جبهه باطل را در رسیدن به اهدافش ناکام گذارند و لیاقتشان را برای یاری امام زمانشان ثابت کنند.

۸۹. پیچ بزرگ تاریخی

گاهی ملتی، انتخاب بزرگی را رقم می‌زند و به سمتی تغییر جهت می‌دهد که آثار و تبعات آن، تمام جامعه، بلکه به تدریج همه بشریت را در بر می‌گیرد. چنین چیزی را «پیچ بزرگ تاریخی» می‌نامند و در زبان عربی گاهی از این مسئله با عنوان «عطف» یاد می‌شود.

این تغییر جهت، گاهی به سمت باطل است و مواقعی به سوی حق؛ یکی از بزرگترین پیچ‌های تاریخی، اعراض از غدیر و اهل بیت رسول اعظم خدا بود که آنچه امروز در دنیا دیده می‌شود نتیجه آن غفلت و کوتاهی امت اسلام بود که بشریت را به بحران و بن بست رسانده است.

اما چه زیبا هزار و اندی سال قبل، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام مژده و نویدی داده که جان تازه‌ای به عالم می‌دهد؛ ایشان فرمودند: «لَتَعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الضَّرُوسِ عَلَيَّ وَوَلَدِهَا».

به طور قطع و یقین دنیا بعد از آن چموشی (و اعراض از ما) با عشق و علاقه به سوی ما برخواهد گشت؛ سپس آیه ۵ قصص را تلاوت نمودند: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ...»^۱.

شواهد و قرائن فراوانی وجود دارد که این پیشگویی حضرت، در حال وقوع است و مقام معظم رهبری بارها و بارها این مسئله را یادآور شده و فرموده‌اند:

بدانید امروز تاریخ جهان، تاریخ بشریت، بر سر یک پیچ بزرگ تاریخی است؛ تحول از سیطره دیکتاتوری به آزادی ملتها و حاکمیت ارزشهای معنوی و الهی.^۲

۱. نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹. نک: کانال بشیر، بحث پیچ بزرگ تاریخی، <https://eitaa.com/mas110>.

۲. اجلاس جوانان و رهبری، ۹۰/۱۱/۱۰.

۹۰. کتابی برای تو، به محمد تاج داده ام

از اوائل دوران بلوغ، خیلی دنبال به دست آوردن خوشنودی خداوند بودم و فقط با یاد او آرام و قرار می‌گرفتم؛ سحرگاهی بین خواب و بیداری مولایم صاحب العصر و الزمان را در مسجد جامع اصفهان دیدم، سلام کردم؛ سؤالاتی که در نظرم بود، پرسیدم. بعد عرض کردم: «یا مولای لا یتسرلی أن أصل إلى خدمتك كل وقت فأعطني کتاباً عمل علیه دائماً؛ مولایم! من همیشه نمی‌توانم خدمتتان برسم کتابی به من بدهید که همیشه طبق آن عمل کنم». حضرت فرمودند: کتابی برای توبه محمد تاج داده‌ام، برو و از او بگیر. در همان حالت رفتم نزد او؛ وقتی مرادید گفت: حضرت صاحب الزمان تو را فرستاده است؟ گفتم: بله. کتابی به من داد؛ آن را باز کردم دیدم کتاب دعاست، آن را بوسیدم؛ سپس به سوی حضرت برگشتم که از آن حالت خارج شدم، دیدم کتاب را ندارم تا صبح ضجه و ناله زدم.

بعد از نماز و تعقیبات نزد مرحوم شیخ بهایی رفتم و قضیه را مطرح کردم. ایشان فرمود: ملا محمد تقی مجلسی! تو را به علوم الهی و معارف یقینی و هر آن چه که به دنبالش هستی مژده می‌دهم. دلم آرام نگرفت؛ در حالی که گریه می‌کردم از پیش او خارج شدم. در این فکر افتادم همان مسیری را که در حالت رؤیا رفته بودم بروم؛ رفتم تا رسیدم به شخص صالحی به نام «آقا حسن» ملقب به «تاجا». به او سلام کردم، پس از جواب سلام گفتم: بیا برویم کتاب به تو بدهم. اولین کتابی که به من داد دیدم همان کتابی است که دیشب در حالت رؤیا به من داده بودند؛ از شدت خوشحالی گریه می‌کردم و فریاد می‌زدم. دیدم کتاب «صحیفه سجادیه» است.

به برکت این تفضل حضرت، صحیفه سجادیه در بسیاری از شهرها به ویژه در اصفهان فراگیر و در بسیاری از خانه‌ها وارد شد و بسیاری از مردم، اهل خیر و صلاح و دعا و حتی برخی مستجاب الدعوه شدند.^۱

۱. روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه (ط - القدیمة)، ملا محمد تقی مجلسی، ج ۱۴، ص ۴۱۹.

۹۱. وظایف منتظران از منظر صحیفه سجادیه

فرازهای ۶۰ تا ۶۵ از دعای ۴۷ معروف به دعای عرفه و فراز ۱۱ از دعای ۴۸ «صحیفه سجادیه» مربوط به «مهدویت» است؛ امام سجاد در بند ۶۳ از دعای ۴۷ در قالب دعا، «وظایف منتظران» را اینگونه بیان می‌فرمایند:

«وَ اجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ؛ خدایا! ما را گوش به فرمان و پیرو ایشان (امام مهدی) قرار ده.»

«وَ فِي رِضَا سَاعِينَ؛ و ما را در کسب رضایت و خوشنودیش کوشا قرار ده.»

«وَ اِلَى نُصْرَتِهِ وَ الْمُدَافَعَةِ عَنْهُ مُكْنِفِينَ؛ و ما را برای نصرت و یاری و دفاع از او یاری رسان.»

«وَ اِلَيْكَ وَ اِلَى رَسُولِكَ - صَلَوَاتُكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - بِذَلِكَ مُتَقَرِّبِينَ؛ و بدین واسطه ما را به خودت و به رسولت نزدیک گردان.»

آری، با حرکت در مسیر رضایت امام زمان و اطاعت و پیروی از ایشان می‌توان قله‌های سعادت و رستگاری و مقام رفیع قرب الهی را فتح کرد و اما در عمل به این توصیه چه باید کرد؟

- انجام واجبات، ترک محرمات و رعایت اخلاق و آداب اسلامی؛
 - سعی و کوشش در جهت حل مشکلات مردم به ویژه یتیمان و درماندگان؛
 - اطاعت از نایب عام امام زمان و «ولی فقیه» زمان؛
 - تقویت معرفت و شناخت خود و شناساندن امام زمان به دیگران.
- کسی که در دوران غیبت، حق را به خوبی بشناسد و اقدام به هنگام دریاری ولایت داشته باشد، امید است در دوران ظهور نیز از بهترین یاران امامش باشد.

۹۲. راه گشایش و حل مشکلات

اگر بيشنویم امام زمان درخواستی از ما دارند چه واکنشی نشان خواهیم داد؟ ایشان در آخرین فراز از توقیع پاسخ به سؤالات اسحاق بن یعقوب، می فرماید: «وَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ؛ و برای جلوافتادن فرج، زیاد دعا کنید»؛

سپس علت این درخواست را چنین بیان می کنند:

«فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ؛ پس همانا فرج شما در گروز یاد دعا کردن است.»

در روایات متعددی از معصومان این توصیه به چشم می خورد. امام صادق علیه السلام می فرماید:

کسی که پس از نماز ظهر و نماز صبح در روز جمعه و غیر آن (روزهای دیگر) بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»، نمی میرد تا این که حضرت مهدی رادرک کند (ببیند).^۲

پیوسته در حال نماز و بعد از نماز، هنگام کار و استراحت و در هر زمان و مکان که دعا سفارش شده است در رأس دعایمان، برای تعجیل فرج دعا کنیم.

البته کلام نورانی مولایمان امام علی علیه السلام را فراموش نکنیم که فرمودند:

الدَّاعِي بِأَعْمَلٍ كَالرَّامِي بِأَلْوَتَرٍ؛ کسی که دعا کند، ولی عمل، پشتوانه آن نباشد مثل تیراندازی است که تیر دارد؛ ولی کمان اوزه ندارد.^۳

و بهترین دعا، اطاعت از امام زمان و انجام وظیفه است؛ پس با زبان و عمل «أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ».

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۵، باب ۴۵ ذکر التوقیعات، ح ۴.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۳۶۴.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۳۷۷.

۹۳. تفاوت استعجال با تعجیل فرج

در روایات متعددی بردعا برای تعجیل فرج تأکید شده و آثار و برکات متعددی برای آن ذکر شده است؛ از طرف دیگر استعجال، به عنوان یکی از آسیب‌های دوران غیبت یاد شده و از آن نهی شده است! امام علی علیه السلام به درگاه الهی عرضه می‌داشت:

خدایا نعمت بزرگ توکل و واگذار کردن امور به خودت و خوشنود بودن به حکم و تسلیم فرمانت بودن را نصیب من بگردان تا دوست نداشته باشم جلو افتادن آن چه را که به تأخیر انداخته‌ای و به تاخیر افتادن آن چه را که جلو انداخته‌ای.^۱

تفاوت این دو چیست؟

پاسخ: همان خدایی که وعده قطعی ظهور موعود امت‌ها، حضرت مهدی را داده، مشیتش بر این تعلق گرفته که مردم باید پذیرا و خواهان فرج باشند.^۲

و دعا برای تعجیل فرج؛ اولاً، به معنای خواستن ظهور است؛ پس هر چه بیشتر بر این خواستن تأکید کنیم و با صبر، استقامت و پابندی به حق، لیاقت و شایستگی خود را ثابت نماییم، به ظهور نزدیک‌تر می‌شویم.

و ثانیاً، دعا هرگز از عمل جدا نیست و این خواستن پیش از آن که با زبان باشد، باید با عمل به وظیفه انجام گردد.

در حالی که استعجال؛ یعنی شتابزده عمل کردن بدون تلاش در جهت فراهم کردن زمینه‌های تحقق وعده الهی؛ انتظار استعجالی، همان انتظار منفی است که ریشه آن جهل و بی‌تفاوتی و شانه خالی کردن از زیر بار سنگین مسئولیت فردی و اجتماعی است که امام بیاید و همه مشکلات را حل کند و این برخلاف سنت الهی است؛ نتیجه این که با قلب و زبان و عمل باید ظهور را خواست.

۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۵۸۱ و ۵۷۷.

۲. رعد، ۱۱؛ حدید، ۲۵؛ نعمانی، الغیبه، ص ۲۸۴، باب ۱۵؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۷.

۹۴. بهانه یاری

انسان به این کره خاکی قدم گذاشته تا با عقل و فهمی که به او داده شده است حجت الهی را بشناسد و مأمومش شود و مسیر سیرالی الله را به درستی طی کرده و قله های فلاح و رستگاری را فتح کرده و به مقام والای قرب الهی نایل شود. برای عبور از این گردنه ها نیاز به دستگیری است و این توفیق، بهانه می خواهد و یکی از بهترین بهانه هایش، دعا برای موعود اُمم، بقیة الله الاعظم است. مرحوم موسوی اصفهانی در کتاب مکیال المکارم بیش از ۹۰ فایده در دعا برای امام زمان ذکر کرده است؛ از جمله:

- سهیم شدن در نابودی ظلم و تحقق عدالت جهانی (حصول فرج)؛
- نجات از فتنه های آخر الزمان؛
- بهره مند شدن از دعای امام زمان؛
- شفاعت امام زمان در روز قیامت؛
- دفع بلا و وسعت رزق و...؛
- آمرزش گناهان.

پس، از هر فرصت برای دعا استفاده کنیم؛ دعا برای شناخت بیشتر امام زمانمان، قرار گرفتن در زمره بهترین یاران و شهادت در رکابش، تعجیل ظهورش و...^۱

۱. مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام، ج ۱، ص ۳۸۷.

۹۵. از خدا به امام و از امام به خدا می‌رسیم

زرارة بن اعین می‌گوید: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: قائم پیش از اینکه قیام کند، غیبتی خواهد داشت... گفتم: قربانت کردم: اگر من آن زمان را درک کردم، چه عملی انجام دهم؟ فرمود: ای زراره! هرگاه آن عصر را درک کردی، به قرائت این دعا مداومت کن: «اللهم عرفنی نفسک...»^۱.

وقتی با حجت باطنی خود؛ یعنی عقل با تدبر در آیات انفسی و آفاقی به وجود خالق یکتا، حکیم، علیم، قادر و منزّه از هرگونه عیب و نقص پی می‌بریم درمی‌یابیم که قطعاً از خلقت انسان، هدفی داشته است.

از اینجا به ضرورت وحی و نبوت پی می‌بریم که خداوند باید کسانی را بفرستد تا راه و رسم رسیدن به قله‌های سعادت و رشد و تعالی را به انسان نشان دهند.

به همان دلیلی که ما به رسول نیاز داریم، درست به همان دلیل باید بعد از رسول نیز کسی در اندازه و رتبه او از سوی خدای حکیم معرفی گردد تا همه شئون و وظایفش را ادامه دهد، به جز نبوت که با ارائه کامل‌ترین دین به وسیله خاتم انبیاء، حضرت محمد مصطفی پرونده آن برای همیشه بسته شد.

به عبارت دیگر چون عقل فقط مُدرک کلیات است و هر زمان اقتضائات ویژه خود را دارد، انسان پیوسته نیازمند هادی است. از سوی دیگر رابطه میان عالم غیب و عالم شهود قطع نمی‌شود؛ بنابراین خداوند هرگز زمین را از حجت و امام خالی نگذاشته و نخواهد گذاشت و امام نیز با در اختیار داشتن آنچه که بر رسول نازل شده، راه او را ادامه خواهد داد.

نتیجه اینکه از معرفت خداوند به معرفت رسول و از معرفت رسول به معرفت امام و ضرورت وجود او می‌رسیم. (معرفت اجمالی)

اما از سوی دیگر، از آنجاکه امام و نبی از مقام والای عصمت برخوردارند و کامل‌ترین

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۳۷.

و مقرب‌ترین مخلوق و مظهر اسماء حسناى الهى مى‌باشند، راهى برای خداشناسى و دست‌یابى به مراحل بالاتر شناخت خداوند و تقرب به سوى او هستند. از آنجا که خدای متعال بندگان را برای این آفرید که او را بشناسند و بپرستند؛ بنابراین راهنمایانى برای این شناخت و پرستش قرار داد. (معرفت تفصیلی)

و رسالت اصلی امام همین است.

السلام عليك يا باب الله الذي لا يُؤتى إلا منه.



۹۶. دعای فرج

تحت تعقیب ماموران خلیفه ظالم زمان خودش قرار داشت و جانش در خطر بود؛ به ولی نعمت خود، صاحب العصر و الزمان متوسل شد؛ حضرت به او فرمودند: برای نجات، این گونه دعا کن:

«اللَّهُمَّ عَظْمَ الْبَلَاءِ، وَ بَرَحَ الْخَفَاءِ، وَ انْكَشَفَ الْغِطَاءِ... أَذْرِكُنِي أَذْرِكُنِي
أَذْرِكُنِي» و ابوالحسن محمد بن احمد با عمل به این توصیه از شر آن ظالم نجات یافت.^۱

گرچه این دعا برای نجات یک شیعه گرفتار وارد شده است، اما اختصاص به آن مورد ندارد و در واقع حضرت مهدی راهکاری را برای نجات از شر ظالمان و رهایی از گرفتاری‌ها بیان کرده‌اند، لذا توجه به دو نکته، لازم و ضروری است:

۱. بالاترین مشکل، غیبت امام زمان است که شایسته است برای رفع این مشکل با دعایی که حضرت آموزش داده‌اند، به درگاه الهی استغاثه کنیم.
۲. این دعای شریف به ما می‌آموزد که برای نجات از کید و مکر دشمنان بد طینت، از امام زمانمان غافل نشویم و توجه داشته باشیم که صاحب و پناهی داریم و او ملجأ و مأوای ماست.

سزاینکه در این دعا، ابتدا به سوی خداوند توجه می‌کنیم، اقرار و اعتراف و توجه به توحید در همه ابعاد آن است و دلیل اینکه در مرحله بعد حضرت محمد و حضرت علی را مورد خطاب قرار می‌دهیم، این است که در این عالم که عالم اسباب و مسببات است خدای حکیم نصرت و فیض خود را از راه آن‌ها که سرسلسله واسطه‌ها هستند افاضه می‌نماید و سرانجام، امام زمان را مورد خطاب قرار می‌دهیم؛ زیرا هم اکنون حجت حقّی زمان است و به عنوان خاتم اوصیاء و صاحب شب قدر، فیض الهی از راه وی به ما می‌رسد.

پس چه زیبنده است که بعد از نماز با این دعا به درگاه الهی استغاثه کنیم: «اللَّهُمَّ عَظْمَ الْبَلَاءِ...».

۱. ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۵۹۱؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۷۵.

۹۷. درسنامه منتظران

ناب‌ترین معارف دینی در قالب دعا و زیارت توسط معصومان در اختیار ما قرار داده شده است؛ از جمله دعای «اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ» که درسنامه‌ای است از وظایف منتظران و توسط امام زمان به دست ما رسیده است.^۱

وظایف فردی:

درخواست روزی: توفیق پیروی از خدا، دوری از گناه، نیت صادقانه و شناخت محرمات؛

طلب کرامت و عزت: تحت هدایت پیوسته الهی قرار داشتن و استقامت در این راه؛
 قلب: ظرف دل را پر از علم و معرفت کردن.
 وظایف اجتماعی:

کسب رزق حلال و دوری از حرام و شبهه، خودداری از تزیین حقوق دیگران، مراقبت از زبان، سخن راست و حکیمانه گفتن؛

چشم و گوش: کسانی که دل به دیدار آخرین ذخیره الهی بسته‌اند باید دیده خود را از نامحرم و گوششان را از لغو، غیبت و ... حفظ کنند؛

دست و سایر اعضا: دوری از تعدی و ظلم؛

علماء: به دنیا نچسبند و خیرخواه مردم باشند؛

دانش پژوهان: تلاش و علاقه در مسیر علم آموزی؛

شنوندگان: پندپذیر و پیرو؛

کهنسالان: اهل وقار و متانت و دوری از خشم؛

جوانان: بازگشت به خدا و توبه؛

زنان: حیا، عفت و پاکدامنی؛

ثروتمندان: تواضع و بخشش؛

۱. نک: امام مهدی علیه السلام موجود موعود، جوادی آملی، ص ۲۰۰.

فقرا: صبر و قناعت؛

مسئولان: عدالت و دلسوزی؛

مردم: انصاف و خوش رفتاری؛

رزمندگان: نصرت و پیروزی.

و نهایتاً یک منتظر با قلب و زبان و عمل در فکر کمک به دیگران؛ از جمله بیماران، زندانیان و اسیران، رفتگان، مسافران و به ویژه حاجیان است. آری، باید خود را در آینه این دعا دید و نقایص را برطرف و نقاط قوت را تقویت کرد و این چنین منتظر بود.

۹۸. مشکلی بزرگ!

به بیان قرآن، یکی از موانع مهم تحقق عدالت جهانی، پایبند نبودن مردم به عهد و پیمان خود در یاری حق و بی وفائیشان در حمایت و یاری «ولیی خدا» بوده است: «وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ». ۱ و «دعای عهد» برای درمان این درد است؛ عهدی که یک اربعین، آن را تجدید و محکم کرده؛ «عَقْدًا» و با تمام وجود بر سر آن بمانیم «وَبَيْعَةً». امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«کسی که چهل صبح خداوند را با این عهد بخواند، از یاران حضرت مهدی خواهد بود». ۲

یعنی اگر ۴ روز این دعا را بخوانیم، جزء یاران امام زمان خواهیم شد؟ بله، به شرطی که بر سر عهد و پیمان خود بمانیم و با عملمان آن را امضا کنیم. برخی از مفاد این پیمان:

۱. «الذَّائِبِينَ عَنْهُ»: دفاع از امام با قلب و زبان و عمل، همانند عمارها (لزوم بررسی کارنامه خود در این رابطه)؛

۲. «الْمُسَارِعِينَ فِي حَوَائِجِهِ»: مسابقه در انجام خواسته های امام زمان؛ در یکی از توقیعات چنین آمده است: «پس هر کدام از شما به آن چه او را به محبت ما نزدیک می کند عمل کرده و از آن چه موجب خشم ما می شود دوری کند».

۳. «الْمُتَثَلِّينَ لِأَوْامِرِهِ»: امتثال و انجام دستورات ایشان (دستورات قرآن و اهل بیت)؛

۴. «الْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ»: آماده شهادت و جانفشانی در رکاب حضرتش بودن؛ و در آخر دعا، با زدن دست بر پای خود، استغاثه و درخواست یاری خود را فریاد می زنیم: «الْعَجَلُ الْعَجَلُ الْعَجَلُ، يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ».

۱. اعراف، ۱۰۲.

۲. ابن مشهدی، مزار کبیر، ص ۶۶۳.

۹۹. دعای کمیل

در مسجد بصره نشسته بودم، عده‌ای از اصحاب آن حضرت نیز همراهش بودند، در پی سؤال یکی از آنان، آقا امیر المؤمنین علیه السلام از فضیلت و عظمت «شب نیمه شعبان» مطالبی بیان کردند و سپس فرمودند: بنده‌ای که این شب را زنده داشته و با «دعای خضر» به درگاه خدا دعا نماید، دعای او اجابت می‌شود.

وقتی که امیر المؤمنین بازگشت، شبانگاه به دیدار او رفتم. فرمود: چرا آمدی ای کمیل؟ گفتم: برای دعای خضر. فرمود: بنشین؛ اگر این دعا را حفظ کنی و در شبهای جمعه یا ماهی یک بار یا سالی یک بار یا در تمام عمر یک بار با آن دعا کنی، باعث کفایت، یاری، رزق و آمرزش تو خواهد شد.

ای کمیل! به خاطر این که مدتی طولانی با ما بوده‌ای باید آنچه را که خواستی به تو بدهیم؛ سپس فرمود: بنویس: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ...» و این چنین بود که این دعا به «دعای کمیل» شهرت یافت.

نمی‌دانم تا به حال در این فرازهای از دعا اندیشیده‌ایم؟ «إِلَهِي وَ سَيِّدِي فَأَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا وَ بِالْقَضِيَّةِ الَّتِي حَتَمْتَهَا وَ حَكَمْتَهَا وَ غَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ أَجْرِبَتَهَا أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ...».

- مراد از این قضیه حتمی و قطعی که اراده الهی بر اراده مخالفان غلبه می‌کند چیست؟

با توجه به آیات متعددی که قطعیت ظهور و نابودی ظالمان را نوید می‌دهد می‌توان به خوبی معنای این فراز از دعا را فهمید.^۲

۱. ترجمه المراقبات، ص ۱۸۵.

۲. نک: توبه، ۳۲ و ۳۳ و همچنین سوره نور، آیه ۵۵ و سوره انبیاء، آیه ۱۰۵ و سوره قصص، ۵.

۱۰۰. خبری مسرت بخش!

دو رسالت به ظاهر متضاد بردوش ایشان بود؛ حفظ جان فرزندش که به شدت در خطر بود و اگر خلفای بنی عباس از این میلاد با خبر می شدند یک لحظه هم او را زنده نمی گذاشتند؛ چرا که دریافته بودند رسالت و مأموریت او، نابودی ظالمان و غاصبان است. از طرف دیگر باید نسبت به «حجت خدا» پس از خود، بر دیگران اتمام حجت شود؛ وظیفه اول، می طلبید اخفاء و پنهان کردن را و دومی اقتضای کرد اظهار و نشان دادن و گفتن را.

اما چه زیبا و هنرمندانه، امام حسن عسکری علیه السلام این دو برنامه را به انجام رساند؛ در عین پنهان نگه داشتن فرزندش، برای اتمام حجت بر دیگران چند کار انجام دادند:

۱. نشان دادن به شیعیان مورد اعتماد؛
۲. عقیقه کردن و فرستادن گوشت آن، برای شیعیان مورد اعتماد؛
۳. آگاه ساختن نزدیکان و شیعیان از طریق نامه.

از جمله اقدامات حضرت، توقیعی است به وکیلشان در قم، با دست خط مبارک خودشان: ای احمد بن اسحاق! برای ما فرزندی به دنیا آمده؛ این خبر را به کسی نگو، ما هم به کسی نگفته ایم مگر به بستگان و شیعیان (مورد اعتماد)؛ «أَخْبَيْنَا إِعْلَامَكَ لَيْسُ رَكَ اللَّهُ لَهُ مِثْلَ مَا سَرَرْنَا بِهِ؛ دوست داشتیم با اعلام این خبر برای تو، خدا تو را شاد کند، آن گونه که خداوند به خاطر (ولادت) این فرزند، ما را شاد کرد.»^۱

راستی غم و شادی ما حول چه محوری می چرخد؟

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۳۴.

۱۰۱. اینگونه ارتباط برقرار کنید.

هنگامی که خواستید به وسیله ما به خدا و خود ما توجه نمایید، بگویید آنگونه که خدای متعال فرموده است:

«سَلَامٌ عَلَى آلِ يَاسِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِي آيَاتِهِ...»^۱

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری می گوید: نامه ای (در دوران غیبت صغرا) از ناحیه مقدسه که خداوند آن را محفوظ بدارد، صادر شد که پس از بیان مسائلی نوشته بود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. نه درباره امر خدا تعقل می کنید و نه از اولیائش می پذیرید. حکمت رسای الهی است؛ اما اندازها مردمی را که ایمان نمی آورند، فایده نمی بخشد و سپس نوشته بودند: هنگامی که خواستید به وسیله ما به خدا و خود ما توجه نمایید... و این زیارت به «زیارت آل یس» شهرت یافت.

در ابتدای این دعا، در مجموع حدود چهل سلام (با تفکیک سلام ها) بیان شده که در بیش از نیمی از آن به لقب های حضرت و در نیم دیگر به حالت های گوناگون ایشان اشاره شده است.

«...السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ... وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِي ضَمِنَهُ.. الْغَوْثُ... الرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ...السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّي وَ تَقُتُّ...».

شاید بتوان گفت مهم ترین بخش این زیارت، این فراز باشد:

«فَالْحَقُّ مَا رَضِيْتُمُوهُ وَ الْبَاطِلُ مَا سَخِطْتُمُوهُ وَ الْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَ الْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ.»

رسیدن به قلّه معرفت امام که «حق آن چیزی است که شما آن را پسندیده باشید و باطل آن چیزی است که مورد خشمتان باشد و کار نیک آن کاری است که شما به آن امر نمایید و منکر و ناپسند آن چیزی است که شما از آن نهی نمایید»، از بزرگترین نعمت های الهی و مهم ترین ویژگی یاران امام است.

۱. طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۲.

۱۰۲. او از بهترین شماها نزد امامش بود.

در مناظراتم با برخی از ناصبی‌ها، مسائلی مطرح شد که از پاسخش عاجز ماندم. چهل و اندی مسئله بود، همه را نوشتم، خود را به احمد بن اسحاق، وکیل امام حسن عسکری علیه السلام رساندم، دیدم عازم سامرا است؛ گفتم: سعد بن عبدالله! بیا برویم سامرا و سؤالات را از مولایمان بپرسیم.

با هم به محضر امام حسن عسکری علیه السلام رسیدیم. در حالی که فرزند عزیزش هم حضور داشت، ابتدا احمد بن اسحاق، انبانی از هدایای شیعیان که مهر و موم شده بود را تقدیم امام کرد و ایشان به فرزندشان فرمودند: فرزندم! مهر هدایای شیعیان را باز کن. گفتم: مولای من! آیا جایز است دست پاک به اموال ناپاک بخورد؟ امام فرمودند: ابن اسحاق! اموال را بیرون بیاور تا حلال و حرامش را مشخص کند. آنگاه فرزندش حضرت مهدی، یک یک اموال را توضیح داد که از کیست و از چه راهی به دست آمده و چه مقدارش حلال و چه مقدارش حرام و علت حرمتش را نیز بیان کرد و در نهایت امام به احمد فرمودند: این کیسه‌ها (حرام) را به صاحبانش برگردان که ما نیازی به این‌ها نداریم.

سپس امام حسن عسکری متوجه من شدند و فرمودند: سؤالات را از نور دیده‌ام بپرس، و من مسائل را مطرح کرده و بهترین پاسخ‌ها را می‌شنیدم؛ از جمله این که برخی (به اصطلاح) از اصحاب رسول خدا به طمع رسیدن به قدرت، (به ظاهر) ایمان آوردند.

موقع خدا حافظی احمد بن اسحاق عرض کرد: ... خداوند این دیدار را آخرین دیدارمان قرار ندهد. دیدم اشک امام جاری شد و فرمود: توبه دیدار حق خواهی شتافت... در مسیر برگشت، نزدیک شهر خلوان (کنار شهر سرپل ذهاب) احمد بن اسحاق تب شدیدی گرفت، وارد شهر شدیم؛ نیمه شب کافور، خادم امام حسن عسکری مرا صدا زد و گفت: رفیقت از دنیا رفت. او را غسل داده و کفن

کردیم. گفت: او از بهترین شماها نزد مولایش بود؛ برخیز رفقاییت را صدا بزن و او را دفن کنید و بعد از نظرم غایب شد.

رحمت خدا بر این مرد بزرگ باد که مرضی امام زمانش زیست!

۱۰۳. دعویاتان ما را غمگین کرد!

ابتدای نامه چند دعای ناب بود؛ خداوند ما و شما را از فتنه‌ها حفظ کند و به ما و شما روح یقین عطا کند و از عاقبت بد، پناه دهد.

عثمان بن سعید، اولین نایب خاص امام زمان می‌گوید: بعد از مشاجره و دعویایی که در مورد فرزند امام حسن عسکری رخ داد و عده‌ای وجودش را منکر بودند، توقیعی از ناحیه امام زمان علیه السلام صادر شد که بعد از دعا برای شیعیان، نوشته بودند: به من خبر رسیده برخی از شما در دینتان دچار تردید و در مورد والیان امرتان (امام زمانتان) دچار شک و سرگردانی شده‌اید!

«فَعَمَّنَا ذَلِكَ لَكُمْ لَا لَنَا؛ این قضیه ما را به خاطر خودتان نه خودمان، غمگین کرد»؛
«وَسَاءَنَا فِيكُمْ لَا فِيْنَا؛ و ما را نه به خاطر خودمان، بلکه به خاطر خودتان آزرده»؛ زیرا خدا با ماست و به احدی جزا و نیازی نداریم و حق با ماست و هرگز دست برداشتن دیگران از ما، سبب و حشمتان نمی‌شود.

آری، این مهرپدیری است که دعوا و گمراهی ما، خاطرش را آزرده می‌سازد و دلسوزانه توصیه می‌کند:

لَا تُحَاوِلُوا كُشْفَ مَا غُطِّيَ عَنْكُمْ وَلَا تَمِيلُوا عَنِ الْيَمِينِ وَتَعْدِلُوا إِلَى الْيَسَارِ وَ
اجْعَلُوا قَصْدَكُمْ إِلَيْنَا بِالْمُؤَدَّةِ عَلَى السُّنَّةِ الْوَاضِحَةِ؛ سعی نکنید آن چه را که
از شما پوشانده شده است کنار بزنید و از (راه) راست منحرف نشوید و
به چپ (راه باطل) نچرخید و قصد و نیتتان را دوستی و محبت ما بر
مبنای سنت روشن و آشکار رسول خدا قرار دهید.^۱

۱۰۴. آن چه که امام زمانمان را آزار می‌دهد

گاهی کسی کار بزرگ و ارزشمندی انجام می‌دهد و باعث افتخار و عزت خانواده و شهر و کشور خود می‌شود مثل: سردار سلیمانی، شهید حججی، رئیس علی دلواری، ریز علی خواجوی (دهقان فداکار) و...

و ممکن است کسی مایه شرمساری یک ملت شود مثل: ...

توصیه امام صادق علیه السلام این است که: «مایه زینت ما باشید و باعث خواری و ذلت ما نباشید»^۱.

زیرا کار ما به حساب اهل بیت تمام می‌شود؛ آیا رفتار و کردارمان مایه عزت و افتخار برای اهل بیت است یا خطایمان بهانه‌ای به دست دشمنان و بد خواهان می‌دهد که آن را به همه شیعیان اهل بیت نسبت دهند.

به همین جهت است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در توقیعی می‌فرماید:

قَدْ آذَانَا جُهَلَاءُ الشَّيْعَةِ وَ حَمَقَاؤُهُمْ وَ مَنْ دَيْنُهُ جَنَاحُ الْبُعُوضَةِ أَرْجَحُ مِنْهُ؛^۲
شیعیان جاهل و نادان و کسانی که وزن بال پشه از دین و ایمانشان سنگین تر است مرا می‌آزارند.

یکی از برنامه‌های جدی در زندگیمان، تقویت شناخت و آگاهی نسبت به دینمان، کسب علم و هنر، اصلاح رفتار همراه با جدیت و اخلاص در کارهایمان باشد تا مایه فخر و مباهات امام زمان شویم نه باعث آزار و اذیت! و در یک کلمه:
سعی کنیم مأموم خوبی برای اماممان باشیم.

۱. بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۱۵۱.

۲. احتجاج، ج ۲، ص ۴۷۴.

۱۰۵. چرا اینقدر دیر آمدی؟!

شیفته دیدار امامش بود؛ سال‌ها در پی محبوب و مقتدایش در مدینه و مکه و عرفات و مشعر و مناب‌ی تاب و بی‌قرار مولایش بود تا این که فرستاده امام در کنار کعبه او را دید و گفت: ... چه می‌خواهی ای ابوالحسن؟ گفتم: امامی را که از عالم نهران است. در جوابم گفت: او محجوب و غائب نیست، بلکه بدی اعمالتان او را از شما پنهان کرده است. توشه‌ات را بردار و بیا بین رکن و صفا منتظرت خواهم بود.

علی بن ابراهیم بن مهزیار مشهور به پسر مهزیار می‌گوید: وقت معین فرا رسید و با هم حرکت کردیم؛ رفتیم و رفتیم تا نیمه شب، نماز شب را به جا آوردیم و به حرکت ادامه دادیم تا به بیابانی رسیدیم و از دور خیمه‌ای نورانی توجهم را جلب کرد.

رفت که اذن دیدار بگیرد و قلبم از شدت تپش گویا می‌خواست از جا کنده شود. چیزی نگذشت؛ آمد و گفت: مژده باد بر تو؛ بیا.

امام زمان فرمودند: ای ابوالحسن! ما شب و روز منتظرت بودیم؛ چرا اینقدر دیر آمدی؟ عرض کردم: مولایم! کسی نبود مرا راهنمایی کند. فرمودند: آیا (مشکل این بود که) کسی نبود تو را...

لَا وَ لَكِنَّكُمْ كَثَرْتُمْ الْأَمْوَالَ، وَ تَجَبَّرْتُمْ عَلَى ضِعْفَاءِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ قَطَعْتُمْ الرَّحِمَ الَّتِي بَيْنَكُمْ، فَأَيُّ عُذْرٍ لَكُمْ الْآنَ؟ شما در پی جمع مال دنیا هستید و به مؤمنان ضعیف زور می‌گویید و با بستگان خود قطع ارتباط می‌کنید (صله رحم به جا نمی‌آورید! یعنی آن چه سبب دوری شما از من و محرومیت از دیدارم شده این امور است). عرض کردم: توبه، توبه، عفو فرمایید؛ عفو فرمایید و ایشان فرمودند: پسر مهزیار! اگر طلب مغفرت برخی از شما برای دیگری نبود همه هلاک می‌شدند مگر شیعیان خاص که سخن و عملشان یکی است... و چه سخت بود لحظه فراق و جدایی... و پیوسته این سخنان در گوشم بود که «لَا وَ لَكِنَّكُمْ كَثَرْتُمْ الْأَمْوَالَ...».

۱۰۶. کار نیمه تمام

حدود سال ۱۳۳۳ش (۱۳۷۳قمری) اثری ماندگار درباره حضرت مهدی تألیف شد؛ مؤلف، با عشق به امام زمانش و پشتکاری مثال زدنی پس از چند سال تحقیق و پژوهش و به توصیه مرجع زمان، حضرت آیت الله بروجردی کتابی را تقدیم جهان اسلام نمود به نام «منتخب الاثر». ابتدا در یک جلد تدوین شده بود؛ بعد از سه دهه از تألیف این کتاب، و با توجه به استقبال فوق العاده از آن و وجود شبهات جدید در عرصه مهدویت، مؤلف را بر آن داشت تا با عشقی وصف ناپذیر کتاب را جامع و کامل تر عرضه کند. در حین انجام کار، مبتلا به بیماری سختی شد؛ اطبا از درمانش نومید شدند و بنا شد به تهران اعزام شود.

ادامه ماجرا را از زبان خود مؤلف؛ یعنی حضرت آیت الله صافی گلپایگانی پی می گیریم:

حس کردم سبک شده‌ام؛ از درد و رنج خبری نبود و آن چه را که پیرامونم مشاهده می کردم به کلی با این عالم متفاوت بود؛ فضایی بسیار جذاب و زیبا و غیر قابل وصف، فهمیدم از دنیا رفته‌ام! چیزی نگذشت، ندایی شنیدم: نمی خواهی به دنیا برگردی؟ گفتم: نه! برای بار دوم همین ندا را شنیدم؛ گفتم: نه!، بگذارید این جا بمانم. برای دفعه سوم ندا آمد: آیا کار نیمه تمامی نداری، بخواهی تمامش کنی؟ به ناگاه یاد کتاب منتخب افتادم که تمام آرزویم اتمام این کتاب بود. گفتم: بله، کتاب منتخب! می خواهم کاملش کنم. به ناگاه دیدم شرایط عوض شد و روی تخت بیمارستان هستم و اطرافیان از شدت خوشحالی....

با پیگیری کار کتاب، این اثر در سه جلد و اخیراً با ترجمه در ۶ جلد و خلاصه اش در یک جلد عرضه شده است. کسی که با جدیت و اخلاص برای امام زمانش کاری انجام دهد این چنین مورد تفقد و توجه قرار می گیرد. از عمر خود برای یاری امامان قدم برداریم تا در یوم الحسره....

«آیا کار نیمه تمامی نداری، بخواهی...».

۱. این ماجرا را شخصاً در سال ۱۳۹۷ش در منزل معظم له از خود ایشان شنیدم.

کردیم. گفت: او از بهترین شماها نزد مولایش بود؛ برخیز رفقاییت را صدا بزن و او را دفن کنید و بعد از نظرم غایب شد.

رحمت خدا بر این مرد بزرگ باد که مرضی امام زمانش زیست!

تطبیق نیست؟

نکته آخر این که صاحب کتاب منتخب الاثر می نویسد: لسان این روایات، لسان انشایی است؛ یعنی آن چه که خداوند تشریح کرده این است که جانشینان ایشان، ۱۲ نفرند و همه امت باید بر آنان اجتماع کنند و بپذیرند؛ اما این که امت اسلام، در مرحله عمل راه دیگری را رفتند به خود ظلم کردند و روزی فرامی رسد که همه مردم به سوی غدیرباز خواهند گشت و آمدن حضرت مهدی را فریاد می زنند.^۱

۱. نک: منتخب الاثر، جلد ۱، ص ۲۷؛ نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹.

۱۰۸. می آید، ولی پشت سر امام، به نماز می ایستد!

برنامه خوبی بود! علمای مذاهب مختلف، دور هم جمع می شدند و مباحث علمی مطرح می شد؛ روزی یکی از علمای اهل تسنن گفت: شما شیعیان، امامان خود را برتر از انبیاء (به جز پیامبر اسلام) می دانید و این غلو است و غلو کننده از ایمان خارج است!

اما بشنوید پاسخ عجیب عالم شیعی را: این عقیده ما نیست؛ شما هم این مطلب را نقل کرده اید!

این سخن مثل بنزینی بود روی آتش و جلسه را ملتهب کرد که چرا علاوه بر غلو، تهمت هم می زنید؟!

و او ادامه داد: مگر این حدیث را در صحیح بخاری و صحیح مسلم (دو کتاب مهم نزد اهل تسنن) ندیده اید که رسول خدا فرمودند:

«کیف أنتم إذا نزل ابنُ مریم فیکم وإمامکم منکم؟» چگونه خواهید بود

آنگاه که فرزند مریم فرود بیاید، اما امام از شما (امت اسلام) باشد؟

شارحان صحیحین و نویسندگان مثل: صاحب «جامع الاصول» (ابن اثیر جزری) و ابن طلحه شافعی در «مطالب المسئول» و ابن صباغ در «الفصول المهمه» و بسیاری دیگر، تصریح کرده اند که مراد از این امام، حضرت مهدی است.^۱

با آمدن امام زمان، شاهد شگفتی هایی خواهیم بود، مثل: همراهی فرشتگان و رجعت برخی از منتظران راستین و از جمله به عقیده تمام امت اسلام، آمدن حضرت عیسی مسیح که نقش مهمی در ایمان آوردن مردم، به ویژه مسیحیت دارد و از برترین و والاترین یاران امام زمان خواهد بود. آری، می آید، ولی امامش، امام مهدی است و پشت سر او به نماز می ایستد و کفی به فخراً.

۱۰۹. آب در کوزه و ما تشنه لبان گرد جهان می گردیم!

اوضاع متفاوت شده! خدا را شکر اصلاً هیچ شباهتی به دوران قبل ندارد، قبلاً همه در پی این بودیم که با به دست آوردن مال به هر قیمتی و از طریق رسیدن به قدرت به هر شکلی، به عزت و قدرت برسیم و ثروتمند شویم؛ هر چه بیشتر می دویدیم کمتر احساس آرامش می کردیم و مثل خوردن آب شور تشنه ترمی شدیم....

همه جمعند؛ سخنگوی حاکم بی نظیر دنیا اعلام می کند: «مَنْ لَهُ فِي مَالٍ حَاجَةٌ؛ چه کسی نیاز مالی دارد؟» با کمال تعجب هیچکس بلند نمی شود، جز یک نفر! حضرت می فرماید: برو پیش مسئول امور مالی و بگو «مهدی» دستور داده است به من مال بدهی. وقتی نزد خزانه دار می آید، او می گوید: (ظرفت) را بگیر! وقتی ظرفش را پر از مال کرد، ناگاه به خود می آید و پشیمان می شود و می گوید: چرا من حرص زدم؟! و آن چه را دیگران توانستند به آن برسند (از زهد و تقوا و درجات معنوی) من نرسیدم؟ لذا آن چه را که گرفته است برمی گرداند؛ ولی خزانه دار پس نمی گیرد و می گوید: ما چیزی را که به کسی دادیم پس نمی گیریم! از او التماس که پس بگیر و از او انکار....^۱

راستی، چرا دیگران حرص و طمع در مال دنیا، خبری نیست؟ چون دریافته اند که ثروت، آن چیزی است که هیچ چیز نتواند بین ما و آن جدایی بیندازد و ثروت واقعی، معرفت و بندگی خداوند، حرص و طمع در کمک به بندگان خدا، گره گشایی از کار آنان، افتاده ای را بلند کردن و اموری از این قبیل است، لذا همه جا، مسابقه و رقابت در عبادت خداوند و کمک به دیگران به چشم می خورد.

آری، در درون است آن چه را که در بیرون دنبالش می گردیم؛ غنای نفس و....
و اکنون هم می توان اینگونه زیست و ثروتمند شد.

۱. نک: همان، ص ۶۶.

۱۱۰. ایام الله

هر چه در عالم «وجود دارد» از خداست و نشانه‌ای بر وجود و قدرت و حکمت الهی: «وَفِي كُلِّ شَيْءٍ لَّهِ آيَةٌ، تَذُلُّ عَلَىٰ أَنَّهُ الْوَاحِدُ؛ و در هر چیزی برای خدا نشانه‌ای است که دلالت می‌کند بر این که خدا، یکتاست است».

همه روزها از خداست، اما گاهی در بستر زمان، اتفاقی می‌افتد که به طور ویژه عظمت و قدرت الهی را فریاد می‌زند؛ مثل: ماجرای طوفان حضرت نوح، سرد و سلامت شدن آتش بر ابراهیم خلیل، نجات بنی اسرائیل و غرق شدن فرعون و فرعونیان و اموری از این قبیل... قرآن از این گونه موارد به «أَيَّامُ اللَّهِ» تعبیر می‌کند و از حضرت موسی می‌خواهد پیوسته مردم را نسبت به آن توجه دهد؛^۱ چرا که چنین روزهایی به طور خاص یادآور توحید و نعمت‌های ویژه الهی است و توجه به آن، روحیه بندگی خدا و اطاعت از ولی خداوند را تقویت می‌کند.

روایت بسیار مهمی در میان روایات، توجه منتظران را به خود جلب می‌کند. امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید:

أَيَّامُ اللَّهِ ثَلَاثَةٌ: يَوْمُ يَقُومُ الْقَائِمُ وَيَوْمُ الْكُرَّةِ وَيَوْمُ الْقِيَامَةِ؛^۲ روزهای خداوند، سه روز است؛ روزی که حضرت قائم قیام می‌کند، روزگار رجعت و روز قیامت.

به راستی چرا در میان همه روزهای عالم، این سه روز به عنوان «ایام الله» یاد شده است؟ آیا به خاطر این نیست که از دوران ظهور به بعد، شاهد تجلی و ظهور و بروز توحید و فراگیر شدن عبودیت و بندگی خداوند در سراسر گیتی خواهیم بود؟ و همه مظاهر کفر، شرک و ظلم نابود و عدالت در همه ابعاد از جمله توحید ناب فراگیر خواهد شد،^۳ پس برای تحقق چنین ایامی اهتمام بیشتری داشته باشیم.

۱. ابراهیم، ۵.

۲. قمی، تفسیر، ج ۱، ص ۳۶۷، ذیل آیه ۵ سوره ابراهیم.

۳. نک: منتخب الاثر، ج ۲، ص ۱۲۰؛ تفسیر المیزان ذیل آیه ۲۱۰ سوره بقره؛ قافله سالار (چاپ

۱۱۱. ایام الله خاص الخاص

همه ما این مطلب را در مورد روزه ماه مبارک رمضان شنیده‌ایم که روزه روزه‌داران بر سه قسم است:

۱. روزه عام: روزه کسانی که فقط از خوردن و آشامیدن پرهیز می‌کنند و مفطرات و مبطلات روزه را رعایت می‌کنند.

۲. روزه خاص: روزه کسانی که علاوه بر مورد فوق، سعیشان این است تمام اعضا و جوارحشان نیز روزه باشد و از گناه مربوط به هر عضوی پرهیز می‌کنند.

۳. روزه خاص الخاص: روزه کسانی که اضافه بر آن، قلبشان نیز از یاد و توجه و امید به غیر خدا روزه است. «الْقَلْبُ حَرَمُ اللَّهِ فَلَا تُسْكِنُ حَرَمَ اللَّهِ غَيْرَ اللَّهِ؛ قلب، حرم الهی است، پس در حرم الهی غیر خدا را جای ندهید.

نظیر این مطلب را راجع به «ایام الله» داریم:

۱. ایام الله عام: همه روزها، طلوع و غروبش، آسمان و زمینش و همه چیزش از خداست و نشانه‌ای از وجود و عظمت و حکمتش: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...»^۱.

۲. ایام الله خاص: روزهایی که واقعه خاصی اتفاق افتاده و جلوه و مظهری از قدرت الهی نمایان شده باشد، مثل: ۱۷ ربیع و ولادت رسول خدا و آن حوادث شگفت‌انگیز، بعثت، غدیر و...^۲.

۳. ایام الله خاص الخاص: به بیان امام محمد باقر (همانگونه که در نکته سابق گذشت)، سه دوره در میان تمام روزهای عالم، متفاوت است؛ ایام ظهور، ایام رجعت و قیامت. با آمدگی مردم و ظهور خاتم اوصیاء، امام زمان علیه السلام جلوه‌هایی ویژه از قدرت الهی نمایان خواهد شد و آمدن حضرت عیسی مسیح، همراهی و یاری فرشتگان، رجعت برخی از مؤمنان خالص و اموری از این قبیل و حاکمیت توحید ناب در گستره جهانی؛ همه و همه، این دوره را متفاوت خواهد کرد.

ششم)، ص ۱۳۸، ذیل آیه ۲۱۰ سوره بقره.

۱. بچار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۵.

۲. بقره، ۱۶۴.

۱۱۲. معلم ایتام با بزرگ معلم بشریت

واژه «یتیم» با حزن و غم و اندوه، همراه است و یتیم در معرض انواع آسیب‌ها و مشکلات است: «یتیمی درد بی درمان یتیمی». در ادبیات دینی ما نسبت به اکرام و توجه به یتیم، ارزش و پاداش بسیار زیادی ذکر شده است؛ اما یتیم کیست؟ کسی که پدرش را از دست داده است؟

رسول خدا ﷺ می‌فرمایند: سخت‌تر از یتیم شدن یتیمی که پدرش را از دست داده است، یتیم شدن یتیمی است که از امامش جدا شده است و دسترسی به او ندارد و در مسائل دینش دچار مشکل شده است؛ بدانید اگر کسی آگاه به علوم ما باشد و به داد این ایتام برسد و آنان را هدایت کند و مسائل دینشان را به آنان بیاموزد «كَانَ مَعْنًا فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى؛ در بالاترین درجات بهشت با ما خواهد بود».^۱

بله، ایتام آل محمد در دوران غیبت امام زمانشان، در معرض انواع آسیب‌ها، شبهات دینی، فشار و تهدیدهای دین‌ستیزان، مدعیان دروغین و جلوه‌گری‌های دنیا‌قرار دارند و معلمان و اساتیدی که به بُعد هدایت و ارشاد و تقویت پایه‌های دینی دانش‌آموزان و دانش‌پژوهان خود، توجه جدی داشته باشند و آنان را از معارف ناب قرآن و بیانات معصومان سیراب و شناختشان را به امام زمانشان تقویت کنند و در یک کلمه منتظرو منتظرپرور باشند. به بیان رسول خدا «كَانَ مَعْنًا فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى».

همراهی با بزرگ معلم بشریت در زندگی ابدی.

۱۱۳. خوشگذرانان جا می مانند!

کنار کوچه می نشست و بادلقک بازی و دست انداختن افراد، دیگران را می خندانند. نگاهش به امام سجاده افتاد که از آن مسیر می گذشت؛ گفت: به هر قیمتی شده باید او را ببخندانم! وقتی امام نزدیک شد پرید و عبای امام را برداشت و به دلکک بازی مشغول شد؛ اما امام هیچ توجهی به او نکردند و به مسیرشان ادامه دادند. اطرافیان امام، عبا را گرفته و به امام دادند. امام سجاده علیه السلام فرمودند: به او بگوئید: «إِنَّ اللَّهَ يَوْمًا يَخْسِرُ فِيهِ الْمُبْطِلُونَ؛ برای خدا روزی است که در آن روز اهل باطل، زیان خواهند کرد».^۱

این کلامی است که امام مجتبی به افرادی که در روز عید فطر مشغول خنده و بازی بودند، فرمودند: شگفتا از کسانی که به خنده و بازی سرگرم هستند در روزی که نیکوکاران پاداش داده می شوند و اهل باطل زیان خواهند کرد: «وَيَخْسِرُ فِيهِ الْمُبْطِلُونَ».^۲ با دقت در کاربرد واژه «المُْبْطِلُونَ» در قرآن و روایات به این نتیجه می رسیم که مقصود از آن، کسانی هستند که اهل خوشگذرانی هستند و ارزش ها و معنویات در زندگی شان رنگ باخته و «خوش بودن» برایشان مهم است.

آن چه که مسئله را حساس می کند این است که امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: در دوران غیبت، چنین کسانی دینشان آسیب دیده و آن را از دست می دهند: «وَيَهْلِكُ فِيهَا الْمُبْطِلُونَ».^۳

مراقب باشیم در زندگیمان، ارزش های دینی و معنویات کم رنگ نشود و با یاد امام و توجه داشتن به خواسته ها و موجبات رضایتش، خود را از طوفان های سهمگین عوامل غفلت دوران غیبت حفظ کنیم و همچنان یار و همراه امام بمانیم.

۱. شیخ صدوق، *امالی*، ص ۲۲۰، مجلس ۳۹، ح ۶. نیز نک: جائیه، ۲۷ و غافر، ۷۸.

۲. *تحف العقول*، ص ۲۳۶.

۳. *کمال الدین و تمام النعمه*، ج ۲، ص ۴۱۰، باب ۳۸، ح ۹.

۱۱۴. تنها راه

تقریباً همه این دعا را حفظ شده ایم؛ صلوات شعبانیه را می گویم، هر روز ظهر در طول ماه شعبان:

«...اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْفُلْكِ الْجَارِيَةِ فِي الدُّجَجِ الْغَامِرَةِ يَا مَنْ
مَنْ رَكِبَهَا وَيَغْرُقُ مَنْ تَرَكَهَا الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ وَالْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ وَاللَّازِمُ
لَهُمْ لَاحِقٌ».

این فرازها انسان را به یاد حدیث نورانی رسول اعظم خدای اندازد که فرمود: «دنیا دریایی عمیق است که بسیاری از مردم در این دریا غرق شده اند و کشتی نجات آن، آل محمدند». این دنیا به طوفان حضرت نوح و ولایت اهل بیت، به کشتی اش تشبیه شده است؛ کوه نیز نتوانست پسر حضرت نوح را نجات دهد!

با این بیان، معنای «الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ» روشن می شود؛ کسی که از اهل بیت جلو بیفتد از دین خارج است. جلو افتادن از امام؛ یعنی پیاده شدن از این کشتی. هر چند نماز جماعت اول وقت و تلاوت قرآن و سجده های چندین ساعته داشته باشی، ولی اگر مأموم امام زمانت نباشی و از بودن در این کشتی خودت را محروم کنی، محکوم به هلاکت هستی؛ نمونه بارز آن، خوارچند و شیطان.

شیطان به خداوند گفت: سجده بر آدم را از من نخواه؛ هر کار بگویی انجام می دهم! اما این دیگر بندگی خدا و خدا خواهی نیست، بلکه خود خواهی است.

خالق و رب ما از ما خواسته است پس از پیامبر، شیعه و دنباله رواهل بیت طاهرینش باشیم؛ اگر این چنین بودیم در «صراط مستقیم» قرار داریم.

وقتی خداوند انسانی را برگزید و او را امام بر خلقش قرار داد همه موحدان عالم باید مأمومش باشند تا به رستگاری برسند.

راستی به چه میزان سعی کرده ایم در زندگی مأموم امام زمانمان باشیم؟ «اللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ».

۱۱۵. چرا گریه می‌کنی؟!

بیش از یک قرن از عمرش می‌گذشت؛ قد خمیده و عصابان وارد شد و سلام کرد. امام صادق علیه السلام به گرمی پاسخ او را دادند و جایی برایش باز کردند؛ جلو آمد و دست امام را بوسید و گریست! امام فرمودند: «مَا يُبْكِيكَ يَا شَيْخُ؛ چرا گریه می‌کنی؟». عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! حدود صد سال است در آرزوی شما بوده‌ام (که آنچه در مورد شما گفته شده است محقق شود و همه امور دست شما باشد) اما امر این گونه نیست! آنوقت می‌فرمائید چرا گریه می‌کنی؟

حضرت نیز گریستند و فرمودند: اگر خداوند تو را نگه داشت تا «قائم» ما را ببینی، با ما خواهی بود و اگر از دنیا رفتی در این صورت هم در قیامت با ما خواهی بود. خوشا به سعادت آنان که تمام امید و آرزویشان حاکمیت اهل بیت علیهم السلام و در نتیجه تحقق اهداف بلند حجت‌های الهی است و حرکت و سوز و گدازشان در این مسیر است.

- از اهل کوفه که نیستی؟ - از اطراف کوفه هستم.

- با مرقد جد مظلوم حسین چگونه هستی؟ - خانه ما نزدیک کربلاست!

- به زیارتش می‌روی؟ - بله، زیاد.

و امام ادامه دادند: در میان فرزندان حضرت فاطمه کسی چنین مصیبتی ندید و نخواهد دید؛ او با هفده نفر از اهل بیتش که خیرخواه و اهل صبر و استقامت در راه خدا بودند به شهادت رسید. روز قیامت رسول خدا با امام حسین می‌آید، در حالی که دستش بر سرش قرار دارد و از آن خون می‌چکد و می‌گوید: «يَا رَبِّ، سَلْ أُمَّتِي فِيمَ قَتَلُوا وَوَلَدِي؛ بار پروردگارا! از امتم بپرس فرزندانم را به چه جرمی کشتند؟».

۱. شیخ طوسی، *امالی*، ص ۱۶۱.

۱۱۶. نورانی تراز خورشید

آیه ای در سوره تغابن فکرم را مشغول کرده بود! «فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا؛ پس به خداوند و رسولش و نوری که فرستادیم ایمان بیاورید».

خدایا! منظور از این نور چیست؟ محضر امام محمد باقر علیه السلام شرفیاب شدم و سؤال را مطرح کردم؛ ایشان فرمودند: ای ابا خالد! به خدا قسم مراد از این نور تا روز قیامت، پیشوایان از آل محمدند....

«وَاللَّهِ يَا أَبَا خَالِدٍ لِنُورِ الْإِمَامِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ أَنْوَرُ مِنَ الشَّمْسِ الْمُضِيئَةِ بِالنَّهَارِ؛ به خدا قسم ای ابا خالد! نور امام در دل مؤمنان از خورشید درخشان، نورانی تر است» و آنان دل مؤمنان را نورانی می کنند و خداوند این نور را از کسانی که بخواهد (لیاقتش را نداشته باشند و ولایتشان را نپذیرند) باز می دارد. در نتیجه قلبشان تاریک خواهد بود.

ای ابا خالد! کسی ما را دوست نخواهد داشت و ولایت ما را نخواهد پذیرفت مگر این که خداوند قلبش را پاک بگرداند و او قلب کسی را پاک نمی گرداند مگر این که تسلیم ما اهل بیت باشد!

آری، باید ظرف دل را از غفلت ها، خودخواهی ها، تعصبات جاهلی، حسادت ها و در یک کلمه از آن چه که مورد رضایت خدا نیست پاک کنیم تا خداوند نعمت بی نظیروبی بدیل ولایت و محبت اهل بیت را به ما عطا کند و هر چه بر عمر ما می گذرد بر میزان این نعمت افزوده و با همین نعمت سفر ابدیمان را در پیش گرفته و در صحرای محشر و بهشت قدم بگذاریم.

کسی که دلش با نور ولایت و محبت اهل بیت روشن شد جسم و روحش نیز در مسیر عبودیت و بندگی خدا به خدمت گرفته خواهد شد و در یک کلمه هم رنگ آنان خواهد شد؛ آرزوهایش، اهدافش، رفتارش و....

۱. کافی، ج ۱، ص ۱۹۴، بَابُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ بِنُورِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، ح ۱.

۱۱۷. به همه شیعیانم نیز سفارش کن

فقیه و محدثی بزرگ بود؛ عمرش را صرف ترویج معارف اهل بیت کرد و حق بزرگی بر همه ما دارد.

نامه امام حسن عسکری علیه السلام به ایشان، حاکی از مقام والا و عظمت اوست؛ حضرت در بخشی از این نامه چنین می نویسد:

ای شیخ و مورد اعتمادم، ابا الحسن علی بن بابویه قمی! به تو سفارش می کنم به تقوای الهی و اقامه نماز و دادن زکات، اهل عفو و گذشت بودن، فرو بردن خشم و پیوند با خویشان، تلاش در جهت حل مشکلات دیگران، بردباری هنگام مواجه شدن با جاهلان، دنبال فهم دین بودن، اهل تحقیق و انس با قرآن و خوش اخلاق بودن، امر به معروف و نهی از منکر کردن، دوری از کارهای ناپسند و بر توباد به نماز شب که رسول خدا سه بار به امام علی فرمودند: بر توباد به نماز شب.

پس به توصیه هایم عمل کن و به همه شیعیانم نیز بگو چنین باشند.

و بر توباد به صبر و انتظار فرج و... پیوسته شیعیانم در غم و اندوه خواهند بود تا این که فرزندانم که مژده آمدنش را رسول خدا داده است، ظهور کند و عالم را پر از عدل و داد کند.

ای شیخ من! اهل صبر و استقامت باش و به شیعیانم نیز بگو چنین باشند که عاقبت از آن پرهیزگاران است.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ جَمِيعِ شِيعَتِنَا وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ^۱.

وی پس از عمری با برکت در سال ۳۲۹ ق از دنیا رفت و در قم مقابل قبرستان شیخان دفن شد و مزارش مورد عنایت اهل معرفت است. روحش شاد و یادش گرامی.

۱. مقدمه کتاب الامامة والتبصرة، تحقیق مدرسه امام مهدی، ص ۲۰ مقدمه.

۱۱۸. به زودی صاحب دو پسر می شوی

هر دو را ابن بابویه می گویند؛ یکی پدر و مرقدش در قم زیارتگاه اهل معرفت است و دیگری پسر و آرامگاهش در شهرری مشهور است.

پدر، عمرش را وقف دین و تعلیم و هدایت و ارشاد دیگران کرده بود، ولی از یک چیز رنج می برد! فرزندی نداشت تا راهش را ادامه دهد، لذا نامه ای به امام زمان نوشت و در آن از ایشان درخواست کرده بود دعا کنند تا صاحب فرزند شود و از سومین نائب خاص امام، حسین بن روح نوبختی خواست تا نامه را به دست امام برساند.

پس از چند روز پاسخ نامه آمد:

قَدْ دَعَوْنَا اللَّهَ لَكَ بِذَلِكَ وَ سَتُرْزَقُ وَلَدَيْنِ ذَكَرَيْنِ خَيْرَيْنِ؛^۱ حاجت را از خداوند خواستیم و به زودی صاحب دو فرزند پسر با خیر و برکت خواهی شد.

و خداوند به برکت دعای امام زمان، دو فرزند به ایشان داد؛ یکی را حسین نامید و دیگری را محمد که بعدها به «شیخ صدوق» شهرت یافت.

وقتی بزرگان هوش و ذکاوت و اشتیاق شیخ صدوق را نسبت به مسائل دینی می دیدند، می گفتند: کسی که به دعای امام زمانش به دنیا بیاید باید چنین باشد. آثارش را تا ۲۰۰ کتاب نوشته اند از مهم ترین این آثار «مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه» است که یکی از کتب اربعه محسوب می شود و دیگری کتاب «کمال الدین و تمام النعمه» است که به تصریح ایشان در مقدمه کتاب، آن را به توصیه امام زمان در مورد ایشان، به رشته تحریر در آورده است.

۱. فرزند دیگرش حسین، در قم و کنار پدر دفن شده است.

۲. نجاشی، رجال، ص ۲۶۱.

۱۱۹. سلاح شک

در کمین نشستہ تا یقینمان را بر باید و جایش را با شک پر کند! اما چگونه؟ با نشان دادن یک امر خیالی، اما جذاب و باب میل نفس.

«و گفتیم: «ای آدم! تو با همسرت در بهشت سکونت کن و از (نعمتهای) آن، از هر جا می خواهید، گوارا بخورید (اما) نزدیک این درخت نشوید.»^۱ شیطان چگونه این یقین را دزدید؟! انسان دوست ندارد درجا بزند؛ می خواهد ارتقا پیدا کند. از طرف دیگر نمی خواهد نعمتی که دارد را از دست بدهد؛ شیطان از همین روزنه وارد شد، گفت: «پروردگارتان شما را از این درخت نهی نکرده مگر به خاطر اینکه (اگر از آن بخورید،) فرشته خواهید شد، یا جاودانه (در بهشت) خواهید ماند!»^۲ اگر از این میوه بخورید به هردو می رسید و شد آن چه که شد.

آن چه که می توانست پدر و مادرمان را حفظ کند اعتماد به خدا بود که آن ارتقا و بهره مندی از نعمتهایش، در گرو اطاعت از اوست و این تنها راه است. نسخه های دیگر سراب است و توهم.

این شیطان جایی نرفته است و نیرومندتر و با تجربه تر در کمین ما نشستہ است. رسول خدا ﷺ فرمود: قسم به خدایی که مرا به نبوت برانگیخت؛ «قائم» از فرزندانم غائب خواهد شد. اگر در آن زمان بودید محکم دینتان را حفظ کنید و مراقب وسوسه شیطان باشید؛ مبادا با شک (در وجود امامتان) دینتان را از شما بگیرد؛ همان دشمنی که قبلا پدر و مادرتان را از بهشت بیرون کرد.^۳

آری، طولانی شدن غیبت و وسوسه خناسان و شبهات مهدی ستیزان زمینه را برای شیطان هموار می کند تا این اعتقاد را از ما بگیرد؛ آن چه ما را در دوران غیبت حفظ می کند اعتماد به خدا و وعده های اوست: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»^۴.

۱. بقره، ۳۵.

۲. اعراف، ۲۰.

۳. منتخب الاثر، ج ۲، ص ۲۵۶.

۴. بقره، ۳.

۱۲۰. سلاح حاشیه به جای اصل

طرح و برنامه دارد؛ برای هر جنسی، هر شغلی، هر سنی، و هر زمان و مکانی برنامه خاص خود را دارد تا بهتر بتواند به هدفش برسد؛ یکی از مهم‌ترین شگردهایش مشغول کردن به حواشی است تا در نتیجه اصل فراموش شود.

جمع توشه برای دنیا به جای تهیه توشه برای آخرت. (کدام اصل است و کدام فرع؟) امام علی علیه السلام فرمودند: «وَالْبَصِيرُ مِنْهَا مُتَزَوِّدٌ وَالْأَعْمَى لَهَا مُتَزَوِّدٌ؛ انسانِ بینا از دنیا توشه برمی‌دارد و انسان کور، برای دنیا»^۱.

توجه به دیگران به جای توجه به خداوند.

قرآن این گونه گلایه می‌کند که آیا وقت آن نرسیده است که دل‌هایشان برای یاد خداوند و آن چه که از طرف او نازل شده است نرم و خاشع شود.^۲

شناخت دنیا به جای شناخت خالق دنیا.

امام حسین علیه السلام فرمود: خداوند بندگانش را نیافرید، مگر برای این که او را بشناسند ... شخصی سؤال کرد: چگونه می‌توان خدا را شناخت؟ حضرت فرمودند: «مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَحِبُّ عَلَيْهِمْ طَاعَتَهُ»^۳.

و برترین توشه برای آخرت، و تنها راه جلب رضایت و خوشنودی خداوند و یگانه راه شناخت خداوند، شناخت امام زمان و همرنگی با اوست. این مسیر؛ یعنی مأموم امام زمان شدن ما را به تمام خواسته‌ها و اهداف بلند انسانی می‌رساند و تمام سعی شیطان این است که ما را از یاد و توجه به این اصل باز دارد؛ به دو جهت:

۱. تمام سعیش این است راه بندگی را طی نکنیم تا مثل خودش سقوط کنیم: «لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ»^۴.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳.

۲. حدید، ۱۶.

۳. علل الشرایع، ج ۱، ص ۹.

۴. اعراف، ۱۶.

۲. ظهور امام زمان به منزله نابودی اوست، لذا با تمام توان سعی در به تأخیر انداختن آن دارد: «فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»^۱.

۱. حجر، ۳۷ و ۳۸.

۱۲۱. سلاح بدل به جای اصل

شیوه دیرینه اش بود و منتظر فرصت! حضرت موسی بنا بود بعد از سی روز بیاید، ولی خبری از آمدنش نیست! تمام هنر خود را به کار گرفت «پس برای آنان پیکر گوساله ای که صدایی داشت بیرون آورد، و او و پیروانش [گفتند: این خدای شما و خدای موسی است، و [پیمان خدا را] فراموش کرد.»^۱

مگر نه این است که روزی خداوند از طریق درخت با حضرت موسی سخن گفت؟ امروز از راه این گوساله با شما سخن می گوید!

و این چنین همه فریب خوردند و به جای اعتماد به خدا و رسول خدا و اطاعت از حضرت هارون، به سامری و گوساله اش دل سپردند.

مژده آمدن دادگستر جهان، موعود امم، بقیة الله الاعظم، حضرت مهدی عجل الله فرجه موجی از امید را در میان امت اسلام به وجود آورده بود. آری، او می آید و ریشه ظلم و ظالمان را می کند و عدالت و عبودیت و بندگی خالصانه خدا را در سراسر گیتی حاکم خواهد کرد.

این حقیقت، از طرفی شیطان را به شدت به خشم آورده و از طرف دیگر مستکبران را به هراس انداخته است؛ نمی شود دست روی دست گذاشت و نابودی خود را به نظاره نشست؛ چه کنیم؟!

این دو، دست به دست هم داده و پروژه ای را که در طول تاریخ هر کجا استفاده شده نتیجه بخش بوده است را کلید زدند؛ پروژه بدل سازی!

ادعای مهدویت! و مجهز کردن آنان به قدرت هایی مثل خبر دادن از بعضی از امور، انجام کارهای به ظاهر مشابه کار انبیاء! با استفاده از علوم غریبه و استفاده از جهل مردم و تکیه بر احساسات...

روزی «سید علی محمد باب شیرازی» در ایران و «غلام احمد قادیانی» در هند و

«مهدی سودانی» در سودان و امروز هم به تنوع این ادعاها افزوده شده و ادعای بنوّت و فرزند حضرت مهدی بودن، ادعای یمانی بودن، ادعای ارتباط و ادعای همسری و... . کمترین اثر این ادعاها ایجاد شک و تردید در نسخه اصل است و سست کردن پایه‌های اعتقادی مردم تا «خسر الدنیا و الاخره» کردن عاشقانی که پایه انتظارشان بر احساسات است و هیچ بهره‌ای از معرفت و آگاهی ندارند و نه اهل تعقلند و نه پیرو عاقلان و علمای ربانی و متخصصان این امر: «لَا لِأَمْرِ اللَّهِ تَعْقُلُونَ، وَلَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبَلُونَ».

و قرآن نسبت به این شگرد شیاطین هشدار می‌دهد و عاقبت شومشان را گوشزد می‌نماید:

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا... وَ لَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ...»^۱

هلا، ای منتظران! مراقب شیطنت‌های دشمنان باشیم و با تعقل و دنباله روی از «ولیی فقیه زمان» و سایر علمای ربانی، نقشه‌های شوم مهدی ستیزان را نقش بر آب کنیم و با شناخت معیارهای موعود راستین، نسخه اصل را با نسخه‌های بدلی اشتباه نگیریم.

«رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا...».

۱. انعام، ۹۳.

۱۲۲. سلاح تحریف

قسم خورده سدّ راه بندگی شود! «قال فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ». ' به خداوند گفتم: «به عزّتت سوگند، همه آنان را گمراه خواهم کرد».

با تجدید بنای قبله موحدان، توسط ابراهیم خلیل و اسماعیلش، کار مشکل شد! کعبه پایگاه توحید و محور وحدت موحدان شد؛ باید کاری کرد؛ اصل آن را که نمی توانم از بین ببرم، پس باید کارکرد آن را تغییر دهم.

با مقدس جلوه دادن بت ها به عنوان واسطه بین ما و خدا، کم کم بت پرستی را رواج داده و درون و برون کعبه را پر از بت کنم تا در واقع دور بت بچرخند.

قرآنی هم که نازل شد کارم را مشکل کرد، اما این را هم بلدم چه کنم؛ می گویم فقط بخوانید که ثواب زیادی دارد و کاری به فهم و تفسیرش نداشته باشند تا مانعی بر سر رسیدن به هدفم نباشد.

اما با این یکی چه کنم؟ انتظار امامی که می آید و عالم را اصلاح می کند واقعا کشنده است! این امید مشکل ساز است؛ باید از همان شیوه تحریف استفاده کنم.

راستی مگر بارها نشنیده اید که او وقتی می آید که دنیا پر از ظلم شده باشد! مگر نمی خواهید زودتر بیاید؟ پس گناه کنیم تا او زودتر بیاید؛ انقلاب اسلامی و امر به معروف و امثال این ها مانع ظهور است! بهترین کمک به تسریع در ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشاعه فساد است؛ اینجاست که گناه، هم فال می شود و هم تماشا! همان چیزی که من دنبالش هستم بهتر از این نمی شود....

بله، ای منتظران! اگر دچار بیماری غفلت شویم این چنین دشمنان با حربه تحریف حق را از درون تهی می کنند و آسیب می زنند.

پس لازم است با معیار قرار دادن قرآن و عترت عليه السلام و پیروی از علمای ربانی، از مسیر حق منحرف نشویم و مراقب باشیم در دام تحریف نیفتیم.

۱۲۳. سلاح تفرقه

از مهم‌ترین توصیه‌های دین اسلام، وحدت و همدلی است؛ این امر تا آنجا اهمیت دارد که اگر مسجد، عامل تفرقه شد مسجد ضرار است و باید ویران شود و ارزش اتحاد به حدی است که وقتی حضرت موسی به برادرش هارون گفت: چرا گذاشتی مردم دنبال سامری بروند و کاری نکردی؟ گفت: «إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ لَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي؛ من ترسیدم بگویی: میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی و سخنم را مراعات نکردی». و یکی از اسرار تأکید بر شرکت در نماز جمعه و جماعات همین است.

و از بزرگترین عوامل توفیق شیطان در ضربه زدن به حق، تفرقه بوده است؛ از طریق پروژه‌های دین و مذهب تراشی و فرقه‌سازی، قومیت‌ها، جناح‌بندی‌های سیاسی و...

یکی از شرایط ظهور، همین اتحاد و همدلی میان پیروان حق است، لذا سعی دشمنان این است که با تمام توان خود بر تفرقه دامن بزنند تا مانع تحقق آن شوند. در توقیعی، امام زمان علیه السلام می‌فرمایند:

اگر شیعیان ما - که خداوند آنان را برای پیروی از خداوند موفق بدارد - حقیقتاً از روی صداقت، نسبت به عهد و پیمانی که (خداوند) برای ما از آنان گرفته است متحد و یک‌دل بودند برکت دیدار ما به تأخیر نمی‌افتاد و در سعادت دیدار ما (ظهور) شتاب صورت می‌گرفت.^۲

توصیه مکرر امام راحل نیز این بود که:

شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او؛ و فراهم کردن (یعنی) اینکه مسلمین را با

۱. طه، ۹۴.

۲. «وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَقَفَّهِمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمِينُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلْتُ لَهُمُ السَّعَادَةَ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَ صِدْقِهَا مِنْهُمْ» (احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۹).

هم مجتمع کنید. همه با هم بشوید. ان شاء الله ظهور می کند ایشان.^۱
 همیشه و همه جا وحدت حول محور ولایت را از مهم ترین وظیفه خود بدانیم.

۱. صحیفه امام خمینی علیه السلام، ج ۱۸، ص ۲۶۹.



۱۲۴. سلاح تخویف (ترساندن)

این نیز سلاح دیرینه‌ای است! بارها به کار گرفته شده و خسارت‌های جبران‌ناپذیری وارد کرده است! با نگاهی گذرا به تاریخ، این حقیقت برایمان روشن‌تر خواهد شد. هنگامی که سپاهیان «طالوت» با سپاه به ظاهر مقتدر «جالوت» روبرو شدند، عده‌ای که ایمان قوی نداشتند گفتند: «امروز ما را یارای [مقابله با] جالوت و سپاهیانش نیست». (اما) کسانی که به دیدار خداوند یقین داشتند، گفتند: «بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار، به اذن خدا پیروز شدند، و خداوند با صابران است».^۱

اما خداوند با نوجوانی ۱۳ ساله آنان را شکست داد تا به دسته اول بفهماند اگر با خدا باشید خدا با شماست: «پس آنان را به اذن خدا شکست دادند، و داوود، جالوت را کشت».^۲

ابوسفیان که پس از جنگ احد در منطقه «حمراء الاسد» اردو زده بود خواست مجدداً به مدینه حمله کند، اما وقتی خبر آمادگی کامل سپاه اسلام را شنید که به سوی آنان می‌آیند ترسید و برای این که فرصت برای فرار داشته باشد از طریق کاروانی که عازم مدینه بود پیغام فرستاد که «مردمان (سپاه ابوسفیان) برای [جنگ با] شما گرد آمده‌اند. پس، از آن بترسید. [ولی این سخن] برایمانشان (سپاهیان با ایمان رسول خدا) افزود و گفتند: خدا ما را بس است و نیکو حمایتگری است».^۳

غاصبان ولایت با ترساندن مردم بردنیایشان، آنان را از غدیر به سوی سقیفه بردند. زهرای شهیده علیها السلام در خطبه‌اش فرمود: «زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ» می‌گوئید (اگر علی بیاید) فتنه و جنگ به پا می‌شود؟! شما خود عین فتنه‌اید!

ابن زیاد نیز با ترساندن مردم کوفه از سپاه خیالی شام، توانست ۳۰۰۰۰ نفر از آنان را برای جنگ با امام حسین علیه السلام بسیج کند!

۱. بقره، ۲۴۹.

۲. بقره، ۲۵۱.

۳. آل عمران، ۱۷۳.

بله، این هشدار قرآن است که می فرماید:

﴿إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَ خَافُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾.

در واقع، این شیطان است که دوستانش را می ترساند، پس اگر مؤمنید از آنان مترسید و از من بترسید.

و بر اساس روایات، شیطان هنگام ظهور با همین سلاح، تمام توان خود را به کار می گیرد تا مردم را از امام مهدی علیه السلام جدا سازد.

﴿فَلَا تَخَافُوهُمْ وَ خَافُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾

۱۲۵. سلاح دَجَل

«دَجَل» به معنای پوشاندن و دروغ و نیرنگ و فریب است و کسی را که حرفه اش چنین کاری باشد «دَجَال» می نامند؛ ماهیت دجال را دو امر تشکیل می دهد:

باطل جلوه دادن حق و حق نشان دادن باطل!

امام علی علیه السلام می فرماید: اگر باطل به طور خالص ارائه می شد هیچ نگرانی نبود (چرا که هیچ عاقلی آن را اختیار نمی نمود) و اگر حق خالص ارائه می شد هیچ اختلافی باقی نمی ماند؛ اما مقداری از این و قدری از آن را برداشته و درهم می آمیزند. اینجاست که شیطان به سوی پیروان خود می شتابد و فقط کسانی که از طرف خداوند نیکی برایشان سبقت گرفته (اهل بصیرت) رهایی می یابند.^۱

در واقع هنر دجال یا همان تئورسین جبهه باطل، این است که ترکیبی از سلاح هایی که در شماره های قبل اشاره شد را به کار می گیرد؛ عمده کار او در حوزه جنگ نرم است و از طریق فیلم، لوازم التحریر، لباس (فرهنگ برهنگی)، فرهنگ و سبک زندگی را در جهت خواسته خودش تغییر می دهد؛ با ایجاد شک و تفرقه و تحریف حقایق، قدرت جبهه ایمان را تضعیف کرده و در مرحله بعد با ترساندن آنان بر دنیایشان و نسبت به قدرت پوشالی خود و با حاشیه سازی، آنان را از هدف اصلیشان غافل می کند؛ با شایعه و دروغ، مردم را نسبت به رهبرشان، بدبین و از طرف دیگر خود را فریادرس و حلال مشکلات، معرفی می کند.

امام مهدی را پادشاه وحشت و خود را دایه مهربان تر از مادر، نشان می دهد. نتیجه این که پیوسته در برابر جریان حق، دجالی وجود داشته، اما بر اساس روایات، گسترده ترین برنامه انحرافی دجال در آخرالزمان شکل می گیرد و موجبات گمراهی بسیاری را فراهم می آورد.

مهم ترین سلاح مقابله با او، تقویت ایمان است و بصیرت و بصیرت و بصیرت.

۱. کافی، ج ۱، ص ۵۴، کتاب فضل العلم، باب البدع و الرأی، ح ۱.

۱۲۶. بزرگ‌الگوی منتظران

ثروتی عظیم داشت، اما حلال؛ با موقعیتی کم نظیر و خواستگاران از شخصیت‌های معروف آن زمان؛ در عین حال، جوانی یتیم و به ظاهر فقیر را به خاطر صداقت و امانت‌دار بودن و کرامت نفسانیش، به عنوان همسر می‌پذیرد.

وقتی به خانه‌اش می‌آید با نهایت ادب، اختیار تمام دارائیش را به او می‌سپارد تا در مسیر اعتلای کلمه توحید و انتشار اسلام و نجات مظلومان هزینه شود؛ جان خود را سپربلای رسول خدا ﷺ می‌کند و از هیچ کمکی مضایقه نمی‌کند.

یکی از چهار زن برتر بهشتی است؛ خدای علیّ اعلا جبرئیلش را می‌فرستد تا از طریق رسولش سلام او را به خدیجه برساند و از همه مهم‌تر، افتخار مادری صدیقه طاهره، زهرای شهیده علیها السلام را پیدا می‌کند.

اما این همه مقام و منزلت به خاطر چیست؟ رمز عظمتش یک کلمه است. او «اَوَّلَ الْمُؤْمِنَاتِ» است؛ خط شکن است؛ به بیان رسول خدا ﷺ «صَدَّقْتَنِي إِذْ كَذَّبْتُمْ وَ أَمَنْتُ بِي إِذْ كَفَرْتُمْ؛ او مرا پذیرفت آن‌گاه که همه مرا تکذیب می‌کردند و به من ایمان آورد زمانی که همه کفر می‌ورزیدند»^۱.

وقتی فتح مکه صورت گرفت، فوج فوج ایمان می‌آوردند. این خوب بود، اما هنرنبود؛ در اسلام خط شکن بودن هنر است. به همین جهت فضیلت کسی که در صف اول نماز جماعت می‌ایستد هرگز قابل مقایسه با دیگران نیست و ارزش چادر در این است که خط مقدم محافظت از حُجُب و حیاست و تجلیل از آسیه خاتون علیها السلام نیز به همین نکته برمی‌گردد که خط شکن در ایمان بود.

و به همین میزان خط شکن در کفر و ظلم و گناه بودن نیز مذموم است و جایز در انتهای جهنم است. «اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ».

مهم‌ترین درسی که منتظران ظهور از بزرگ بانوی مکه می‌گیرند این است که در کار خیر و دریاری «ولی خدا» چون خدیجه کبرا علیها السلام با آبرو و تمام هنر و توانایی و مال و جان‌شان، خط شکن باشند و پیشگام.

۱۲۷. چقدر تفاوت

ملتی بودند که امام و حجت خداوند، میانشان بود. او را می دیدند، ولی حرفش را گوش نمی کردند و در اثر قدرشناسی آنان، کار به جایی می رسد که امامشان این چنین دردهای خود را بیان کند: «... رهبر شما خدای را اطاعت می کند و شما با او مخالفت می ورزید، اما زمامدار اهل شام خدای را معصیت می کند و آن ها وی را اطاعت می نمایند. به خدا سوگند دوست دارم معاویه شما را با نفرات خود مبادله کند، همچون مبادله کردن دینار به درهم؛ ده نفر از شما را بگیرد و یک نفر از آنها را به من بدهد... به اندرزهای رسا شما را موعظه می کنم، به پراکندگی می گزینید؛ به مبارزه با سرکشان ترغیبتان می کنم، هنوز سخنانم به آخر نرسیده می بینم همچون قوم سبا پراکنده می شوید».^۱

ملتی دیگر سراغ دارم با این که امام زمانشان غائب است و او را ندیده اند، اما (بر اساس برهان های عقلی و نقلی) با تمام وجود او را باور دارند و در انتظارش به سر می برند و یاد امامشان و تلاش در جهت همرنگی با او و عمل به توصیه ها و فراهم کردن زمینه های ظهورش در قلب و زبان و رفتارشان تالو دارد و در فراقش می سوزند؛ آفرین و هزار آفرین بر چنین امتی!

۴۰ سال است استوار و گوش به فرمان ولی فقیه به سمت ظهور به پیش می روند. این کلام آقا و مولایمان امیر المؤمنین است که می فرماید: «بار الها! پیوسته حاجتی از سوی تو برای آفریدگانت وجود دارد... که» «إِمَّا ظَاهِرٍ لَيْسَ بِالْمُطَاعِ؛ يَا أَشْكَارَ اسْتَ وَلِي (قدرش را نمی شناسند و) اطاعت نمی شود»؛ «أَوْ مُكْتَمٍ مُتْرَقِبٍ (يُتْرَقَّبُ) إِنْ غَابَ عَنِ النَّاسِ شَخْصُهُ فِي حَالِ هِدَايَتِهِمْ فَإِنَّ عِلْمَهُ وَآدَابَهُ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ مُثَبَّتَةٌ فَهُمْ بِهَا عَامِلُونَ؛ يَا غَائِبَ اسْتَ و (مردم) در انتظارش به سر می برند؛ اگر شخص او در عین حال هدایت، غائب است، ولی آگاهی و شناخت نسبت به او و آدابش (سیره اش) در دل های مؤمنان، ثابت و پایدار است و طبق آن آداب، عمل می کنند».^۲

۱. نهج البلاغه، خطبه ۹۷.

۲. منتخب الأثر، ج ۲، ص ۲۷۱ به نقل از کمال الدین، ج ۱، ص ۳۰۲، باب ۲۶، ح ۱۱.

۱۲۸. تا بدانید خدا خداست.

اگر سال قمری که در آن قرار داریم را منهای سال ۲۵۵ کنیم عمر حضرت مهدی به دست می‌آید. (۱۱۸۶ = ۲۵۵ - ۱۴۴۱) آیا چنین عمر طولانی امکان پذیر است؟! از منظر تاریخ زندگی انسان، تا کنون افراد متعددی دارای عمرهای طولانی بوده‌اند و کتاب و مقالات متعددی با موضوع «مُعَمَّرین» نوشته شده است. از منظر دینی در مورد اصل امکان عمر طولانی قرآن می‌فرماید:

«اگر حضرت یونس به تسبیح خداوند نمی‌پرداخت، تا قیامت در شکم نهنگ می‌ماند».^۱

که طبعاً لازم بود این نهنگ نیز تا قیامت زنده بماند؛ و غذای عزیز نبی صد سال ترو تازه ماند،^۲ یعنی ۵۲۰۰ برابر عمر طبیعی‌اش! و یک بخش از حیات حضرت نوح را (دوران تبلیغ تا قبل از طوفان) ۹۵۰ سال ذکر می‌کند.^۳

از نظر علم پزشکی، عمر طولانی برای انسان، امری ناممکن تلقی نمی‌شود و تحقیقات گسترده‌ای در زمینه افزایش عمر انسان در حال انجام است.

نکته شایان ذکر این است که سال‌ها قبل از تولد ایشان، مسئله غیبت و عمر طولانی و جوان ماندنش، در دهها روایت پیشگویی شده بود و مسئله پر کردن عالم از عدل و داد، شگفت‌انگیزتر از عمر طولانی ایشان است.

همچنین موضوع آمدن حضرت عیسی و نماز خواندن پشت سر امام مهدی که مورد اتفاق نظر تمام امت اسلام است، کمتر از این مسئله نیست.

در میان همه این نکات، مطلبی که امام مجتبی علیه السلام بیان کرده‌اند جالب توجه است؛ ایشان می‌فرمایند:

نهمین فرزندِ برادرم، بعد از عمری طولانی در سیمای جوانی کمتر از

۱. صافات، ۱۴۳ و ۱۴۴.

۲. بقره، ۲۵۹.

۳. عنکبوت، ۱۴.

چهل سال ظهور می کند تا بر همگان مشخص شود که خداوند بر هر
کاری تواناست!

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۶، باب ۲۹، ح ۲. نیز نک: منتخب الاثر، ج ۲، ص ۲۷۲.

۱۲۹. آیه اَمَّنْ يُجِيبْ

بارها این صحنه را دیده‌اید که شخصی آمده پیش امام جماعت و گفته: آیه «اَمَّنْ يُجِيبْ» برای شفای بیمارم بخوانید. البته کار خوبی است؛ خداوند همه بیماران را شفاء و همه گرفتاری‌ها را برطرف کند؛ اما آیا می‌دانیم این آیه مربوط به امام زمان است؟! آیا شده تا به حال کسی بیاید و بگوید: یک ختم «اَمَّنْ يُجِيبْ» برای ظهور امام زمان بگیرد!

تنها راه نجات، روی آوردن به ولی خداست و به بیان نورانی امام صادق علیه السلام:
 اِنَّ هٰذَا الْاَمْرَ غَايَةً يَنْتَهِي اِلَيْهَا فَلَوْ قَدْ بَلَغُوْهَا لَمْ يَسْتَقْدِمُوْا سَاعَةً وَّ لَمْ يَسْتَاخِرُوْا؛ برای این امر زمانی است که اگر مردم به آن برسند لحظه‌ای پیش و عقب نخواهد افتاد.

رسیدن به این زمان؛ یعنی همان بلوغ و آگاهی بشر نسبت به تنها راه بودن ولایت و امامت در مسیر تکامل و عزت دنیا و آخرت. این بلوغ و از طرف دیگر اوضاع آشفته عالم و فریاد مظلومان، سبب می‌شود اوضاع به حدی بحرانی گردد که «ولی خدا» مضطرانه، مولای خود را بخواند و امر فرج را خواستار شود. امام صادق علیه السلام فرمودند:

این آیه درباره قائم از آل محمد نازل شده است. او به خدا قسم، مضطر است؛ هنگامی که در مقام (حضرت ابراهیم) دو رکعت نماز می‌خواند و دعا می‌کند و خداوند، گرفتاری را برطرف می‌کند و او را در روی زمین خلیفه قرار می‌دهد.^۲

پس لا اقل هر وقت این آیه شریفه را می‌خوانیم یا می‌شنویم یاد امام زمانمان بیفتیم و در رأس حوائجمان مضطرانه امر فرج را بخواییم: «اَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ اِذَا دَعَاهُ وَّ يَكْشِفُ السُّوءَ».

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۶۹، باب کراهیه التوقیت، ح ۷.

۲. عبد علی عروسی حویزی، تفسیر نورالثقلین، ذیل آیه، ج ۴، ص ۹۴.

۱۳۰. چه حکایت شگفتی!

ساکن بغداد بود؛ به نجف آمد و خمسی را که بر ذمه اش بود به مراجع بزرگ نجف داد و به سمت بغداد برگشت تا مقداری از آن را به یکی از علمای کاظمین بدهد. روز پنج شنبه بود؛ به زیارت امام کاظم و امام جواد مشرف شد؛ پس از زیارت مقداری از خمس را به مرحوم شیخ محمد حسن کاظمینی داد و اجازه گرفت که بقیه را به تدریج بپردازد. می گوید: به سمت بغداد راه افتادم که با سید جلیل القدری روبرو شدم؛ به من سلام کرد و مرا در آغوش گرفت و فرمود: حاج علی! خیر؛ کجا می روی؟ برگرد برویم زیارت. گفتم: امکانش نیست! فرمود: چرا هست؛ شب جمعه است بیا برویم تا گواهی دهم که تو از شیعیان جدم امیر المؤمنین و از شیعیان ما هستی. عرض کردم: شما از کجا مرا می شناسید که بخواهید گواهی بدهید؟ فرمودند: چگونه می شود کسی که حق ما را می پردازد، نشناسیم؟! گفتم: چه حقی؟ فرمود: همان را که به وکیل ما شیخ محمد حسن دادی و بخشی را نیز به وکلای ما در نجف دادی.

پس به سمت کاظمین برگشتیم در حالی که دستم در دست ایشان بود؛ در طول مسیر سؤالاتی را از او پرسیدم و جواب گرفتم. به حرم رسیدیم؛ زیارت خواند و من تکرار می کردم. در سلام به ائمه علیهم السلام وقتی به امام دوازدهم رسید فرمود: امام زمانت را می شناسی؟ عرض کردم: چگونه نشناسم؟! فرمود: سلام کن. گفتم: السلام علیک یا حجة الله، یا صاحب الزمان! تبسمی کرد و فرمود: علیک السلام و رحمة الله. داخل حرم هم زیارت خواندیم و زیارت امام حسین علیه السلام را هم خواند؛ وقت نماز شد، به من فرمود: نماز زیارت را بخوان و ملحق شوبه جماعت.

و بعد نماز دیگر هر چه گشتم او را ندیدم! بله، حاج علی بغدادی با تامل در آن چه

۱. مفاتیح الجنان، مرحوم شیخ عباس قمی، به نقل از جنة المأوی و النجم الثاقب.

که براو گذشته بود تازه متوجه شد که شخصیتی که افتخار دیدار و همراهیش نصیبش شده بود کسی نبود جز صاحب العصر و الزمان.
بله، چگونه می شود کسی که حق ما را می پردازد نشناسیم؟!



۱۳۱. ارزش عبادت در دوران غیبت امام.

عمار سباطی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: عبادت پنهانی در دوران غیبت امام که قدرت در دست ظالمان است با فضیلت تراست یا در زمانی که حق ظاهر شده و قدرت در دست امام است؟

حضرت فرمودند: (نقل به مضمون) به خدا قسم عبادت شما در دوران غیبت امام و حاکمیت باطل و ترس و نگرانی شما از ظالمان، با فضیلت تراست از کسی که در دوران ظهور عبادت می کند؛ عبادت امروز شما چندین برابر عبادت در دوران ظهور فضیلت دارد.

عمار گفت: فدایتان شوم با این سخن شما، تشویق به عبادت شدم، اما علت این برتری چیست؟ فرمودند: وقتی شما در دوران غیبت، مطیع و فرمانبردار او و منتظر ظهور باشید و ترسان نسبت به ظلم ظالمان و به خاطر سختی هایی که در به دست آوردن روزی می کشید؛ بدین جهت خداوند پاداش چندین برابر به شما می دهد.

گفتم: حالا که اعمال ما در این زمان با فضیلت تراست دیگر آرزو نمی کنم زمان ظهور باشم. حضرت فرمودند: «سُبْحَانَ اللَّهِ أَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يُظْهِرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْحَقَّ وَالْعَدْلَ فِي الْبِلَادِ؛ سُبْحَانَ اللَّهِ! دوست ندارید حق و عدالت در همه جا حاکم شود؟»؛ همه با هم متحد شوند؟ کینه ها از بین برود و هیچ گناهی صورت نگیرد؟

ای عمار! مژده باد بر شما که اجر و پاداشتان با این حالتی که دارید (منتظر حاکمیت عدل الهی) از بسیاری از شهدای بدر و احد بالاتر است.

خوش به حال آنان که پیوسته عزت و اعتلای حق را در نظر می گیرند نه خود را و حاضرند جان و مال و آبرو همه هستیشان را فدا کنند تا حق عزیزتر شود.

۱. منتخب الاثر، ج ۳، ص ۲۰۸.

۱۳۲. بسان بدر

ماجرای شگفت‌انگیز جنگ بدر را شنیده‌اید؛ جنگی نامتقارن! سپاه دشمن حدود ۱۰۰۰ نفر؛ سپاه اسلام ۳۱۳ نفر با کمترین امکانات؛ در ۱۷ ماه مبارک رمضان با هم مواجه شدند. با معیارهای مادی هیچ شکی در شکست سپاه اسلام وجود نداشت، اما با کمال تعجب، دشمن با ۷۰ کشته و همین تعداد اسیر، فرار را برقرار ترجیح داد. این در حالی بود که مسلمانان فقط ۱۴ شهید دادند.

اما یک سال بعد سپاه اسلام در جنگ احد شکست خورد! رمز آن پیروزی و علت این شکست چه بود؟

مردم در جنگ بدر، خالصانه با توکل به خدا به میدان آمدند. خداوند نیز نصرت و امداد غیبی خود را از آسمان و زمین شامل حالشان ساخت؛ یاری چندین هزار فرشته، رعب و وحشتی که در دل دشمن افتاد، بارانی که بارید و به نفع سپاه اسلام و به ضرر دشمن شد (سپاه اسلام در جای بلندتری مستقر بود؛ باران، رمل‌ها را شست و سیلی از گل و لای را به سمت دشمن برد): «خداوند شما را در «بدر» یاری کرد (و بردشمنان خطرناک، پیروز ساخت) در حالی که شما (نسبت به آنها)، ناتوان بودید».^۱

ولی در جنگ احد حرف رسول خدا ﷺ را گوش ندادند و...

بله، این وعده خداست که «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»^۲ و فرمود: «سست نشوید! و غمگین نگردید! و شما برترید اگر ایمان داشته باشید!».^۳

قاعده ظهور نیز همین است؛ هرگاه مردم با صبر و استقامت آمادگی لازم را از خود نشان دادند و در برابر دشمن کوتاه نیامدند، خداوند اذن ظهور خواهد داد و به دنبال این آمادگی خالصانه، امداد و نصرت الهی از آسمان و زمین شامل مؤمنان خواهد شد و

۱. آل عمران، ۱۲۳.

۲. محمد، ۷.

۳. آل عمران، ۱۳۹.



ریشه ظلم و ظالمان برای همیشه تاریخ، قطع خواهد شد.
مقام معظم رهبری: با هر قدمی در راه استواری انقلاب، یک قدم به ظهور نزدیک تر
می شوید!

۱۳۳. جمکران

شب سه شنبه ۱۷ ماه مبارک رمضان سال ۳۷۲ قمری در منزلم در روستای جمکران خوابیده بودم؛ نیمه شب دیدم در می زنند؛ بیدار شدم و آمدم در را باز کردم. دیدم چند نفر آمده اند و می گویند: مولایت را دریاب. آماده شدم، لباس پوشیدم و با هم به همین محلی که اکنون مسجد است آمدم.

جوانی نشسته بود و در مقابلش پیرمردی بود که کتاب می خواند و حدود ۶۰ نفر دیگر که مشغول نماز و عبادت بودند؛ آن پیرمرد که حضرت خضر بود به من فرمود: بنشین. سپس آن جوان - که صاحب العصر و الزمان بود - فرمود: حسن بن مثله! این زمین باید مسجد شود و به مردم بگو به این جا بیایند و نماز بخوانند؛ دو رکعت نماز تحیت، به این صورت که در هر رکعت، حمد یک مرتبه و سوره قل هو الله ۷ مرتبه و ذکر رکوع و سجود هفت مرتبه؛ سپس دو رکعت دیگر بخوانند، در هر رکعت، در حمد وقتی به آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» رسید این آیه را ۱۰۰ مرتبه تکرار کند و ذکر رکوع و سجود نیز ۷ مرتبه. بعد از نماز یک مرتبه «لا اله الا الله»، سپس تسبیحات حضرت زهرا و بعد ۱۰۰ مرتبه صلوات در سجده؛ کسی که این نماز را این جا بخواند گویا در خانه خدا نماز خوانده است. در ضمن یک بز از گله جعفر کاشانی بخور و فردا شب (شب چهارشنبه) گوشت آن را به بیماران بدهید؛ هر کسی از آن بخورد شفا می یابد.

فردا نزد سید ابوالحسن (در قم) برو و با هم بیایید و برنامه مسجد را پیگیری کنید.^۱ شواهد متعددی بر صحت این خبر وجود دارد و بزرگان و مراجع بزرگ تقلید بر حضور در این مسجد سفارش کرده اند؛ علت شهرت شب های چهارشنبه شاید به خاطر این باشد که اولین اجتماع مردم در این محل، شب چهارشنبه بوده است.

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۳۱، با تلخیص و نقل به مضمون.

۱۳۴. شب قدر و قدر انسان

شب قدر، شب تقدیرِ مقدرات انسان است؛ شبی که در هر سال هست و امرِ سال در این شب نازل می‌شود.^۱

به راستی تقدیر برنامه‌های انسان به چه معناست؟ نقش اراده و اختیار انسان چه خواهد شد؟ و چرا یک شب به عنوان شب تقدیر تعیین شده است؟ و نهایتاً این که چگونه و چرا این شب از هزار شب برتر است؟

آن چه که در شب قدر برای انسان مقدر می‌شود بر اساس عملکرد گذشته و کاشته‌های قبلیش می‌باشد؛ یکی از اسرار تاکید بر احیاء شب قدر نیز همین است که در این شب با تضرع و انابه و جبران غفلت‌ها و کوتاهی‌های گذشته، و با توسل به آبرومندان درگاه الهی و استغاثه به خان کرم و رحمتش، تلاش نماییم از تبعات منفی کردار نادرستمان کاسته و فیض و رحمت بیشتری نصیبمان گردد.

از مهم‌ترین موضوعاتی که به توصیه قرآن لازم است حساسیت ویژه‌ای نسبت به آن داشته باشیم خودشناسی است؛ اگر همه هستی در اختیار انسان قرار داده شده و همه نعمت‌های پیدا و پنهان الهی به پای او ریخته شده، پس ما برای چه آفریده شده‌ایم؟ به عبارت دیگر «قدر و اندازه انسان» تا کجاست؟ اگر قدر و اندازه خود را یافتیم؛ آنگاه شب قدر و حقیقت بزرگی که در این شب واقع خواهد شد را قدر خواهیم دانست و جایگاه امام زمان علیه السلام و سر وجودش و ضرورت توسل به ذیل عنایتش برایمان روشن می‌شود.

بلی، این چنین، انسان با «قرآن»، «شب قدر» و «امام زمان» پیوند می‌خورد و در پرتو ایمان و عمل بر طبق آن، می‌تواند یک شب را بهتر از هزار شب بگرداند.

۱. کافی، ج ۱، ص ۵۳۲.

۱۳۵. فاطمه زهرا و شب قدر

در روستای غریض کنار مدینه، مردی نصرانی آمده بود محضر مبارک آقا موسی بن جعفر علیه السلام؛ سؤالات متعددی پرسید، از جمله این که از کتابی که بر حضرت محمد نازل شد و تفسیر باطنی این آیات برایم بگوئید: «حم. وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ. إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ»^۱.

حضرت فرمودند: «حم» محمد است و «الْكِتَابِ الْمُبِينِ» امیر المؤمنین و «لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ» فاطمه است.^۲ (یعنی شب قدر، فاطمه است) دلیل این مطلب را در بیان نورانی امام صادق علیه السلام می بینیم که فرمودند: آن کسی که حقیقتاً حضرت فاطمه را بشناسد شب قدر را می تواند درک کند و همانا فاطمه را فاطمه نامیدند، زیرا مخلوقات از شناخت (کامل) او عاجزند.^۳

«باری، قدر و منزلت فاطمه برای مردمان، نهان است؛ به همان سان که عظمت شب قدر برای ایشان پنهان است. به دیگر سخن، معرفت حقیقی فاطمه، همان قدر در اوج و دست نیافتنی است که ادراک شب قدر. لیلۃ القدر، ظرف نزول قرآن صامت است و فاطمه، ظرف نزول یازده قرآن ناطق؛ انسان های به تکامل و فعلیت رسیده، قرآن ناطقند و این فاطمه است که ظهور یازده کلام الله ناطق گردیده است».^۴

شب قدر، شب قرآن صامت و شب قرآن ناطق امام زمان است؛ اگر کسی با تمام وجود درس یاری امام زمان را با جان و مال و تمام هستی خود از صدیقه شهیده فرا بگیرد، شب قدر را درک کرده است و می تواند ره صد ساله را یک شبه طی کند و قرآن چه زیبا فرمود: «خداوند به کسی که بخواهد (ظرفیت و قابلیتش را در خودش ایجاد کند) حکمت می دهد و کسی که حکمت به او داده شود، قطعاً خیر کثیر به او داده

۱. سوره دخان.

۲. کافی، ج ۱، ص ۴۷۹، کتاب الحجة، باب مولد موسی بن جعفر.

۳. تفسیر فرات کوفی، ذیل سوره قدر.

۴. جامی از زلال کوثر، فصل یکم، آیت الله محمد تقی مصباح یزدی.

شده است»^۱.

و خیر کثیر؛ یعنی کوثر. امام صادق علیه السلام می فرماید: «مراد از این حکمت، اطاعت خداوند و شناخت امام است»^۲. اگر این شناخت و نحوه یاری امام را از زهرای مرضیه علیها السلام یاد گرفتیم، به کوثر دست یافته ایم.

۱. بقره، ۲۶۹.

۲. کافی، ج ۱، ص ۱۸۵، کتاب الحجّة، باب معرفة الامام.

ضمیمه

ادامه موضوع القاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که در بخش مقدمه گذشت
«خاتم الاوصیاء»

همانگونه که با بعثت رسول الله الاعظم، باب نبوت بسته شد و او خاتم الانبیاء و المرسلین شد با وصایت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز باب وصایت و جانشینی بسته شد و او خاتم الاوصیاء گردید و همانگونه که پس از ایشان هر ادعایی مبنی بر نبوت، محکوم به بطلان است؛ هر ادعایی مبنی بر امامت و جانشینی رسول خدا نیز کذب است و افتراء و محکوم به بطلان.

«ماء معین»

«ماء»؛ یعنی آب و «معین»؛ یعنی جاری (اگر از ریشه معن باشد) و ظاهر و نمایان یا چشمگیر و زلال و ناب (اگر از ریشه عین باشد).

امام و حجت الهی و علم سرشاری که اتصال به عالم غیب دارد را به آب تشبیه کرده‌اند و او را «ماء معین» می‌نامند، لذا امام محمد باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف در ترسیم وضعیت پس از رحلت رسول خداوند فرمودند:

يَمْضُونَ الثَّمَادَ وَيَدْعُونَ النَّهْرَ الْعَظِيمَ؛ مردم (برای رفع عطش و نیازشان) بازحمت آب چاله‌ای را می‌مکنند و نهر عظیم و خروشان (علم الهی اهل بیت) را رها کرده‌اند.^۱

و همین قدرشناسی و در نتیجه قدرت گرفتن ظالمان کار را به جایی رساند که وقتی نوبت به آخرین ایشان رسید چاره‌ای جز غیبتش نبود و این «ماء معین» شد «ماء غور» و از دسترس خارج گردید و به عبارت روشن‌تر، غائب گردید.

بله، این لقب از آیه آخر سوره مُلک گرفته شده و روایات متعددی در تفاسیر روایی ذیل این آیه، این معنا را تبیین کرده است.^۲

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۲۲، کتاب الحجّة، باب ان الائمة ورثة العلم، ح ۶.

۲. تفسیر البرهان، ج ۵، ص ۴۴۸، ذیل آیه و سایر تفاسیر روایی. نیز نک: همین کتاب، دُر و یاقوت

«منتظر»

انتظار؛ یعنی چشم به راه بودن و چنین کسی را «منتظر» و آن کسی را که چشم به راه اویند «منتظر» می‌نامند. راوی از امام جواد سؤال کرد چرا ایشان را منتظر می‌نامند؟ حضرت فرمودند: زیرا برای ایشان غیبتی است که زمانش به طول می‌انجامد، پس مخلصان چشم به راه ظهور و قیامش خواهند بود و اهل شک و تردید او را انکار و منکران یاد او را به تمسخر می‌گیرند و تعیین کنندگان وقت (برای ظهور) دروغ می‌گویند و شتاب کنندگان هلاک و تنها افرادی که تسلیم (فرمان الهی و وظیفه گرا) باشند نجات خواهند یافت.^۱

«حجة الله»

حجة الله؛ یعنی دلیل و برهان روشن الهی.

وقتی خداوند حکیم برای هدایت و تکامل انسان، انسان کامل و معصومی قرار داده که شاخص و معیار حق و باطل است؛ با این کار نعمت را بر همه تمام کرده است و خداوند با کسانی که نسبت به آن، کفران نعمت کرده باشند، احتجاج می‌کند. داوود بن قاسم می‌گوید از امام هادی شنیدم که فرمودند: جانشین بعد از من (فرزندم) امام حسن است و چگونه خواهید بود به جانشین جانشینم؟ عرض کردم: فدایتان شوم به چه جهت؟ فرمودند: چون شخص او را نمی‌بینید (غائب خواهد شد) و تصریح به نام برایتان جایز نیست. پس گفتم چگونه او را یاد کنیم؟ (از او نام ببریم) فرمودند: بگویید: «الْحُجَّةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ».^۲

«منصور»

واژه «نصرت» به معنای کمک و یاری در برابر دشمن و مخالف است در حالی که «عون» مطلق یاری را شامل می‌شود.^۳ دشمنان حق، به انواع سلاح‌های مدرن مجهزند

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۸، باب ۳۶.

۲. کافی، ج ۱، ص ۳۲۸، کتاب الحجة، باب الاشارة والنص علی ابی محمد، ح ۱۳.

۳. التحقيق، ج ۱۲، ص ۱۵۵، ذیل واژه نصر.

و از نظر عده و عده قویترند، اما آنگاه که مؤمنان صادقانه و مجاهدانه برای یاری امامشان به میدان آمده اند و خداوند اذن ظهور داده است، امداد و نصرت غیبی خود را شامل حال جبهه ایمان خواهد ساخت و پیشوای صالحان از انواع و اقسام امدادهای الهی بهره مند خواهد شد، لذا به ایشان «منصور»؛ یعنی یاری شده گفته می شود.

این لقبی است که در زیارت عاشورا نیز آمده است: «... فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ أَنْ يُكْرِمَنِي بِكَ وَيَرْزُقَنِي طَلَبَ شَارِكٍ مَعَ إِمَامٍ مَنصُورٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ».

امام محمد باقر علیه السلام می فرماید:

الْقَائِمُ مِنَّا مَنصُورٌ بِالرُّعْبِ...؛ قائم ما با ترس و وحشتی که خداوند در دل ظالمان می افکند یاری و به نصرت الهی کمک می شود. زمین برایش جمع (تمام زمین در تحت سیطره و اختیارش قرار می گیرد) و تمام گنجها برایش آشکار می گردد و حکومتش شرق و غرب دنیا را فرا می گیرد.^۱

مکان زندگی امام زمان علیه السلام

در اثر کوتاهی و غفلت مردم، مستکبران قدرت را در دست گرفتند و حق و حق مداران و در رأس آن، اهل بیت، غریب و مظلوم قرار گرفتند؛ هر کدام از اهل بیت را به نحوی به شهادت رساندند. خلفای ظالم بنی عباس با حرص و ولع در پی شناسایی آخرین حجت الهی بودند تا او را به شهادت برسانند، چرا که دریافته بودند نابودی ظالمان به دست توانای او انجام خواهد شد. بر اساس حکمت الهی برای این که عالم از امام و هادی الهی خالی نماند، چاره‌ای جز غیبت ایشان نبود تا از شر و مکر ظالمان در امان بماند؛ با چنین وضعیتی طبیعی است که مکان زندگی پنهان باشد.

فرمود:

پدرم از من خواسته است که در کنار مردمانی که مورد غضب الهی قرار گرفته اند و از رحمتش دور و خواری دنیا و آخرت نصیبشان شده است نمانم و پدرم به من دستور داده است که در کوههای سخت و خشن و در

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۱، باب ۳۲، ح ۱۶.

جاهای خالی از سکنه (بیابان) زندگی کنم.^۱

امام صادق علیه السلام فرمودند:

برای حضرت قائم دو غیبت خواهد بود؛ یکی از این دو کوتاه و دیگری بلند مدت خواهد بود. در غیبت اول کسی از مکانش اطلاعی ندارد جز شیعیان خاصش و در غیبت دوم هیچ کس از جای او خبر ندارد جز دوستان خاصش.^۲

سرداب مقدس

سرداب به معنای زیرزمین است که به خاطر خنکی آن، در فصل تابستان محل مناسبی برای سکونت است. منزل امام هادی علیه السلام در سامرا نیز سردابی داشت که به «سرداب مقدس» مشهور است؛ قداست آن، بدین جهت است که محل حضور و جایگاه عبادت سه امام بوده است و اعمالی در کتب ادعیه برای این مکان، بیان شده است.

با شهادت امام حسن عسکری علیه السلام به خاطر گزارش هایی که از حضور حضرت مهدی علیه السلام به ویژه ماجرای نماز بریدن مطهر پدرشان، به گوش خلیفه رسیده بود دیگر این خانه محل امنی نبود و طبق توصیه پدر، ایشان از سرداب خارج و در مکان نامعلومی زندگی می کنند.

شایان ذکر است که امام به عنوان خلیفه الله پیوسته مشغول انجام مأموریت های الهی است و به بیان امام علی علیه السلام بر همان سیره و روش صالحان (پیامبر و ائمه) رفتار می کند تا گروه ها را بگشاید، بردگان و ملت های اسیر را آزاد سازد، جمعیت های گمراه و ستمگرا را پراکنده و حق جویان را گرد هم آورد. و این رهبر (سالها) در پنهانی از مردم به سر می برد آن چنان که پی جویان اثر قدمش را نبینند؛ گرچه بسیار در یافتن اثرش جستجو کنند.^۳

۱. کتاب الغیبة، شیخ طوسی، ص ۲۶۳.

۲. کافی، ج ۱، ص ۳۴۰، باب فی الغیبة، ح ۱۹.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۰.

جزیره خضراء

به زمینی که دور تا دور آن را آب فرا گرفته باشد جزیره و اگر سرسبز باشد در زبان عربی به آن، «جزیره خضراء» می گویند؛ در جهان هزاران جزیره سرسبز وجود دارد، اما آیا جزیره سرسبزی وجود دارد که همسر و فرزندان امام زمان در آن، زندگی کنند؟ طبق نقلی چنین ادعا شده است که چنین مکانی در دریای مدیترانه وجود دارد و علی بن فاضل مازندرانی در قرن هفتم هجری قمری به آن جا سفر کرده و شگفتیهایی از این جزیره را به طور مبسوط نقل کرده است. مرحوم علامه مجلسی در بحار الانوار این ماجرا را آورده است.

نقد و ارزیابی این نقل

۱. مرحوم علامه مجلسی در جلد ۵۲ بحار، باب ۲۳ را به موضوع تشریف محضر امام زمان علیه السلام در دوران غیبت کبرا اختصاص داده است؛ سپس در باب ۲۴ اولین مطلبی را که به آن می پردازد ماجرای جزیره خضراء است. خود ایشان می فرماید: «وإنما أفردت لها باباً لأنني لم أظفر به في الأصول المعتبرة ولندكرها بعينها كما وجدتها»^۱. علت این که این موضوع را در بابی جداگانه آوردم (یعنی طبق قاعده اگر قضیه معتبری بود باید در باب قبلی، یعنی باب ۲۳ ذکر می شد) این است که آن را در کتاب های معتبر نیافتم، لذا عین آن چه را که یافته ام در این جا ذکر می کنم.

۲. سند متصل و شناخته شده ای ندارد و از نظر محتوا نیز اضطراب در متن، مطالب ضد و نقیض دارد و ادعاهایی در این نقل وجود دارد (مثل: تحریف قرآن) که اگر واقعاً چنین چیزی صحت داشت واکنش های تند و فراگیری علیه آن مطرح می شد.

۳. شهر حله عراق به شهر عاشقان امام زمان علیه السلام شهرت دارد که به ویژه در قرن هفتم شور و اشتیاق دیدار امام زمان علیه السلام در میان عاشقان حضرت موج می زد؛ اگر این نقل صحت داشت با توجه به این که طبق این نقل، فضل بن یحیی که خبر این ماجرا را

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۹.

مکرر شنیده و بدون واسطه در شهر حله از خود علی بن فاضل مازندرانی شنیده است باید افراد و گروه‌های مختلفی به قصد دیدار امام به این جزیره می‌رفتند در حالی که هیچ گزارشی بر این مطلب به چشم نمی‌خورد.

۴. نکته بسیار عجیب این ماجرا این است که طبق این نقل، این تشریف در قرن هفتم اتفاق افتاده است، اما بیش از سه قرن هیچ خبری از این ماجرا گزارش نشده تا این که شهید سید قاضی نورالله شوشتری (م ۱۰۱۹) در کتاب مجالس المؤمنین چنین مطلبی را منتشر می‌کند.

حکایتی مشابه این نیز از کمال الدین احمد بن محمد انباری نقل شده است که اشکالات آن، کمتر از اشکالات این نقل نیست.^۱

مثلث برمودا

مجموعه جزایری در اقیانوس اطلس وجود دارد با نام جزایر برمودا که اگر یک خط فرضی به سمت ایالات متحده آمریکا و خط دیگری به سمت جزایر کوبا، هائیتی و جامائیکا بکشیم یک مثلث فرضی تشکیل می‌شود مشهور به «مثلث برمودا». این جزایر حدود ۱۰۰۰ ک.م با ایالات متحده فاصله و کمتر از یک میلیون جمعیت مسیحی مذهب دارد. مرکز آن شهر هامیلتون و یکی از مکان‌های توریستی دنیا محسوب می‌شود و عمده راه ارتباطی با آن، خطوط هوایی و همچنین کشتی‌های اقیانوس پیما است.

یکی از لغزش‌هایی که در عرصه مهدویت اتفاق افتاده است تطبیق جزیره خضراء بر مثلث برمودا است.^۲

بر فرض صحت قضیه جزیره خضراء، این جزایر طبق آن نقل در دریای مدیترانه واقع شده است، در حالی که مثلث برمودا در فاصله چند هزار کیلومتری آن، در اقیانوس اطلس قرار دارد.

۱. نک: بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۱۳.

۲. نک: ناجی نجار، جزیره خضراء و تحقیقی پیرامون مثلث برمودا، مترجم: علی اکبر مهدی پور.

این گونه تطبیق‌های ناشیانه و غیرعلمی می‌تواند پیامدهای منفی برای مهدویت داشته باشد.^۱

مکان ظهور

از موضوعات مورد اتفاق میان امت اسلام این است که حضرت مهدی علیه السلام دعوت خود را از کنار خانه خدا اعلام و آغاز خواهد کرد.

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

... به خانه خدا تکیه می‌دهد و ۳۱۳ نفر از یاران خاصش گرد او جمع می‌شوند و اولین سخنی که از او شنیده می‌شود این آیه است: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ». ^۲ سپس می‌فرماید: «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَتُهُ وَ حُجَّتُهُ عَلَيْكُمْ» و این گونه به ایشان سلام داده می‌شود «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ» وقتی تعداد یارانش به ۱۰۰۰۰ نفر رسید از مکه خارج می‌شود.^۳

زمان ظهور

زمان ظهور در نقطه مقابل مکان ظهور قرار دارد؛ یعنی از مسلمات مهدویت این است که زمان ظهور از مصادیق غیب است و همانند زمان قیامت نامعلوم است.

در کتاب کافی بابی با عنوان «كَرَاهِيَّةُ التَّوْقِيْتِ» با هفت روایت وجود دارد و جای هیچ شکی برای ممنوعیت تعیین زمان برای ظهور باقی نمی‌گذارد و هر کس با هر رتبه‌ای برای ظهور وقت تعیین کند؛ اولاً، دروغ می‌گوید و ثانیاً، هیچ ترسی از تکذیب او نداشته باشیم و ثالثاً، مشیت حکیمانه خداوند بر این تعلق گرفته است که اگر کسی زمانی را برای ظهور تعیین کرد خداوند ظهور را در زمان دیگری قرار خواهد داد.

۱. برای اطلاع بیشتر از نقد و ارزیابی جزیره خضرا و این تطبیق نک: کتاب‌های پژوهشی درباره جزیره خضراء، مجتبی کلباسی؛ جزیره خضراء در ترازوی نقد، جعفر مرتضی‌عاملی؛ جزیره خضراء تحریفی در تاریخ شیعه، غلامرضا نظری؛ د/دگستر جهان، ابراهیم امینی.

۲. هود، ۸۶.

۳. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۱، باب ۳۲، ح ۱۶.

چند نکته در باب مخفی بودن زمان ظهور

۱. به بیان امام کاظم علیه السلام « شیعیان با امید رُشد داده می شوند.»^۱ سرّ این که تأکید شده است هر صبح و شام منتظر باشید و نگاهتان به ظهور این باشد که «وَنَرَاهُ قَرِيبًا»؛ یعنی ما باید ظهور را نزدیک ببینیم، این است که این نگاه سبب می شود آمادگی لازم را برای یاری امام زمان علیه السلام به دست آوریم و مسئله سنگین زمینه سازی استمرار یابد و خود این مسئله در نزدیک شدن ظهور مؤثر خواهد بود.

این در حالی است که اگر از ابتدا بیان می شد که ظهور تا چند صد سال دیگر اتفاق نمی افتد نتیجه ای جز یأس در پی نداشت و با ناامید شدن مؤمنان، حق نابود می شد؛ آن چه امروز از اعتلای حق در جهان دیده می شود ثمره همین امید و نزدیک دانستن ظهور است.

۲. بر اساس آیات و روایات متعددی، زمان ظهور قابل تقدیم و تأخیر است؛ همت و تلاش منتظران و صبر و استقامتشان در زمینه سازی و ایستادگی در برابر ظالمان، سبب تعجیل فرج خواهد شد.^۲ پس گویا زمان ظهور به دست خود مردم است؛ هرگاه آنان از روی صداقت و راستی آمادگی لازم را داشته باشند خداوند اذن فرج را خواهد داد. اگر کسی بگوید اگر مردم هیچوقت خواستار ظهور نشدند ظهور واقع نمی شود! پاسخ آن این است که بشر بخواهد یا نخواهد دیر یا زود اضطرار به ظهور پیدا می کند یا از راه تعقل

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۶۸، کتاب الحجّة، باب کراهیة التوقیت، ح ۶.

۲. این موضوع تحت عنوان «شرایط و زمینه های ظهور» با استفاده از آیاتی مثل آیه ۱۱ سوره «رعد» و ۲۵ «حدید» و بررسی سنت خداوند از منظر قرآن درباره امت ها و روایات متعددی که در این زمینه وجود دارد، مثل باب ۱۵ از «الغیبه نعمانی»، مورد بحث قرار گرفته است.

نک: مهدی یوسفیان، کتاب پالتوئی انتظار ۱۲ با موضوع شرایط ظهور، نصرت الله آیتی، «زمینه سازی ظهور؛ چیستی و چگونگی»، مشرق موعود، شماره ۱۹؛ مجتبی فلاح، «مقدمات ظهور»، فصل نامه انتظار، ش ۷؛ محمد فاکر میبیدی، «زمینه سازی ظهور»، فصل نامه انتظار، ش ۱۱ و ۱۲؛ مرتضی نائینی، «جان و جانان»، فصل نامه انتظار، ش ۲ و ۳؛ مصطفی چمران، «تحولات درونی، مقدمه انقلاب بزرگ»، مجله موعود، ش ۱؛ محمد دشتی، آینده و آینده سازان، ابراهیم شفیع سروستانی، امام مهدی و سنت های الهی، مجله موعود، ش ۳۳.

یا از راه تجربه همه راهها و رسیدن به بن بست.

شایان ذکر است که این سخن بدین معنا نیست که خداوند برای ظهور هیچ زمانی در نظر نگرفته است! بلکه مراد این است که زمان ظهور بدیاد پذیر است و مشیت خدای حکیم بر این تعلق گرفته که مردم در تقدیم یا تاخیر زمان ظهور، نقش ایفا کنند.

۳. به بیان امام صادق علیه السلام اگر کسی این آمادگی لازم را داشته باشد و قبل از ظهور از دنیا برود لحظه‌ای ضرر نکرده است و اجرو پاداش کسی که هنگام ظهور در رکاب امام زمان علیه السلام باشد را خواهد داشت.^۱

۱. الغیبه، نعمانی، ص ۲۰۰، باب ۱۱، ح ۱۶.

فهرست آیات

دُرّ و یاقوت	آیه	
		سوره حمد «۱»
۱۳۲	۵	إِيَّاكَ نَعْبُدُ
		سوره بقره «۲»
۳۹	۸۹	وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ
۱۱۹ و ۵۱	۳	الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ
۶۵	۱۵۵ تا ۱۵۷	وَلَنْبَلُونَكُمْ بِشَىءٍ... وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ
۱۱۱	۱۶۴	إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
۱۱۹	۳۵	وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ
۱۲۴	۲۴۹	... قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ
۱۲۴	۲۵۱	فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ..
۱۲۸	۲۵۹	... فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ
۱۳۵	۲۶۹	يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ
		سوره آل عمران «۳»
۲۲	۱۶۹	وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ
۶۵	۷	وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ
۱۲۴	۱۷۳	الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ
۱۲۴	۱۷۵	إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ
۱۳۲	۱۲۳	وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ
۱۳۲	۱۳۹	وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ
		سوره انعام «۶»
۱۲۱	۹۳	وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا

سوره اعراف «۷»

۹۸ و ۱۲	۱۰۲	وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ
۶۸	۱۵۰	وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ
۷۹	۹۶	وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ
۱۱۹	۲۰	فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ
۱۲۰	۱۶	قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي

سوره توبه «۹»

۳۱ و ۲	۱۰۵	وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَىٰ اللَّهُ عَمَلَكُمْ..
--------	-----	--

سوره یونس «۱۰»

۴۶	۴۸	وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ
۸۱	۳۵	أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَىٰ الْحَقِّ

سوره هود «۱۱»

۸۰ و ۵۰	۸۶	بَيَّيْتُ اللَّهُ خَيْرٌ لَّكُمْ
---------	----	----------------------------------

سوره یوسف «۱۲»

۸۲ و ۵۲	۹۰	قَالُوا إِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ
---------	----	----------------------------------

سوره رعد «۱۳»

۲۰	۱۱	لَهُ مُعَقِّبَاتٌ... إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ
----	----	--

سوره ابراهیم «۱۴»

۵	۷	وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ...
۱۱۰	۵	وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ

سوره حجر «۱۵»

۱۲۰	۳۷ و ۳۸	قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَىٰ يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ
-----	---------	--

		سوره نحل «۱۶»
۳۲	۴۴	بِالْبَيْنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ...
		سوره اسراء «۱۷»
۶	۶-۵	فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا..... ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ
۳۴	۷۱	يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ
		سوره طه «۲۰»
۸۳	۱۳۵	قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبَّصُوا
۱۲۱	۸۸	فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا
۱۲۳	۹۴	إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ
		سوره نور «۲۴»
۱۱	۵۵	وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا... يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا
		شعراء «۲۶»
۸۴	۴	إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً
		سوره نمل «۲۷»
۱۲۹	۶۲	أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ
		سوره قصص «۲۸»
۸۹	۵	وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا
		سوره عنكبوت «۲۹»
۱۲۸	۱۴	فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا
۷۰	۶۹	وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا

		سورہ روم «۳۰»
۷۹	۴۱	ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ
		سورہ لقمان «۳۱»
۵۵	۲۰	أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ
		سورہ صافات «۳۷»
۱۲۸	۱۴۳ و ۱۴۴	فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ لَلبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ
		سورہ ص «۳۸»
۱۲۲	۸۲	قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ
		سورہ زخرف «۴۳»
۷۷	۵۴	فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ
		سورہ دخان «۴۴»
۱۳۵	۱ بہ بعد	حم. وَالكِتَابِ الْمُبِينِ.
		سورہ محمد «۴۷»
۱۳۲، ۲۰	۷	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ
		سورہ حدید «۵۷»
۳۹	۱۶	أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا
۸۶	۱۷	اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُخِي الْأَرْضَ
		سورہ ملک «۶۷»
۸۵ و ۴۹	۳۰	قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا
		سورہ مطففين «۸۳»
۴۸	۲۶	خِتَامُهُ مِسْكَ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ

سوره فجر «۸۹»

اَرْجِعْ إِلَىٰ رَبِّكَ... وَادْخُلْ جَنَّتِي

۲۸ تا ۳۰

۲۱

فهرست روایات

دُر و یاقوت

روایت

حدیث قدسی

۱۴

وَلَا أُخْفِي عَلَيْهِ خَاصَّةَ خَلْقِي

۱۷

يَا مُحَمَّدُ أَحَبُّهُ فَإِنِّي أَحِبُّهُ

۴۴

ثُمَّ أَكْمِلُ ذَلِكَ بِإِيبِنِهِ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ

۸۰

يَا أَحْمَدُ إِنَّ الْعِبَادَةَ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ

پیامبر اکرم ﷺ

۶

يَا سَلْمَانَ إِنَّكَ مُدْرِكُهُمْ

۱۹ و ۸۲

يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ فِي أُمَّتِي

۲۰

فَيُؤَظِّمُونَ لِلْمَهْدِيِّ يَعْنِي سُلْطَانَهُ

۲۲

فَأَمَّنُوا بِسَوَادٍ عَلَى بِيَاضٍ

۲۴

سَلْمَانُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ

۲۸

فَلَيْتَوَلَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَأَوْصِيَاءَهُ مِنْ بَعْدِهِ

۴۱

طُوبَى لِمَنْ أَذْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي

۴۲

فَأَمَّنُوا بِسَوَادٍ عَلَى بِيَاضٍ

۶۸

فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونِي فِيهِمَا

۱۰۸

كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ

۱۱۵

يَا رَبِّ، سَلْ أُمَّتِي فِيمَ قَتَلُوا وُلْدِي

۱۲۶

صَدَّقْتَنِي إِذْ كَذَّبْتُمْ وَأَمَنْتَ بِي إِذْ كَفَرْتُمْ

امام علی علیہ السلام

۴

يَا جَوِيرِيَّةُ! الْحَقُّ بِي

۴

هَذَا وَاللَّهِ مَنَاخُ رِكَابِهِمْ

- ۹ وَأَنْتَ يَرْحَمُكَ اللَّهُ فَلَقَدْ كُنْتَ خَفِيفَ الْمُؤْنَةِ
- ۱۲ اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلَى الصِّرَاطِ
- ۱۶ كَانَ لِي فِي مَا مَضَى أَخٌ فِي اللَّهِ
- ۲۱ أَلَا فَمَنْ ثَبَّتَ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ وَلَمْ يَتَمَسَّ قَلْبُهُ
- ۳۰ يَا أُمَّ كَلْثُومٍ يَا زَيْنَبُ يَا سُكَيْنَةَ يَا فِضَّةَ
- ۳۰ اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي فَضْتِنَا
- ۴۳ وَأَخْفَى وَلِيَّتَهُ فِي عِبَادِهِ
- ۵۳ وَكَذَلِكَ أَنْتُمْ تُمَيِّزُونَ
- ۵۴ حَتَّى إِذَا غَابَ الْمُتَغَيِّبُ مِنْ وُلْدِي عَنْ عُيُونِ النَّاسِ
- ۷۵ إِنَّ هَذِهِ رَأْيَةٌ لَا يَنْشُرُهَا بَعْدِي إِلَّا الْقَائِمُ
- ۸۷ فَلَا تَسْتَعْجِلُوا مَا هُوَ كَائِنٌ مُرْصَدٌ
- ۸۸ أَيْنَ عَمَّارٌ وَأَيْنَ ابْنُ التَّيْهَانِ
- ۸۹ لَتُعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا
- ۱۲۰ وَالبَصِيرُ مِنْهَا مُتَزَوِّدٌ
- ۱۲۵ فَلَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ لَمْ يَخَفْ عَلَى ذِي حِجِّي
- ۱۲۷ صَاحِبِكُمْ يُطِيعُ اللَّهَ وَأَنْتُمْ تَعُصُونَهُ
- ۱۲۷ اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا بُدَّ لِأَرْضِكَ مِنْ حُجَّةٍ لَكَ عَلَى خَلْقِكَ
- فاطمه زهراء عليها السلام
- ۳۰ آه، يَا فِضَّةُ! إِلَيْكَ فَخُذِينِي
- ۱۲۴ زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ
- امام حسن
- ۴۵ وَاللَّهِ الَّذِي عَمِلْتُ خَيْرًا لِشِيعَتِي
- ۱۲۸ ذَلِكَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِ أَخِي الْحُسَيْنِ..

امام حسين عليه السلام

- ۴۶ مَنَا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا... أَمَا إِنَّ الصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ...
 ۱۲۰ مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامُهُمْ

امام سجاد عليه السلام

- ۲۲ أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ
 ۲۲ صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ
 ۴۷ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ
 ۴۸ قَوِيَّ يَقِينُهُ وَصَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ وَلَمْ يَجِدْ فِي نَفْسِهِ..
 ۹۱ وَاجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ... بِذَلِكَ مُتَقَرِّبِينَ
 ۱۱۳ إِنَّ اللَّهَ يَوْمًا يَخْسِرُ فِيهِ الْمُبْطِلُونَ
 ۱۱۴ الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ

امام باقر عليه السلام

- ۱۳ اجْلِسْ فِي مَسْجِدِ الْمَدِينَةِ وَأَقْتِ النَّاسَ
 ۲۳ بِكُمْ أَسْقَى عِبَادِي الْغَيْثَ
 ۲۷ يَمْضُونَ الثِّمَادَ وَيَدْعُونَ النَّهْرَ الْعَظِيمَ
 ۴۹ فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِإِمَامٍ ظَاهِرٍ
 ۷۰ وَلَا يُسْأَلُ عَنْ شَيْءٍ بَيْنَ صَدَقَتَيْهَا إِلَّا أَجَابَ
 ۷۲ حَتَّى نَمْسَحَ نَحْنُ وَأَنْتُمْ الْعَرَقَ وَالْعَلَقَ
 ۱۱۰ أَيَّامُ اللَّهِ ثَلَاثَةٌ
 ۱۱۶ وَاللَّهِ يَا أَبَا خَالِدٍ لِنُورِ الْإِمَامِ

امام صادق عليه السلام

- ۱ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى رَجُلٍ
 ۲ إِنِّي لِأَسْتَرِيحُ إِذَا رَأَيْتُكَ

٢ و ٢٩	فَلَا تَسُوءُوا رَسُولَ اللَّهِ وَ سُرُّوهُ
٣	إِيثَارُهُ هَوَىٰ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
٥	يَا يُونُسُ قَسْتَنَا بِغَيْرِ قِيَاسٍ
٨	وَ اللَّهُ يَا سَدِيرُ لَوْ كَانَ لِي شِيعَةٌ
١١	أَنْ يَصْبِرُوا وَ يُصَابِرُوا وَ يُرَابِطُوا وَ أَنْ يَتَّقُوا اللَّهَ
١٢	لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَنْ يُمَحَّصُوا
١٣	أَمَا وَ اللَّهُ لَقَدْ أَوْجَعَ قَلْبِي مَوْتُ أَبَانَ
١٣	نَاظِرِ أَهْلِ الْمَدِينَةِ! فَإِنِّي أَحِبُّ
١٥	مَا كَانَ فِي عَصْرِنَا أَحَدٌ أَطْوَعَ لِلَّهِ
١٥	رَحِمَكَ اللَّهُ رَحِمَكَ اللَّهُ
١٨	يَعْلَمُ أَنَّهُ إِمَامٌ مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ
٢٥	هَشَامُ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ
٢٦	وَ بَدَلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ لَيْسَتْ تَقْدَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ
٢٩	مَا لَكُمْ تَسُوءُونَ رَسُولَ اللَّهِ
٣٢	قُولُوا لَهُمْ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ
٣٣	أَنْتَ مِمَّنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا
٣٦	فَيُفِيضُ الْعِلْمَ مِنْهُ إِلَى سَائِرِ الْبِلَادِ
٥١	الْمُتَّقُونَ شِيعَةَ عَلِيِّ وَ الْغَيْبِ فَهُوَ الْحُجَّةُ الْغَائِبُ
٥٢	أَنْ يَكُونَ يَسِيرُ فِي أَسْوَاقِهِمْ
٦٤	فَطُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ الزَّمَانَ
٦٥	إِنَّ قَدَامَ الْقَائِمِ عِلَامَاتٌ .. وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ ..
٦٦	مَنْ دَخَلَ فِي هَذَا الدِّينِ بِالرِّجَالِ ... اعْرِفُوا مَنَازِلَ شِيعَتِنَا عِنْدَنَا
٦٧	مَا النَّاصِبُ لَنَا حَرْبًا بِأَشَدَّ ..
٦٩	فَلْيَنْتَظِرُوا لِيَعْمَلَ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ .. فَإِنْ مَاتَ ..

- ٧٥ وَبِحَاجَةِ النَّاسِ إِلَيْهِ..
- ٧١ واجتهد ليراك الله عزو جل في خلاف ما هم عليه
- ٧٣ يَا مُفَضَّلُ أَمَا لَوْ كَانَ ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ إِلَّا سِيَّاسَةً اللَّيْلِ وَسَبَاحَةَ النَّهَارِ..
- ٧٤ وَإِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَتَى النَّاسَ...
- ٨٤ إِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَدْعُهُمْ حَتَّى يُنَادِيَ
- ٨٤ وَاللَّهِ لَأَمْرُنَا أَتَيْنُ مِنْ هَذِهِ الشَّمْسِ
- ٩٥ اللهم عرفنى نفسك
- ١١١ الْقَلْبُ حَرَمُ اللَّهِ
- ١١٥ مَا يُبْكِيكَ يَا شَيْخُ؟
- ١٢٩ إِنَّ لِهَذَا الْأَمْرِ غَايَةً يَنْتَهَى إِلَيْهَا
- ١٢٩ هو والله المضطر إذا صلى فى المقام ركعتين
- ١٣١ سُبْحَانَ اللَّهِ أَمَا تُحِبُّونَ
- ١٣٥ فَقَالَ طَاعَةَ اللَّهِ وَمَعْرِفَةَ الْإِمَامِ.

امام كاظم عليه السلام

- ٢٤ أَوْلَيْكَ مِنَّا وَنَحْنُ مِنْهُمْ.. هُمْ وَاللَّهِ مَعَنَا..
- ٥٥ نَعَمْ يَغِيبُ عَنْ أَبْصَارِ النَّاسِ شَخْصُهُ
- ٧٥ إِنَّ الْإِمَامَ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ...
- ٨٣ إِنَّمَا هِيَ مِحْنَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ امْتَحَنَ بِهَا خَلْقَهُ
- ١٣٥ وَأَمَّا اللَّيْلَةُ ففَاطِمَةُ

امام رضا عليه السلام

- ٧ يَا يُونُسُ فَمَا عَلَيْكَ مِمَّا يَقُولُونَ
- ٢٦ «..الْإِمَامُ...الْوَالِدُ الشَّقِيقُ وَالْأَخُ الشَّقِيقُ
- ٣١ أَوْلَسْتُ أَفْعَلُ

٥٦

كَمْ مِنْ حَرَى مُؤْمِنَةٍ وَ كَمْ مِنْ مُؤْمِنٍ مُتَأَسِّفٍ حَرَانِ

٥٧

الْمُنْتَظَرُ فِي غَيْبَتِهِ الْمُطَاعُ فِي ظُهُورِهِ

٥٨

كَانَ فِي سِنِّ الشُّيُوخِ وَمَنْظَرِ الشُّبَّانِ

امام جواد عليه السلام

٥٩

فَيَنْتَظِرُ خُرُوجَهُ الْمُخْلِصُونَ

امام هادي عليه السلام

١٢

فَثَبَّتَنِي اللَّهُ أَبَدًا مَا حَيَّيْتُ (زيارة جامعه)

امام حسن عسكري عليه السلام

٦٥

وَوَفَّقَهُ فِيهَا لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرْجِهِ

٦١

أَمَا إِنَّ لَهُ غَيْبَةً يَحَارُ فِيهَا الْجَاهِلُونَ.... ثُمَّ يَخْرُجُ فَكَأَنِّي..

١٥٥

أَحْبَبْنَا إِعْلَامَكَ لَيْسُرَكَ اللَّهُ لَهُ مِثْلَ مَا سَرَّنَا بِهِ

١١٣

وَيَهْلِكُ فِيهَا الْمُبْطِلُونَ

١١٧

وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى جَمِيعِ شِيعَتِنَا

امام مهدي عليه السلام

١٥

وَفِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ لِي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ

٣٥

فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ

٥٥

أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَتُهُ وَ حُجَّتُهُ

٦٢

أَتَعْرِفُنِي.. أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ وَبِي يَدْفَعُ اللَّهُ...

٦٣

اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسِكَ... اللَّهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ... وَاجْعَلْنِي بِهِمْ فَائِزًا عِنْدَكَ..

٧٦

أَلَا فَمَنْ ادَّعَى الْمُشَاهَدَةَ...

٧٨

أَعَانَكَ اللَّهُ وَ قَوَّكَ وَ عَضَدَكَ..

٩٢

وَ أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرْجِ

٩٦

اللَّهُمَّ عَظَمَ الْبَلَاءُ

- ۹۷ اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ
- ۱۰۱ سَلَامٌ عَلَى آلِ يَاسِينَ... فَالْحَقُّ مَا رَضِيَتْموهُ وَالبَاطِلُ
- ۱۰۳ فَغَمَّنَا ذَلِكَ... لَا تُحَاوِلُوا كَشْفَ مَا غُطِّيَ عَنْكُمْ
- ۱۰۴ قَدْ آذَانَا جُهْلَاءُ الشَّيْعَةِ
- ۱۰۵ لَا وَلَكِنَّكُمْ كَثَرْتُمْ الْأَمْوَالَ
- ۱۰۹ مَنْ لَهُ فِي مَالٍ حَاجَةٌ؟»
- ۱۱۸ قَدْ دَعَوْنَا اللَّهَ لَكَ بِذَلِكَ
- ۱۲۱ لَا لِأَمْرِ اللَّهِ تَعْقِلُونَ، وَلَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبَلُونَ
- ۱۲۳ وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا



فهرست موضوعات

موضوع	دُرّ و یاقوت
ضرورت طرح مباحث مهدویت و شناخت امام	۷۴، ۶۲، ۶۱، ۶۰، ۴۵، ۳۴، ۱۸
ولایت اهل بیت	۱۰۷، ۶۸، ۲۸، ۲۷، ۱۷، ۵
مهدویت در قرآن	۱۲۹، ۸۶، ۸۵، ۸۳، ۸۲، ۸۰، ۵۵، ۵۱، ۵۰، ۴۹، ۳۲
امام مهدی از دیدگاه نهج البلاغه	۸۹، ۸۸، ۸۷
امام مهدی از دیدگاه صحیفه سجادیه	۹۱
ادعیه و زیارات مهدوی	۱۰۱، ۹۹، ۹۸، ۹۷، ۹۶، ۹۵، ۹۴، ۹۳، ۹۲، ۳۷
مقام و منزلت امام زمان	۱۰۸، ۱۷
القاب	۵۹، ۵۶
غیبت	۸۲، ۵۶، ۵۲
طول عمر	۱۲۸
علت غیبت	۸۵، ۸۳، ۷۷، ۵۰، ۴۹، ۱۲
آثار وجودی امام (فوائد امام غائب)	۹۰، ۸۷، ۲۹، ۲۷
انتظار	۸۳، ۴۱، ۳۳
وظائف منتظران	۱۳۲، ۱۳۱، ۱۲۹، ۱۲۷، ۱۱۷، ۱۱۲، ۱۰۴، ۹۷، ۹۱، ۶۹، ۶۳، ۴۸
	۱۳۵، ۱۳۴
ارزش ایمان در عصر غیبت	۶۴، ۴۶، ۴۲، ۴۱، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱
دعا برای فرج	۹۴، ۹۲، ۱۱
تشریف محض امام	۳۵، ۱۴
مهر امام	۱۳۰، ۱۱۸، ۱۰۶، ۱۰۵، ۱۰۳، ۱۰۰، ۷۸، ۴۴، ۳۱، ۲۶، ۱۰
نیابت عام و نیابت خاص	۷۶
شرائط ظهور	۷۲، ۲۰

۸۹، ۸۴، ۸۱، ۷۱، ۶۵، ۳۶	نشانه‌های ظهور
۱۱۱، ۱۱۰، ۵۸، ۵۷	ظهور
۷۰	معیارهای شناخت موعود راستین
۱۹	هدف از ظهور
، ۱۱۶، ۱۱۴، ، ۱۰۲، ۸۸، ۷۳، ۱۶، ۱۵، ۱۳، ۹، ۸، ۷، ۴، ۳، ۲، ۱	ویژگی یاران امام زمان ۱
	۱۲۷
۱۱۵، ۲۵، ۱۷	ارزش و جایگاه یاری امام
۱۲۷، ۶۷، ۶۶، ۵۱، ۴۷، ۴۳	بصیرت
۱۲۶، ۴۰	نقش زنان
۷۵	امدادهای غیبی هنگام ظهور
۶، ۱	رجعت
۱۰۸	نزول حضرت عیسی
۱۰۹، ۸۶، ۷۹	وضعیت جهان پس از ظهور
، ۱۱۳، ۹۸، ۹۳، ۸۷، ۷۴، ۷۱، ۶۱، ۳۹	آسیب شناسی مباحث مهدویت
۱۲۵، ۱۲۴، ۱۲۳، ۱۲۲، ۱۲۱، ۱۲۰، ۱۱۹	دشمن شناسی
۳۰، ۱۰	فاطمیه
۳۸	منبع شناسی مهدویت



فهرست شخصیت‌ها^۱

(براساس شماره دُرّ و یاقوت‌ها)

۶۴	ابا ابراهیم:
۴۰	ابا الفضل العباس بن علی بن ابی طالب:
۵۱، ۳۳، ۳۲	ابا بصیر:
۱۱۶، ۴۷	ابا خالد کابلی:
۱۳	ابان بن تغلب:
۱۲۲، ۱۱۰	ابراهیم خلیل:
۱۵، ۱۲	ابن ابی یعفور، عبد الله، از برترین یاران امام صادق:
۱۰۸	ابن اثیر جزری:
۱۱۸، ۱۱۷	ابن بابویه، علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی (درگذشت ۳۲۹ ق):
۸۸	ابن تیهان ابوالهیثم شهید صفین:
۱۰۸	ابن صباغ مالکی:
۱۰۸	ابن طلحه شافعی:
۲	ابو حمزه ثمالی، ثابت بن دینار، از اصحاب امام سجاد، امام باقر و امام صادق:
۶۲	ابو نصر خادم امام حسن عسکری:
۱۰۲، ۱۰۰، ۶۰	احمد بن اسحاق اشعری قمی:
۲۵	احول ابو جعفر:
۹۲	اسحاق بن یعقوب:
۱۲۲	اسماعیل نبی،
۴۰	ام البنین، فاطمه بنت حزام:
۱۲۴	این زیاد:

۱. نام مقدس معصومان در بخش فهرست روایات آمده است؛ به جهت نگاه کاربردی به این فهرست ها، نیازی به تکرار آن در این قسمت دیده نشد.

- ۴۴ ایوب نبی:
- ۱۱۹ آدم ابوالبشر:
- ۹۰ آقا حسن تاجا:
- ۳۶ آلوین تافلر:
- ۱۰۶ بروجردی، حسین مرجع بزرگ زمان خود:
- ۸۰ بریر بن خضیر همدانی مشرقی:
- ۴۰ بشیر بن جذلم:
- ۷۲ بشیر نبال:
- ۱۰۰، ۷۳ بنی عباس:
- ۹۰ بهائی، محمد بن عزالدین حسین معروف به شیخ بهائی و بهاء الدین عاملی:
- ۱۲۴ ترامپ:
- ۱۰۷ جابر بن سمرة:
- ۴۴ جابر بن عبد الله انصاری:
- ۱۲۴ جالوت:
- ۱۲۷، ۸۴، ۷۵، ۵۷ جبرئیل امین:
- ۱۳۳ جعفر کاشانی:
- ۴ جویریة بن مسهر عبدی از اصحاب امام علی:
- ۱۳۰ حاج علی بغدادی:
- ۸۰ حبیب بن مُظاہر اسدی:
- ۱۰۴ حججی، محسن شهید مدافع حرم:
- ۴۰ حزام (پدر حضرت ام البنین):
- ۱۳۳ حسن بن مثله جمکرانی:
- ۱۱۸ حسین بن روح نوبختی سومین نائب خاص امام زمان:
- ۱۱۸ حسین بن علی بن موسی بن بابویه قمی:

۲۵	حمران بن اعین شیبانی:
۱۸	حمزة بن حمران بن اعین شیبانی:
۱۰۱	حمیری، محمد بن عبد الله بن جعفر:
۱۳۲، ۸۹، ۳۶	خامنه ای، سید علی، مقام معظم رهبری:
۱۲۶	خدیجه کبرا:
۹۹، ۶۰، ۵۴، ۴۵	خضرنبی:
۱۲۳	خمینی، روح الله، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران:
۱۰۴	خواجوی، ریز علی:
۱۱، ۱	داوود بن کثیررقی (راوی از امام صادق، امام کاظم و امام رضا):
۱۲۴	داوود نبی:
۱۲۵	دجال:
۵۷	دعبل خزاعی:
۱۰۴	دلواری، رئیس علی:
۸۸	ذوالشهادتین خُزَیمَةُ بن ثابت بن فاکه بن ثَعَلْبَةَ بن ساعده انصاری شهید صفین:
۶۰	ذی القرنین:
	ریان بن صلت اشعری قمی ابوعلی از محدثان برجسته شیعه در قرن دوم و سوم
۵۸	هجری قمری:
۹۵، ۷، ۸۴	زرارة بن اعین شیبانی کوفی از اصحاب خاص امام باقر و امام صادق:
۸۰	زهیر بن قین:
۴	زیاد بن ابیه:
۱۲۳، ۶۸	سامری:
۸	سدیرین حکیم بن صهیب صیرفی کوفی از یاران امام سجاد، امام باقر و امام صادق:
۱۰۲	سعد بن عبد الله:
۷۶، ۷۰	سفیانی:

- ۴۲، ۲۴، ۶، ۳ سلمان فارسی:
- ۷۰، ۵۸ سلیمان نبی:
- ۱۰۴ سلیمانی، قاسم:
- ۸۰ سنان بن انس بن عمرو نخعی از لشکریان عمر بن سعد:
- ۸۰ شعیب نبی:
- ۸۰ شمر بن ذی الجوشن:
- ۱۲۱ شیرازی، سید علی محمد:
- ۱۲۴، ۱۲۳، ۱۲۱، ۱۲۰، ۱۱۹، ۱۱۴، ۵۵ شیطان (ابلیس):
- ۱۰۶ صافی گلپایگانی، لطف الله (متولد ۱۲۹۷ ش ۱۳۳۷ ق):
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی (درگذشت ۳۸۱ ق):
- ۱۱۸، ۳۸
- ۹ صعصعة بن صوحان، از بزرگترین یاران امام علی:
- ۵۹ صقر بن ابی دلف:
- ۱۲۴ طالوت:
- ۷۷ طوسی محمد بن حسن بن علی بن حسن معروف به شیخ الطائفه:
- ۶۷ عبدالاعلی:
- ۸۱ عبدالرحمن:
- ۳۱ عبد الله بن ابان زیات:
- ۴۰ عبد مناف جد اعلای رسول خدا:
- ۱۰۳، ۷۸، ۶۳ عثمان بن سعید عمروی:
- ۱۲۸ عزیز نبی:
- ۴۰ عقیل بن ابی طالب:
- ۱۰۵ علی بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی ابوالحسن:
- ۷۶ علی بن محمد سمری:

۱۳۱	عمار ساباطی:
۸۸، ۸۵	عمار یاسر:
۸۰	عمر سعد:
۷۴	عمر و عاص:
۱۲۸، ۱۱۱، ۱۰۸، ۴۵، ۴۴	عیسی مسیح:
۳۰	فضة، زنی پاکدامن و خادم حضرت زهراى مرضیه:
۷۴، ۳۴	فضیل بن یسار:
۱۲۱	قادیانی، غلام احمد:
۲۵	قیس بن ماصر:
۱۳۰	کاظمینی، محمد حسن (از علمای عراق در کاظمین):
۶۶	کلینی، محمد بن یعقوب، معروف به ثقة الاسلام کلینی (درگذشت ۳۲۹ ق):
۹۹	کمیل بن زیاد:
۴۰	لیلا (مادر حضرت ام البنین):
۹۶	محمد بن احمد ابوالحسن:
۷۸، ۶۱	محمد بن عثمان بن سعید عمروی:
۶۵، ۵۰	محمد بن مسلم کوفیک:
۱۲۷، ۷۴، ۴۵	معاویة بن ابی سفیان:
۸۴، ۷۳	مفضل بن عمر:
۱	مقداد، از اولین ایمان آورندگان و برترین یاران رسول خدا و امام علی:
۹۰	ملا محمد تقی مجلسی:
۹۴	موسوی اصفهانی:
۱۲۳، ۱۲۱، ۱۲۰، ۱۱۰، ۷۰، ۶۸، ۵۸، ۵۶، ۴۵، ۴۴	موسی کلیم:
۱۲۱	مهدی سودانی:
	نعمانی، محمد بن ابراهیم بن جعفر معروف به نعمانی یا ابن ابی زینب

۶۷،۶۶،۳۸

نعمانی (درگذشت ۳۶۰ ق):

۱۲۸،۱۱۴،۱۱۰،۵۴

نوح نبی:

۱۲۳،۱۲۱،۶۸

هارون نبی:

۲۵

هشام بن حکم:

۲۵

هشام بن سالم:

۵۲

یعقوب نبی:

۱۲۸،۸۲،۷۰،۵۲

یوسف نبی:

یونس بن عبد الرحمن از اصحاب امام باقر، امام صادق، امام کاظم و امام رضا: ۷

یونس بن یعقوب بن قیس بجلی کوفی از اصحاب امام صادق و امام کاظم و امام

۲۵،۵

رضا:



فهرست مکان‌ها

(بر اساس شماره‌های دُر و یاقوت‌ها)

۱۳۲، ۱۳۱، ۱۲۴، ۸۵، ۳۹، ۲۲	احد:
۹۰	اصفهان:
۳۶	ایران:
۱۳۲، ۱۳۱، ۷۵، ۲۲	بدز:
۱۳۰، ۳۸	بغداد:
۸۴، ۷۰	بیداء:
۱۰۶	تهران:
۳۹	تیماء:
۱۳۳	جمکران:
۱۰۲	حُلوان (شهری بوده کنار شهر سرپل ذهاب):
۱۲۴	حمراء الاسد:
۲۶، ۱۸	خراسان:
۳۹	خیبر:
۱۰۲، ۶۰	سامراء:
۱۲۷، ۱۲۴، ۳۹، ۲۵	شام:
۱۱۸	شهرری:
۷۵، ۴	صفین:
۱۰۵	عرفات:
۱۳۵	عریض (روستایی کنار مدینه):
۳۹	عیز:
۳۹	فدک:
۱۱۷	قبرستان شیخان:

۱۳۳، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۰۰، ۶۰، ۳۶

قم:

۱۳۰

کاظمین:

۶۹، ۴

کربلا:

۳۸

کرخ:

۱۲۲، ۱۰۵، ۳۸، ۲۵

کعبه:

۱۲۴، ۱۱۵، ۶۱، ۳۶

کوفه:

۸۰

مدین:

۱۳۵، ۱۲۴، ۱۰۵، ۷۲، ۶۹، ۳۹، ۱۳

مدینة النبی (یثرب):

۹۰

مسجد جامع اصفهان:

۱۰۵

مشعر:

، ۳۸، ۱۸

مشهد مقدس:

۱۲۶، ۱۰۵، ۵۰، ۳۸

مکه:

۱۰۵

منی:

۱۳۰، ۶۱

نجف:

۸

ینبع:



منابع و مآخذ

قرآن

نهج البلاغه

۱. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الكبير، مصحح: قیومی اصفهانی، جواد، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۹ق.
۲. اربلی، علی بن عیسی، كشف الغمه فی معرفة الائمة، بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ق.
۳. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، ۱۴۱۶ق.
۴. بحرانی، سید هاشم، مدينة معاجز الائمة الاثنی عشر، مؤسسه معارف اسلامی، قم، ۱۴۱۳ق.
۵. حسینی عاملی، سید محسن امین، اعیان الشیعة، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۶ق.
۶. حلی، حسن بن یوسف، رجال، دار الذخائر، نجف اشرف، ۱۴۱۱ق.
۷. حیدری، عزیز الله، مهدی تجسم امید و نجات، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۲ش.
۸. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، دفتر مؤلف، قم، ۱۳۸۰ش.
۹. صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمة، اسلامیة، تهران، ۱۳۹۵ق.
۱۰. —، علل الشرایع، کتاب فروشی داوری، قم، ۱۳۸۵ق.
۱۱. —، من لایحضره الفقیه، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۳ق.
۱۲. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، مصحح: خراسان، محمد باقر، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ق.
۱۳. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الاحکام، مصحح: خراسان، حسن الموسوی، دار الکتب الاسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ق.

۱۴. طوسی، محمد بن حسن، کتاب الغیبة للحجة، دارالمعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۱ق.

۱۵. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان،

۱۶. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، مصحح: موسوی جزائری، طیب، دار کتاب، قم، ۱۴۰۴ق.

۱۷. کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی - اختیار معرفة الرجال، مصحح: مصطفوی، حسن، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، مشهد، ۱۴۰۹ق.

۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق.

۱۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.

۲۰. مصباح یزدی، محمد تقی، جامی از زلال کوثر، تحقیق و نگارش، حیدری، محمد باقر، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۹۲ش.

۲۱. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰ش.

۲۲. مفید، محمد بن محمد، الإختصاص، مصحح: عفاری، علی اکبر و محرمی زرنندی، محمود، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق.

۲۳. —، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، مصحح، مؤسسه آل البيت، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق.

۲۴. ملکی تبریزی، جواد، المراقبات، ترجمه: محدث بندر ریگی، ابراهیم، انتشارات اخلاق، ۱۳۷۶ش.

۲۵. موسوی اصفهانی، سید محمد تقی، مکیال المکارم، مؤسسه امام مهدی، قم، ۱۴۲۸ق.

۲۶. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۵ش.

۲۷. نعمانی (ابن ابی زینب)، محمد بن ابراهیم، الغیبة، صدوق، تهران، ۱۳۹۷ق.